

# رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللّاهُوتِي

« وَلا تَمُوتُ اٰخِرَ الزَّمَانِ وَرَ مَكاشِفَاتِ يُوْحَنَّا »



سایت رسمی دعوت مبارک یمانی سید احمد الحسن (ع):

[/http://almahdyoon.org](http://almahdyoon.org)

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ يَا مَنْ مِنْ رَبِّهَا وَ يَغْرَقُ  
مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَ اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ.

بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ آن کشتی روان در اقیانوس‌های ژرف؛ هر که بر آن سوار شود، ایمنی یابد و هر که آن را رها کند غرق شود. کسی که از آنها پیش افتد، از دین خارج است و کسی که از آنها عقب بماند، نابود است؛ و همراه با آنها، ملحق به آنها است.

## اهداء:

إلى عيسى بن مريم و شبيهه عيسى بن مريم، آن قائمی که زمین را بزمین دیگری مبدل سازد، و عیسی بن مریم بوجود او بانصارای روم احتجاج کند.

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ  
التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ

[یاد کن] هنگامی که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! به یقین من فرستاده خدا به سوی شمایم، تورات را که پیش از من بوده، تصدیق می‌کنم، و به رسولی که بعد از من می‌آید و نامش «احمد» است، مژده می‌دهم. ولی هنگامی که [احمد] دلایل روشن برای آنان آورد، گفتند: این جادویی است آشکار!!

• **رؤیا یوحنا اللاهوتی :**

مکاشفه یوحنا که با عنوان های دیگری همچون وحی به یوحنا، آخرالزمان یوحنا، کتاب وحی و مکاشفه عیسی مسیح نیز خوانده می‌شود، آخرین کتاب از کتب «عهد جدید» مسیحیان می‌باشد. مکاشفه تنها کتاب عهد جدید است که در رده ادبیات رستاخیزی قرار می‌گیرد؛ و نه تعلیمی یا تاریخی، و تعدادی بسیار از پنداره‌ها، نمادها و تمثیل‌ها را به ویژه در رابطه با وقایع آینده به کار می‌بندد.

یوحنا بن زبدي یا یوحناي رسول (يوناني: Ιωάννης) از حواریون و از دوازده رسول برگزیده عیسی بود. مسیحیت سنتی، او را نویسنده انجیل یوحنا و نیز نویسنده کتاب مکاشفه یوحنا می‌داند در انجیل، یوحنا حواری محبوب مسیح، با نام یوحنا پسر زبدي خوانده شده است، وی برادر یعقوب اکبر و در آغاز ماهیگیر بود. یوحنا، از شاگردان یحیی تعمیددهنده بود که با آغاز دعوت عیسی، به جمع پیروان وی گروید. بنا به روایت انجیل، پس از برخاستن مسیح از مردگان، یوحنا و پطرس نخستین کسانی بودند که به زیارت مقبره رفتند و برخاستن شبیه عیسی را باور کردند. در مسیحیت سنتی، از وی با نام یوحناي محبوب یاد می‌شود. دلیل این نامگذاری به خاطر این بود که یوحناي یار محبوب عیسی مسیح بود و شبیه عیسی بر روی صلیب به مریم مادر عیسی (ع) و یوحنا گفت: " ای مادر یوحناي اینک پسر ت و ای یوحناي مریم اینک مادرت " یوحنا دوران کهنسالی طولانی خود را در افسس (یونان) گذرانید و در آنجا انجیل، سه رساله و کتاب مکاشفه خود را به رشته تحریر درآورده است، اپیفانوس تاریخنگار وفات وی را در سال سوم سلطنت تروجان یعنی سال ۱۰۰ میلادی میداند و اظهار میدارد که او در سن ۹۴ سالگی در افسس از دنیا رفته است.

در طی قرون متمادی، چهار شیوه و دیدگاه متداول برای مطالعه و تفسیر مکاشفه یوحنا وجود داشته این دیدگاه ها عبارتند از: دیدگاه آینده گرا، دیدگاه گذشته گرا، دیدگاه ایدئالیستی و دیدگاه تاریخی.

دیدگاه آینده‌گرا که در قرن بیستم با اقبال فراوان مسیحیان مواجه و دوباره احیا گردیده است، مکاشفه یوحنا را بازنمایی دقیق حوادث روزهای پایانی تاریخ، به ویژه در هفت سال پایانی آن لحاظ می‌کند. مطابق این دیدگاه، تمثیل‌ها و نمادهای مکاشفه یوحنا (چهار سوارکار، حیوان‌ها، شیپورها، جام‌های عذاب، پسر انسان، بره مذبوح، خرابی بابل عظیم، نبرد هارمجدون و ...) حکایت از رخداد‌های واقعی و عینی دارند که در هنگام دوره‌ی به اصطلاح «محنت کبری» به وقوع می‌پیوندند، زیرا بخش اعظم حوادثی که در رساله مذکور از آن یاد شده هنوز پدیدار نشده و امور مهمی در راه است! بر مبنای این دیدگاه قرن حاضر به نحو خاصی پیشگویی‌های مکاشفه یوحنا را متحول ساخته و در نتیجه، میلیون‌ها نفر از مسیحیان، مبلغان تلویزیونی، سخنرانان و واعظان گرفته تا هنرمندان و چهره‌های سیاسی و اجتماعی به توجیه و تأویل علائم رستاخیز در آخرالزمان و ظهور پسر انسان علاقه نشان می‌دهند نقطه اوج این تبلیغات رسانه‌ای بر واقعه‌ای موسوم به «نبرد هارمجدون» متمرکز شده است. عباراتی که در عهد عتیق در کتاب‌های زکریّا (باب 14)، دانیال (باب 11) و یوئیل (باب 3) و نیز در عهد جدید در متی (باب 24) و لوقا (باب 21) آمده است، کلمه Armageddon یا آنگونه که در اصل آمده است (هر مجدون) واژه‌ای است یونانی که بنا به تعریف واژه‌نامه‌های آمریکایی همچون فرهنگ (وبستر) به معنی نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان است. همچنین این واژه نام شهری است در منطقه عمومی شام که بنا به آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده است، جنگی عظیم در آنجا رخ می‌دهد و مرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می‌یابد. به عبارتی نبرد مذکور مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد.

تقسیم‌بندی کلی موضوعات کتاب مکاشفات یوحنا که در قالب 22 فصل بیان شده است عبارتند از: ۱ - مقدمه ، ۲ - رؤیای آغازین ، ۳ - بیست و چهار تخت نشین و بره مذبوح کتابی با هفت مُهر ، ۴ - هفت شیپور ، ۵ - اژدها و دو وحش ، ۶ - رؤیاهای گوناگون ، ۷ -

هفت جام غضب خدا ، ۸ - نابودی بابل و شکست وحش و نبی دروغین و ابلیس ، ۹ - داوری نهایی ، ۱۰ - آسمان جدید، زمین جدید و اورشلیم جدید ، ۱۱ - بخش پایانی .

برای اطلاعات بیشتر درخصوص کلید واژه های بیست و چهار تخت نشین ، برّه مذبوح ، نامه ای با هفت مُهر، شاخه ای خارج شده از ریشه یسی ، قائم برافرازنده پرچم برای جمع کردن پراکندگان امم ، زن حامله در رویاء یوحنا ، شیری از سبط یهوذا ، دجال یا وحش و... به کتاب حواری سیزدهم و نامه هدایت نوشته سید احمد الحسن (ع) مراجعه نمایید؛ ما در این کتاب تنها بذکر نُصُوصِ رُؤْيَا يُوْحَنَّا لِأَهْوَتِي بصورت کامل همراه با متن عربی و ترجمه فارسی بسنده می کنیم امید است که مُحَقِّقِينَ با مراجعه به منابع دعوت سید احمد الحسن یمانی آل محمد(ع) بحقائق پنهان این مکاشفه پی ببرند، ان شاء الله.<sup>۱</sup>

ترجمه کتاب پیش رو ترجمه سایت رسمی شاهدان يَهُوَه میباشد و متون عربی همراه با اعراب آن از سایت [st-takla.org](http://st-takla.org) استخراج شده است ترجمه ارائه شده در مواردی با متن همخوانی نداشته و بصورت کامل ترجمه نشده است که در این صورت دوستان محقق میتوانند با در اختیار داشتن اصل متن عربی نقائص را بر طرف نمایند. لهذا گردآورنده در خصوص ترجمه و اعراب متون عربی ارائه شده دخالتی نداشته و اصل مطالب از سایت های مزبور در اختیار محققین قرار داده شده است.<sup>۲</sup>

<sup>1</sup> - حواری سیزدهم: <http://www.almahdyoon.co/10313/books/13thHavary.pdf>

کتاب نامه هدایت: <http://www.almahdyoon.co/10313/books/Hedayat.pdf>

<sup>2</sup> - کتاب مقدس ترجمه دنیای جدید سایت رسمی شاهدان يَهُوَه:

[/https://www.jw.org/fa](https://www.jw.org/fa)

النص الكامل الكتاب المقدس - العهد الجديد:

[http://st-takla.org/pub\\_newtest/Arabic-New-Testament-Books/Arabi-Bible-New-Testament-Chapters.html](http://st-takla.org/pub_newtest/Arabic-New-Testament-Books/Arabi-Bible-New-Testament-Chapters.html)

بخش هائی از کلام سید احمد الحسن (ع) در کتاب نامه هدایت و حواری سیزدهم:

\*1: قال أحمد الحسن (ع): « أرشدوهم إلى قراءة رؤيا يوحنا اللاهوتي ، فهي تفصيل هذه الدعوة وتبينها لهم إن كانوا يطلبون الحق ويطلبون نصره عيسى ».

أحمد الحسن (ع) فرمودند: « آنها را به خواندن رؤیا یوحنا لاهوتی توصیه می کنیم، آن (رؤیا) تفصیل این دعوت است و اگر طالب حق و نصرت عیسی هستند آن (رؤیا) دعوت را برای آنها آشکار می سازد ».

\*2: قال أحمد الحسن (ع): « رؤيا يوحنا اللاهوتي تبين الحق وصاحب الحق ».

أحمد الحسن (ع) فرمودند: « رؤیا یوحنا لاهوتی حق و صاحب حق را آشکار می سازد ».

\*3: قال أحمد الحسن (ع): « فمن هو الذي يجمع أنصار أبيه غير أول المؤمنين من ذرية الإمام المهدي ؟ !!! ومن هم الشيوخ الأربعة والعشرون غير الأئمة الاثني عشر والمهديين الاثني عشر ؟ !!! ومن هو الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود والذي يفتح السفر ، ويفك ختومه غير الأسد الذي كرم مع علي في خيبر واحد وحنين وبدر ... ؟ !!! وهو من سبط يهوذا ؛ لأن أمه من بني إسرائيل ( نرجس ) أم الإمام المهدي .

ومن هو الخروف الذي وصف بأنه ( خروف قائم كأنه مذبوح ) وهو يحمل سبعة قرون وسبعة أعين ، هم المعصومون الأربعة عشر محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والأئمة . غير المهدي الأول واليماني رسول الإمام المهدي ورسول عيسى ؟ !!! ».

أحمد الحسن (ع) فرمودند: « چه کسی غیر از اولین مومنان از نسل امام مهدی (ع) انصار پدرش را گردهم می آورد؟ !!! و آن شیوخ بیست و چهارگانه چه کسانی خواهند بود غیر از دوازده ائمه و دوازده مهدی؟ !!! آن شیر از فرزندان یهوذا و از اصل داوود کیست که کتاب را باز می کند و مهرهای آن را می گشاید؟ غیر از آن شیری که با علی (ع) در خیبر و حنین واحد

و بدر حمله کرد...؟! و او از فرزندان یهوذا است، چرا که مادرش از بنی اسرائیل (نرجس) مادر امام مهدی(ع) است. آن برّه نر وصف شده به (برّه نر قائم گویا ذبح شده) آنکه حامل هفت شاخ و هفت چشم است کیست؟! آنها همان چهارده معصوم محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه(ع). غیر از مهدی اول و یمانی رسول امام مهدی و رسول عیسی(ع) میباشند.»

\*4: (الأسد والخروف فی رؤیا یوحنا .. من هو ؟) قال أحمد الحسن (ع): « الخروف المذبوح والأسد رموز لمن غلب واستحق أخذَ السفر وفك ختومه وهو أحد الشيوخ الأربع والعشرين، ففي مقام الغلبة الذي يحتاج للقوة والشجاعة والإخلاص رمز له بالأسد، وفي مقام أخذ الختوم الذي يحتاج إلى التضحية رمز له بخروف قائم كأنه مذبوح، وكلا الجهتين تخص نفس الشخص، ولا منافاة بينهما حيث إنّ قوة الروح نتيجة للتضحية والإخلاص والصبر على المظلومية،... أما عندنا، فالجالس على العرش هو محمد، وحوله أربع وعشرون شيخا على عروش أيضا، وهم خلفاء الله في أرضه (الأئمة والمهديون) الذين ذكرهم رسول الله في وصيته المقدسة.»

(شیر و برّه نر در روای یوحنا چه کسی است؟) أحمد الحسن (ع) فرمودند: « برّه نر قربانی و شیر، رمزی برای کسی که پیروز و استحقاق گرفتن سفر و بازکردن مهرهای آن را دارد و او یکی از بیست و چهار پادشاه است، پس در مقام غلبه و چیره شدن به کسی که به قدرت و شجاعت و اخلاص نیازمند بوده به شیر مرموز شده، و در مقام گرفتن مهرها به کسی که به قربان شدن نیازمند بوده به برّه نر قائم ذبح شده مرموز شده است، و هر دو جهت به همان شخص اختصاص دارند، و بین آنها منافاتی نیست، چرا که قدرت روح نتیجهی آن قربان شدن و اخلاص و صبر بر مظلومیت است، ... اما نزد ما، کسی که بر عرش نشسته او محمد

(ع) است، و اطراف او بیست و چهار پادشاه نیز بر عرش‌اند، و آن‌ها (ائمه و مهدیین) جانشینان خداوند در زمین‌اند، کسانی که رسول الله (ع) در وصیت مقدس خود آن‌ها را ذکر کردند<sup>۳</sup>.

❖5: قال أحمد الحسن (ع): « أخبروهم أنّ ( الخروف القائم المذبوح ) قد جاء ، فمن شاء أن يغسل ثيابه بدمه فليفعل ليطهر ويتقدس ، ويكون له نصيب في ملكوت السماوات وليرى في ملكوت السماوات ».

أحمد الحسن (ع) فرمودند: « به آنها خبر دهید که (برّه نر قائم ذبح شده) آمد است، پس کسی که بخواهد لباس هایش را با خون او بشوید باید که عمل کند تا پاک مقدس شود، در این صورت است که در ملکوت آسمان‌ها جایگاهی پیدا کرده و دیده میشود ».

❖6: قال أحمد الحسن (ع): « اشهدوا بما تسمعون وترون في ملكوت السماوات ، عرفوا الناس بالحق ، وادعوا الناس إلى الحق ، وادعوا الجميع إلى المائدة التي نزلت من السماء ، فربما لن يحضر إليها من يظهرون أنهم يطيلون الصلاة والدعاء ، بل يحضر إليها الزناة وشاربو الخمر والخاطئون فيتوبوا إلى الله ، لهذا أنا بُعثت ، لإصلاح هؤلاء ، طوبى لهم إن تابوا وحضروا إلى مائدة عرس الخروف ، طوبى لمن لا يعثر بي ».

أحمد الحسن (ع) فرمودند: « به آنچه که در ملکوت آسمان می شنوید و می بینید، شهادت بدهید. به مردم حق را معرفی کنید و مردم را به حق دعوت کنید، وهمه را به این سفره ای که از آسمان نازل شده دعوت کنید، پس ممکن است بعضی ها روی این سفره حاضر نشوند، آنهایی که به ظاهر نماز و دعای خود را طولانی می کنند. بلکه آنهایی روی این سفره حاضر شوند که زناکار و شراب خوار و خطاکاران اند، پس بسوی خدا توبه کنید، برای همین من

<sup>3</sup> - الحواری الثالث عشر : الأسد والخروف في رؤيا يوحنا .. من هو ؟



مبعوث شدم، برای اصلاح این ها [گناهکاران]. خوشا به حال آنهايي که توبه کردند و به سفره ی عروسی برّه نر حاضر شدند. خوشا به حال کسانی که نسبت به من لغزشی ندارند.»

\*7: قال أحمد الحسن (ع): « كثيرون من النصارى ينتظرون عيسى هذه الأيام ، ويعلمون أنها أيام عودته وأيام القيامة الصغرى ، فنبهوهم إن بعث عيسى كان في المشرق وكذلك عودته ، والرسول ( المعزى ) الذى أخبر عنه في الإنجيل ، وأن عيسى سيرسله سيكون في الشرق ، بل إن الملاحم في آخر الزمان ستكون في الشرق ، وفي العراق بالخصوص كما ذكرت رؤيا يوحنا ، وسمت العراق ( بابل العظيمة ) .»

أحمد الحسن (ع) فرمودند: « در این روزها عده زیادی از مسیحیان منتظر عیسی(ع) هستند و می دانند که این روزها بازگشت اوست و روز قیامت صغری است. پس آنها را بیدار کنید که بدرستی عیسی(ع) مبعوث شده است، در مشرق بود، و همچنین بازگشت او، و رسول (المعزى) کسی که در انجیل از او خبر داد و بدرستی که او عیسی را می فرستد، در مشرق خواهد بود، بلکه جنگ ها در آخر زمان در شرق و عراق خواهد بود، بخصوص همانطوری که من در رویای یوحنا یاد کردم و عراق را (بابل عظیم) نامید.»<sup>4</sup>

\*8: (المرأة المتسرلة بالشمس والقمر) قال أحمد الحسن (ع): « إن المرأة في رؤيا يوحنا ترمز إلى أم الإمام المهدي في زمن معين، فهي متسرلة ومحاطة بالشمس والقمر والاثنى عشر، أى: بمحمد وعلى وفاطمة والأئمة من ولد فاطمة (عليها السلام) إلى الإمام المهدي أى أربعة عشر، والولد الذى تلده في الرؤيا هو المهدي الأول المذكور في وصية رسول الله محمد، فيكون العدد خمسة عشر كما في الرؤيا، وشياطين الأئس والجن يحاربون نسلها؛ لأنهم خلفاء الله في

<sup>4</sup> - نویسنده: محتمل است عبارت ( بابل العظيمة ) چندین وجه داشته باشد و علاوه بر اینکه بیانگر عراق و بغداد است در وجهی دیگر نشانگر شهر و کشوری است که در دوران ظهور برّه نر قدرت برتر جهان را در اختیار دارد و جایگاه و مسکن دجال اکبر است (الله يعلم).

أرضه. أما كون الولد ليس مباشرة منها، فما معنى أنها متمخضة وولده؟! فالجواب: أنها ولدت أبيه أو الأصل الذي جاء منه. ولا بد من التنبيه: أنه لا مانع أن يكون هناك مصداق آخر للمرأة في زمن آخر باعتبار أنها ولدت نفس الولد محور الرؤيا، فتكون المرأة فاطمة (عليها السلام) والخمسة عشر هم: أبيها وأمها وبعلمها، والأئمة الأحد عشر من بنيتها، والسر المستودع فيها أو المولود الثاني عشر من ولدها محور الرؤيا».

(زنى که لباسی با خورشید و ماه پوشیده بود) أحمد الحسن (ع) فرمودند: «همانا زن در روای یوحنا در زمان معین به مادر امام مهدی اشاره می کند، و او لباسی پوشیده و بوسیله ی خورشید و ماه و دوازده نفر احاطه شده است، یعنی: بوسیله ی محمد و فاطمه و ائمه از فرزندان فاطمه (علیها السلام) تا امام مهدی یعنی چهارده تا، و فرزندى که در رؤیا به دنیامی آورد، او مهدی اول که در وصیت رسول الله محمد(ع) ذکر شده است، و تعداد پانزده نفرند همان طوری که در رؤیا آمده است، شیطان های انس و جن با نسل او می جنگند؛ زیرا آنها جانشینان خداوند در زمین اویند. اما از طرفی فرزند بطور مستقیم از او نیست، پس معنی این که او آبستن است و او را زاییده چیست؟! و جواب این است که: او پدرش را به دنیا آورده یا اصل و نسبی که او از آن منشاء گرفته است. و باید به این توجه کرد: همانا اگر برای زن در زمان دیگری مصداقی باشد مانعی وجود ندارد به اعتبار این که او همان بچه ای که محور رویاست به دنیا آورده است، پس آن زن فاطمه (علیها السلام) و آن پانزده تن: پدرش و مادرش و همسرش، و یازده تن ائمه از فرزندان، و سری که در او قرار داده شده یا همان دوازدهمین مولودی از فرزندان که محور رویاست».<sup>5</sup>

\*\*\*

<sup>5</sup> - الحواری الثالث عشر : المرأة المتسريلة بالشمس والقمر

## رؤیا یوحنا اللاهوتی 1 [مکاشفه ۱:۱-۲۰]

1 اِغْلَانُ يَسُوعَ الْمَسِيحِ، الَّذِي أَعْطَاهُ إِيَّاهُ اللَّهُ، لِيُرِيَ عِبِيدَهُ مَا لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ عَنْ قَرِيبٍ، وَبَيْنَهُ مُرْسِلًا بِيَدِ مَلَائِكَةٍ لِعَبْدِهِ يُوحَنَّا، 2 الَّذِي شَهِدَ بِكَلِمَةِ اللَّهِ وَبَشَاهَدَةِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ بِكُلِّ مَا رَأَاهُ. 3 طُوبَى لِلَّذِي يَقْرَأُ وَلِلَّذِينَ يَسْمَعُونَ أَقْوَالَ النَّبُوَّةِ، وَيَحْفَظُونَ مَا هُوَ مَكْتُوبٌ فِيهَا، لِأَنَّ الْوَقْتَ قَرِيبٌ.

۱ این مکاشفه‌ای\* از عیسی مسیح است که خدا به او داد تا آنچه باید به زودی رخ دهد، بر غلامان خود آشکار سازد. او فرشته خود را فرستاد و این مکاشفه را از طریق آن فرشته، به صورت نشانه‌هایی بر خدمتگزار خود یوحنا نمایان ساخت. ۲ یوحنا بر هر آنچه دید، گواهی داد؛ یعنی بر آن کلامی که خدا بخشید و شهادتی که عیسی مسیح داد. ۳ خوشا به حال کسی که کلام این پیشگویی را با صدای بلند می‌خواند و خوشا به حال کسانی که آن را می‌شنوند و آنچه را که در آن نوشته شده است، به جا می‌آورند؛ زیرا زمان مقرر نزدیک است.

4 يُوحَنَّا، إِلَى السَّبْعِ الْكَنَائِسِ الَّتِي فِي أَسِيَّا: نِعْمَةٌ لَكُمْ وَسَلَامٌ مِنَ الْكَائِنِ وَالَّذِي كَانَ وَالَّذِي يَأْتِي، وَمِنَ السَّبْعَةِ الْأَرْوَاحِ الَّتِي أَمَامَ عَرْشِهِ، 5 وَمِنْ يَسُوعَ الْمَسِيحِ الشَّاهِدِ الْأَمِينِ، الْبُكْرِ مِنَ الْأَمْوَاتِ، وَرَئِيسِ مُلُوكِ الْأَرْضِ: الَّذِي أَحَبَّنَا، وَقَدْ غَسَلَنَا مِنْ خَطَايَانَا بِدَمِهِ، 6 وَجَعَلَنَا مُلُوكًا وَكَهَنَةً لِلَّهِ أَبِيهِ، لَهُ الْمَجْدُ وَالسُّلْطَانُ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ. آمِينَ. 7 هُوَذَا يَأْتِي مَعَ السَّحَابِ، وَسَتَنْظُرُهُ كُلُّ عَيْنٍ، وَالَّذِينَ طَعَنُوهُ، وَيَنُوحُ عَلَيْهِ جَمِيعُ قَبَائِلِ الْأَرْضِ. نَعَمْ آمِينَ. 8 «أَنَا هُوَ الْأَلِفُ وَالْيَاءُ، الْبِدَايَةُ وَالنَّهَائَةُ» يَقُولُ الرَّبُّ الْكَائِنُ وَالَّذِي كَانَ وَالَّذِي يَأْتِي، الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.

۴ از طرف یوحنا به هفت جماعتی که در ایالت آسیا هستند: لطف و آرامش از جانب «آن که هست، بود و می‌آید» با شما باد و از جانب هفت روح در پیشگاه تخت او ۵ و از جانب عیسی مسیح «آن شاهد امین»، «نخست‌زاده از مردگان» و «فرمانروای پادشاهان زمین». او که ما را دوست می‌دارد و از طریق خون خود ما را از گناهانمان رهایی بخشید ۶ و از ما پادشاهان و کاهنانی ساخت\* که در خدمت خدا یعنی پدرش باشند؛ آری بر او تا ابد جلال و قدرت باد!

آمین. ۷ بنگرید! او با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید، حتی چشم آنانی که بر او نیزه زدند. همه طایفه‌های زمین به خاطر او از فرط اندوه بر سینه خود خواهند زد. آری، چنین خواهد شد. آمین. ۸ يَهُوه\* خدا می‌گوید: «من «الف» و «ی» هستم، آن که هست، بود و می‌آید؛ آن قادر مطلق.»

9 أَنَا يُوحَنَّا أَخُوكُمْ وَشَرِيكُكُمْ فِي الضِّيْقَةِ وَفِي مَلَكَوتِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ وَصَبْرِهِ. كُنْتُ فِي الْجَزِيرَةِ الَّتِي تُدْعَى بِطُمُسَ مِنْ أَجْلِ كَلِمَةِ اللَّهِ، وَمِنْ أَجْلِ شَهَادَةِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ. 10 كُنْتُ فِي الرُّوحِ فِي يَوْمِ الرَّبِّ، وَسَمِعْتُ وَرَائِي صَوْتًا عَظِيمًا كَصَوْتِ بُوقِ 11 قَائِلًا: «أَنَا هُوَ الْأَلِفُ وَالْيَاءُ. الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ. وَالَّذِي تَرَاهُ، اكْتُبْ فِي كِتَابٍ وَأَرْسِلْ إِلَى السَّبْعِ الْكِنَائِسِ الَّتِي فِي أَسِيَّا: إِلَى أَفْسُسَ، وَإِلَى سَمِيرْنَا، وَإِلَى بَرْغَامُسَ، وَإِلَى ثِيَاتِيرَا، وَإِلَى سَارْدِسَ، وَإِلَى فِيلَادَلْفِيَا، وَإِلَى لَأُودِيكِيَّةَ.»

۹ من یوحنا، برادر شما که به دلیل پیروی از مسیح، مانند شما رنج می‌کشم و پایداری می‌کنم و در پادشاهی با شما شریکم، چون در مورد خدا سخن می‌گفتم و بر عیسی شهادت می‌دادم، به جزیره‌ای به نام پاتموس فرستاده شدم. ۱۰ تحت تأثیر روح‌القدس به روز سرور برده شدم و از پشت سر خود صدایی پر قدرت همچون صدای شیپوری شنیدم ۱۱ که می‌گفت: «آنچه را که می‌بینی در طوماری بنویس و آن را به هفت جماعتِ اِفِسُس، اِزمیر، پِراگاموم، تیاتیرا، ساردِس، فیلادلفیه و لائودیکیه بفرست.»

12 فَالْتَفَتُّ لِأَنْظُرَ الصَّوْتِ الَّذِي تَكَلَّمَ مَعِي. وَلَمَّا التَفْتُ رَأَيْتُ سَبْعَ مَنَائِرٍ مِنْ ذَهَبٍ، 13 وَفِي وَسْطِ السَّبْعِ الْمَنَائِرِ شِبْهُ ابْنِ إِنْسَانٍ، مُتَسَرِّبًا بِثَوْبٍ إِلَى الرَّجْلَيْنِ، وَمَتَمَنِّطًا عِنْدَ ثَدْيَيْهِ بِمِنْطَقَةٍ مِنْ ذَهَبٍ. 14 وَأَمَّا رَأْسُهُ وَشَعْرُهُ فَابْيَضَانِ كَالصُّوفِ الْأَبْيَضِ كَالثَّلْجِ، وَعَيْنَاهُ كَلَهَيْبِ نَارٍ. 15 وَرِجْلَاهُ شِبْهُ النُّحَاسِ النَّقِيِّ، كَأَنَّهَمَا مَحْمِيَّتَانِ فِي آتُونٍ. وَصَوْتُهُ كَصَوْتِ مِيَاهٍ كَثِيرَةٍ. 16 وَمَعَهُ فِي يَدِهِ الْيُمْنَى سَبْعَةُ كَوَاكِبَ، وَسَيْفٌ مَاضٍ ذُو حَدَّيْنِ يَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ، وَوَجْهُهُ كَالشَّمْسِ وَهِيَ تُضِيءُ فِي قُوَّتِهَا. 17 فَلَمَّا رَأَيْتُهُ سَقَطْتُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ كَمَيِّتٍ، فَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَيَّ قَائِلًا لِي: «لَا

تَخَفُ، أَنَا هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، 18 وَالْحَيُّ. وَكُنْتُ مَيِّتًا، وَهَذَا أَنَا حَيٌّ إِلَىٰ أَبَدِ الْأَبَدِينَ! آمِينَ. وَلِي مَفَاتِيحُ الْهَائِيَّةِ وَالْمَوْتِ. 19 فَكُتِبَ مَا رَأَيْتَ، وَمَا هُوَ كَائِنٌ، وَمَا هُوَ عَتِيدٌ أَنْ يَكُونَ بَعْدَ هَذَا. 20 سِرُّ السَّبْعَةِ الْكَوَاكِبِ الَّتِي رَأَيْتَ عَلَىٰ يَمِينِي، وَالسَّبْعِ الْمَنَائِرِ الذَّهَبِيَّةِ: السَّبْعَةُ الْكَوَاكِبُ هِيَ مَلَائِكَةُ السَّبْعِ الْكَنَائِسِ، وَالْمَنَائِرُ السَّبْعُ الَّتِي رَأَيْتَهَا هِيَ السَّبْعُ الْكَنَائِسُ».

۱۲ آنگاه برگشتم که ببینم چه کسی با من سخن می‌گوید. وقتی برگشتم، هفت چراغدان طلایی دیدم ۱۳ و در میان چراغدان‌ها شخصی را دیدم که شبیه پسر انسان بود. او جامه‌ای بلند بر تن داشت و شالی طلایی بر سینه بسته بود. ۱۴ سر و موهایش همچون پشم سفید، به سفیدی برف بود و چشمانش همچون آتش مشتعل. ۱۵ پاهایش درخشان بود، همچون مس خالصی که در کوره گداخته می‌شود و صدایش همچون صدای آب‌های خروشان بود. ۱۶ در دست راست خود هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری تیز، بلند و دودم بیرون می‌آمد و صورتش همچون خورشیدی بود که به طور کامل در درخشش است. ۱۷ وقتی او را دیدم، همچون مرده پیش پاهایش افتادم. آنگاه دست راست خود را بر من گذاشت و گفت: «مترس. من هستم نخستین و آخرین ۱۸ و آن که زنده است؛ من مُردم، اما حال بنگر! همیشه و تا ابد زنده‌ام و کلیدهای مرگ و گور\* را در اختیار دارم. ۱۹ پس آنچه دیدی بنویس، همچنین آنچه اکنون روی می‌دهد و آنچه پس از این‌ها روی خواهد داد. ۲۰ راز مقدس آن هفت ستاره‌ای که در دست راست من دیدی و آن هفت چراغدان طلایی این است: هفت ستاره، مظهر فرشتگان هفت جماعت هستند و هفت چراغدان، مظهر آن هفت جماعت.

### رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي 2 [مکاشفه ۱:۲-۲۹]

1 اُكْتُبْ إِلَىٰ مَلَائِكَةِ كَنِيسَةِ اَفْسُسَ: «هَذَا يَقُولُهُ الْمُؤْمِسِكُ السَّبْعَةَ الْكَوَاكِبِ فِي يَمِينِهِ، الْمَاشِي فِي وَسْطِ السَّبْعِ الْمَنَائِرِ الذَّهَبِيَّةِ: 2 أَنَا عَارِفٌ أَعْمَالِكَ وَتَعَبِكَ وَصَبْرِكَ، وَأَنْكَ لَا تَقْدِرُ أَنْ تَحْتَمِلَ الْأَشْرَارَ، وَقَدْ جَرَّبْتَ الْفَائِلِينَ إِنَّهُمْ رُسُلٌ وَلَيْسُوا رُسُلًا، فَوَجَدْتَهُمْ كَاذِبِينَ. 3 وَقَدْ

اِحْتَمَلْتَ وَلَكَ صَبْرًا، وَتَعِبْتَ مِنْ أَجْلِ اسْمِي وَلَمْ تَكِلْ. 4 لَكِنْ عِنْدِي عَلَيْكَ: أَنْتَ تَرَكَتَ مَحَبَّتَكَ الْأُولَى.

«به فرشته جماعت اِفْسُس بنویس، آن که هفت ستاره در دست راست خود دارد و در میان هفت چراغدان طلایی گام برمی‌دارد، چنین می‌گوید: ۲ «من از اعمال، زحمات و پایداری تو آگاهم. می‌دانم که نمی‌توانی شیرین را تحمل کنی. تو کسانی را که خود را رسول می‌خوانند، اما نیستند آزموده‌ای و پی برده‌ای که دروغگو هستند. ۳ تو از خود پایداری نیز نشان می‌دهی و به خاطر نام من استقامت کرده‌ای و خسته نشده‌ای. ۴ با این حال، این عیب را در تو می‌بینم که محبت نخستین خود را از دست داده‌ای.

5 فَادْكُرْ مِنْ أَيْنَ سَقَطْتَ وَتُبْ، وَاعْمَلِ الْأَعْمَالَ الْأُولَى، وَإِلَّا فَإِنِّي آتِيكَ عَنْ قَرِيبٍ وَأَرْحِزُكَ مِنْ مَكَانِهَا، إِنْ لَمْ تَتُبْ. 6 وَلَكِنْ عِنْدَكَ هَذَا: أَنْتَ تُبْغِضُ أَعْمَالَ النَّقُولَاوِيِّينَ الَّتِي أَبْغَضُهَا أَنَا أَيْضًا. 7 مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ. مَنْ يَغْلِبُ فَسَأُعْطِيهِ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ شَجَرَةِ الْحَيَاةِ الَّتِي فِي وَسْطِ فِرْدَوْسِ اللَّهِ.»

۵ «(به یاد آور که از کجا نزول کرده‌ای. پس توبه کن و اعمال نخستین خود را به جا آور. در غیر این صورت، نزد تو خواهم آمد و چراغدانان را از مکانش برخواهم داشت. ۶ اما این حُسن را داری که از اعمال فرقه نیکولائوس متنفری، چنان که من نیز از آن‌ها متنفرم. ۷ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید: به کسی که غالب آید، اجازه خواهم داد از درخت حیات که در بهشت خداست، بخورد.»

8 وَاَكْتُبْ إِلَى مَلَكَ كَنِيسَةِ سَمِيرْنَا: «هَذَا يَقُولُهُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، الَّذِي كَانَ مَيْتًا فَعَاشَ: 9 أَنَا أَعْرِفُ أَعْمَالَكَ وَضَيْقَتَكَ وَفَقْرَكَ مَعَ أَنْتَ غَنِيٌّ. وَتَجْدِيفَ الْقَائِلِينَ: إِنَّهُمْ يَهُودٌ وَلَيْسُوا يَهُودًا، بَلْ هُمْ مَجْمَعُ الشَّيْطَانِ. 10 لَا تَخَفِ الْبَتَّةَ مِمَّا أَنْتَ عَتِيدٌ أَنْ تَتَّالِمَ بِهِ. هُوَذَا إِبْلِيسُ مُزْمِعٌ أَنْ يُلْقِيَ بَعْضًا مِنْكُمْ فِي السَّجْنِ لِكَيْ تُجَرَّبُوا، وَيَكُونَ لَكُمْ ضَيْقٌ عَشْرَةَ أَيَّامٍ. كُنْ أَمِينًا إِلَى الْمَوْتِ

**فَسَأْطِيبُكَ إِكْلِيلَ الْحَيَاةِ. 11 مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ. مَنْ يَغْلِبُ فَلَا يُؤْذِيهِ الْمَوْتُ الثَّانِي.»**

۸ «به فرشته جماعتِ اِزمیر بنویس، «آن که نخستین و آخرین است،» آن که مُرد و به زندگی بازگشت، چنین می‌گوید: ۹ «من از سختی‌ها و فقر تو آگاهم، با این حال ثروتمندی. من از کفرگویی آنانی که خود را یهودی می‌خوانند باخبرم، اما ایشان در واقع یهودی نیستند، بلکه از کنیسهٔ شیطانند. ۱۰ از رنج‌هایی که به‌زودی خواهی کشید، مترس. بنگر! ابلیس همچنان برخی از شما را به زندان خواهد انداخت تا کاملاً آزموده شوید و برای ده روز سختی خواهید کشید. اما تا پای مرگ وفادار بمان و من تاج حیات را به تو خواهم داد. ۱۱ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید: هر که غالب آید، به هیچ وجه از مرگ دوم آسیبی نخواهد دید.»

**12 وَكُتِبَ إِلَى مَلَكَ الْكَنِيسَةِ الَّتِي فِي بَرْغَامُسَ: «هَذَا يَقُولُهُ الَّذِي لَهُ السَّيْفُ الْمَاضِي ذُو الْحَدَّيْنِ: 13 أَنَا عَارِفٌ أَعْمَالِكَ، وَأَيْنَ تَسْكُنُ حَيْثُ كُرْسِيُّ الشَّيْطَانِ، وَأَنْتَ مُمْتَسِكٌ بِاسْمِي، وَلَمْ تُنْكَرْ إِيمَانِي حَتَّى فِي الْأَيَّامِ الَّتِي فِيهَا كَانَ أَنْتِيْبَاسُ شَهِيدِي الْأَمِينِ الَّذِي قُتِلَ عِنْدَكُمْ حَيْثُ الشَّيْطَانُ يَسْكُنُ. 14 وَلَكِنْ عِنْدِي عَلَيْكَ قَلِيلٌ: أَنْ عِنْدَكَ هُنَاكَ قَوْمًا مُمْتَسِكِينَ بِتَعْلِيمِ بَلْعَامَ، الَّذِي كَانَ يُعَلِّمُ بِالْأَقْ أَنْ يُلْقَى مَعْتَرَةً أَمَامَ بَنِي إِسْرَائِيلَ: أَنْ يَأْكُلُوا مَا ذُبِحَ لِلْأَوْثَانِ، وَيَزْنُوا. 15 هَكَذَا عِنْدَكَ أَنْتَ أَيْضًا قَوْمٌ مُمْتَسِكُونَ بِتَعْلِيمِ النُّقُولَاوِيِّينَ الَّذِي أَبْغَضَهُ. 16 فَتَبُّ وَإِلَّا فَإِنِّي آتِيكَ سَرِيعًا وَأُحَارِبُهُمْ بِسَيْفٍ فَمِي. 17 مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ. مَنْ يَغْلِبُ فَسَأْطِيبُهُ أَنْ يَأْكُلَ مِنَ الْمَنِّ الْمُخْفَى، وَأَعْطِيَهُ حَصَاةً بَيْضَاءَ، وَعَلَى الْحَصَاةِ اسْمٌ جَدِيدٌ مَكْتُوبٌ لَا يَعْرِفُهُ أَحَدٌ غَيْرُ الَّذِي يَأْخُذُ.»**

۱۲ «به فرشته جماعتِ پِراگاموس بنویس، آن که شمشیر تیز، بلند و دودَم دارد، چنین می‌گوید: ۱۳ «می‌دانم کجا به سر می‌بری؛ جایی که تخت شیطان است. با این حال، به نام من وفادار مانده‌ای. تو حتی در روزگار آنتیپاس، ایمانی را که به من داشتی، انکار نکردی؛ آری آنتیپاس،

همان شاهد وفادار من که او را در شهر شما، جایی که شیطان به سر می‌برد، کشتند. ۱۴» «با این حال، چند عیب در تو می‌بینم. در آنجا کسانی را داری که به تعالیم بلعام پای‌بندند؛ یعنی همان کسی که به بالاق آموخت که سبب لغزش بنی‌اسرائیل شود تا آنان از آنچه برای بت‌ها قربانی می‌شد، بخورند و مرتکب اعمال نامشروع جنسی\* شوند. ۱۵ به همین شکل، تو نیز کسانی را داری که به تعالیم فرقه نیکولائوس پای‌بندند. ۱۶ پس توبه کن. اگر نکنی، به زودی نزد تو می‌آیم و با شمشیر بلند دهانم با ایشان جنگ خواهم کرد. ۱۷» «آن که گوش شنوا دارد بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید: کسی که غالب آید، به او مقداری مَنای پنهان خواهم داد. همچنین به او سنگی سفید خواهم بخشید. بر آن سنگ، نامی جدید نوشته شده است؛ نامی که هیچ کس نمی‌داند، جز کسی که آن را دریافت می‌کند.»

**18** **وَاَكْتُبُ إِلَىٰ مَلَائِكَةِ الْكَنِيسَةِ الَّتِي فِي ثِيَابِ تَيْرًا: «هَذَا يَقُولُهُ ابْنُ اللَّهِ، الَّذِي لَهُ عَيْنَانِ كَلَهَيْبِ نَارٍ، وَرَجُلَاهُ مِثْلُ النَّحَاسِ النَّقِيِّ: 19** **أَنَا عَارِفٌ أَعْمَالِكَ وَمَحَبَّتِكَ وَخِدْمَتِكَ وَإِيمَانِكَ وَصَبْرِكَ، وَأَنَّ أَعْمَالَكَ الْأَخِيرَةَ أَكْثَرَ مِنَ الْأُولَىٰ. 20** **لَكِنْ عِنْدِي عَلَيْكَ قَلِيلٌ: أَنْكَ تَسِيبُ الْمَرْأَةَ إِيزَابَلَ الَّتِي تَقُولُ إِنَّهَا نَبِيَّةٌ، حَتَّىٰ تَعْلَمَ وَتُغْوِيَ عِبِيدِي أَنْ يَزْنُوا وَيَأْكُلُوا مَا ذُبِحَ لِلْأَوْثَانِ. 21** **وَأَعْطَيْتَهَا زَمَانًا لِكَيْ تَتُوبَ عَنْ زَنَاهَا وَلَمْ تَتُبْ. 22** **هَا أَنَا أَلْقِيهَا فِي فِرَاشٍ، وَالَّذِينَ يَزْنُونَ مَعَهَا فِي ضَيْقِهِ عَظِيمَةٍ، إِنْ كَانُوا لَا يَتُوبُونَ عَنْ أَعْمَالِهِمْ. 23** **وَأَوْلَادُهَا أَقْتَلُهُمْ بِالْمَوْتِ. فَسَتَعْرِفُ جَمِيعَ الْكِنَائِسِ أَنِّي أَنَا هُوَ الْفَاحِصُ الْكَلِيُّ وَالْقَلُوبِ، وَسَأُعْطِي كُلَّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ بِحَسَبِ أَعْمَالِهِ. 24** **وَلَكِنِّي أَقُولُ لَكُمْ وَلِلْبَاقِينَ فِي ثِيَابِ تَيْرًا، كُلُّ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ هَذَا التَّعْلِيمُ، وَالَّذِينَ لَمْ يَعْرِفُوا أَعْمَاقَ الشَّيْطَانِ، كَمَا يَقُولُونَ: إِنِّي لَا أَلْقِي عَلَيْكُمْ ثِقْلًا آخَرَ، 25** **وَإِنَّمَا الَّذِي عِنْدَكُمْ تَمَسَّكُوا بِهِ إِلَيَّ أَنْ أَجِيءَ. 26** **وَمَنْ يَغْلِبُ وَيَحْفَظُ أَعْمَالِي إِلَى النَّهَائِيَةِ فَسَأُعْطِيهِ سُلْطَانًا عَلَى الْأُمَّمِ، 27** **فَيَرْعَاهُمْ بِقَضِيبٍ مِنْ حَدِيدٍ، كَمَا تُكْسَرُ آبِيَةٌ مِنْ خَرْفٍ، كَمَا أَخَذْتُ أَنَا أَيْضًا مِنْ عِنْدِ أَبِي، 28** **وَأُعْطِيهِ كَوْكَبَ الصُّبْحِ. 29** **مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ.»**

۱۸ «به فرشته جماعت تیاتیرا بنویس، پسر خدا که چشمانی همچون آتش مشتعل دارد و پاهایش مانند مسِ خالص است، چنین می‌گوید: ۱۹ «من از اعمال تو، همچنین از محبت،



ایمان، خدمت و پایداری تو آگاهم. می‌دانم که اعمالت اکنون بیش از گذشته است. ۲۰ «با این حال، عیبی در تو می‌بینم. تو روا می‌داری که آن زن، یعنی ایزابل که خود را نبیه می‌خواند، غلامان مرا با تعالیمش گمراه کند تا مرتکب اعمال نامشروع جنسی\* شوند و از آنچه برای بت‌ها قربانی شده است، بخورند. ۲۱ من به او مهلت دادم تا توبه کند، اما نمی‌خواهد از اعمال نامشروع جنسی\* خود توبه نماید. ۲۲ بنگر! من به زودی او را بر بستر بیماری خواهم انداخت و آنانی را که با او مرتکب زنا می‌شوند، به مصیبتی عظیم گرفتار خواهم ساخت، مگر این که توبه کنند و اعمال وی را مرتکب نشوند. ۲۳ فرزندان او را با بلای مرگبار خواهم کشت. به این ترتیب، همه جماعت‌ها خواهند دانست، من آن کسی هستم که عمیق‌ترین افکار\* و دل‌ها را می‌کاود. من به هر یک از شما مطابق اعمالتان عوض خواهم داد. ۲۴ «با این حال، به باقی شما در تیاتیرا، به تمامی شما که از این تعالیم پیروی نمی‌کنید و آنچه را که به اصطلاح «چیزهای عمیق شیطان» خوانده می‌شود نیاموخته‌اید، این را می‌گویم: من باری بر بارهای شما نمی‌افزایم. ۲۵ فقط تا زمانی که بیایم، آنچه را دارید حفظ کنید. ۲۶ به کسی که غالب آید و تا به آخر از اعمال من پیروی کند، اقتدار بر قوم‌ها را خواهم بخشید. ۲۷ او مردم را با عصای آهنین شبانی خواهد کرد تا همچون ظروف گلی خرد شوند، همان طور که من اقتدار را از پدرم گرفته‌ام. ۲۸ من به او ستاره صبح را خواهم داد. ۲۹ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید.»

### رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي 3 [مکاشفه ۳: ۱-۲۲]

1 **وَ اَكْتُبُ اِلَى مَلَائِكَةِ الْكَنِيسَةِ الَّتِي فِي سَارْدِسَ: «هَذَا يَقُولُهُ الَّذِي لَهُ سَبْعَةُ اَرْوَاحِ اللهِ وَالسَّبْعَةُ الْكُوكَبُ: اَنَا عَارِفٌ اَعْمَالِكَ، اَنْ لَكَ اسْمًا اَنْكَ حَيٌّ وَاَنْتَ مَيِّتٌ. 2 كُنْ سَاهِرًا وَشَدِّدْ مَا بَقِيَ، الَّذِي هُوَ عَتِيدٌ اَنْ يَمُوتَ، لِاَنِّي لَمْ اَجِدْ اَعْمَالَكَ كَامِلَةً اَمَامَ اللهِ. 3 فَادْكُرْ كَيْفَ اَخَذْتَ وَسَمِعْتَ، وَاحْفَظْ وَتُبْ، فَاِنِّي اِنْ لَمْ تَسْهَرْ، اُقَدِّمُ عَلَيْكَ كَلِصًّا، وَلَا تَعْلَمُ اَيَّةَ سَاعَةٍ اُقَدِّمُ عَلَيْكَ. 4 عِنْدَكَ اَسْمَاءٌ قَلِيلَةٌ فِي سَارْدِسَ لَمْ يُنَجِّسُوا ثِيَابَهُمْ، فَسَيَمْسُونَنِي فِي ثِيَابٍ بِيضٍ لِاَنَّهُمْ**

**مُسْتَحِقُّونَ. 5 مَنْ يَغْلِبُ فَذَلِكَ سَيَلْبَسُ ثِيَابًا بِيضًا، وَلَنْ أَمَحُوَ اسْمَهُ مِنْ سِفْرِ الْحَيَاةِ، وَسَأَعْتَرِفُ بِاسْمِهِ أَمَامَ أَبِي وَأَمَامَ مَلَائِكَتِهِ. 6 مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ»**

«به فرشته جماعت ساردیس بنویس، آن که هفت روح خدا و هفت ستاره دارد، چنین می گوید: «من از اعمال تو آگاهم. می دانم که نزد مردم شهرت\* داری که زنده ای، اما در واقع مرده ای. ۲ هوشیار شو و آنچه را باقی مانده و در شرف مردن است، تقویت کن؛ زیرا دریافته ام که کارهای خود را آن گونه که مورد پسند خداست، به طور کامل به انجام نرسانده ای.\* ۳ پس آنچه را دریافت کرده و شنیده ای همواره مد نظر داشته باش؛ آن را نگاه دار و توبه کن. به راستی اگر بیدار نشوی، همچون دزد بر تو خواهم آمد و نخواهی دانست که در چه ساعتی می آیم. ۴ «با این حال، در ساردیس، چند نفر\* در میان تو هستند که ردای خود را آلوده نساخته اند. آنان با ردهای سفید با من گام برخواهند داشت؛ زیرا شایسته آنند. ۵ کسی که غالب آید نیز ردای سفید بر تن خواهد کرد و من هرگز نام او را از دفتر حیات پاک نخواهم نمود.\* بلکه در حضور پدرم و فرشتگانش نام او را اعلام خواهم کرد و خواهم گفت که او با من است. ۶ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت ها چه می گوید.»

**7 وَاَكْتُبُ إِلَى مَلَائِكَةِ الْكَنِيسَةِ الَّتِي فِي فِيلَادَلْفِيَا: «هَذَا يَقُولُهُ الْقُدُّوسُ الْحَقُّ، الَّذِي لَهُ مِفْتَاحُ دَاوُدَ، الَّذِي يَفْتَحُ وَلَا أَحَدٌ يُغْلِقُ، وَيُغْلِقُ وَلَا أَحَدٌ يَفْتَحُ: 8 أَنَا عَارِفُ أَعْمَالِكَ. هَذَا قَدْ جَعَلْتُ أَمَامَكَ أَبَا مَفْتُوحًا وَلَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يُغْلِقَهُ، لِأَنَّ لَكَ قُوَّةَ يَسِيرَةٍ، وَقَدْ حَفِظْتَ كَلِمَتِي وَلَمْ تُنْكِرِ اسْمِي. 9 هَذَا أَجْعَلُ الَّذِينَ مِنْ مَجْمَعِ الشَّيْطَانِ، مِنَ الْقَائِلِينَ إِنَّهُمْ يَهُودٌ وَلَيْسُوا يَهُودًا، بَلْ يَكْذِبُونَ - هَذَا أُصِيرُهُمْ يَأْتُونَ وَيَسْجُدُونَ أَمَامَ رَجُلِيكَ، وَيَعْرِفُونَ أَنِّي أَنَا أَحَبُّتُكَ. 10 لِأَنَّكَ حَفِظْتَ كَلِمَةَ صَبْرِي، أَنَا أَيْضًا سَأَحْفَظُكَ مِنْ سَاعَةِ التَّجْرِبَةِ الْعَتِيدَةِ أَنْ تَأْتِيَ عَلَيَّ الْعَالَمِ كُلِّهِ لِتُجَرِّبَ السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ. 11 هَا أَنَا آتِي سَرِيعًا. تَمَسِّكْ بِمَا عِنْدَكَ لِئَلَّا يَأْخُذَ أَحَدٌ إِكْلِيلَكَ. 12 مَنْ يَغْلِبُ فَسَأَجْعَلُهُ عَمُودًا فِي هَيْكَلِ إِلَهِي، وَلَا يَعُودُ يَخْرُجُ إِلَى خَارِجٍ، وَأَكْتُبُ عَلَيْهِ اسْمَ إِلَهِي، وَاسْمَ مَدِينَةِ إِلَهِي، أُورُشَلِيمَ الْجَدِيدَةَ النَّازِلَةَ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ إِلَهِي، وَاسْمِي الْجَدِيدِ. 13 مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ».**

۷ «به فرشته جماعت فیلاذلیفیه بنویس، او که مقدّس و حقیقی\* است، او که کلید داوود را دارد و دری را که باز می‌کند کسی نخواهد بست و دری را که می‌بندد کسی باز نخواهد کرد، چنین می‌گوید: ۸ «من از کارهای تو آگاهم. بنگر! من دری باز را در مقابل تو قرار داده‌ام که هیچ کس نمی‌تواند ببندد. می‌دانم با این که قدرتت ناچیز است، کلام مرا نگاه داشتی و نام مرا انکار نکردی. ۹ بنگر! من آنانی را که از کنیسه شیطانند و خود را یهودی می‌خوانند، اما نیستند و دروغ می‌گویند، وادار خواهم کرد، آری، وادارشان خواهم کرد که بیایند و در مقابل پاهای تو تعظیم کنند\* و بدانند که من تو را دوست داشته‌ام. ۱۰ حال که مرا در پایداری سرمشق قرار دادی، من نیز تو را از ساعت آزمایشی حفظ خواهم کرد که بر تمام مناطق مسکونی زمین خواهد آمد تا ساکنان زمین آزموده شوند. ۱۱ من به‌زودی می‌آیم. آنچه را داری، محکم حفظ کن تا کسی تاج تو را نرباید. ۱۲» «کسی که غالب آید، او را در معبد خدایم ستونی خواهم ساخت و دیگر هرگز از آنجا خارج نخواهد شد. بر او نام خدایم، نام شهر خدایم، یعنی اورشلیم جدید که از آسمان از جانب خدای من پایین می‌آید و همچنین نام جدید خود را خواهم نوشت. ۱۳ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید.»

14 **وَ اَكْتُبُ اِلَى مَلَائِكَةِ كَنِيسَةِ اللّٰوْدِيَّةِ: «هَذَا يَقُولُهُ الْاَمِينُ، الشّاهِدُ الْاَمِينُ الصّادِقُ، بَدَاءَةُ خَلِيقَةِ اللهِ: 15 اَنَا عَارِفٌ اَعْمَالِكَ، اَنْكَ لَسْتَ بَارِدًا وَلَا حَارًّا. لَيْتَكَ كُنْتَ بَارِدًا اَوْ حَارًّا! 16 هَكَذَا لَئِنْكَ فَاتِرٌ، وَلَسْتَ بَارِدًا وَلَا حَارًّا، اَنَا مُزْمِعٌ اَنْ اَتَقَيَّاكَ مِنْ فَمِي. 17 لَئِنْكَ تَقُولُ: اِنِّي اَنَا غَنِيٌّ وَقَدْ اسْتَعْنَيْتُ، وَلَا حَاجَةَ لِي اِلَى شَيْءٍ، وَلَسْتَ تَعْلَمُ اَنْكَ اَنْتَ الشَّقِيُّ وَالْبَيْسُ وَفَقِيرٌ وَاَعْمَى وَعُرْيَانٌ. 18 اُسْبِرْ عَلَيْكَ اَنْ تَشْتَرِيَ مِنِّي ذَهَبًا مُصَفًّى بِالنّارِ لِكِي تَسْتَعْنِيَ، وَثِيَابًا بِيضًا لِكِي تَلْبَسَ، فَلَا يَظْهَرُ خِزْيُ عُرْيَتِكَ. وَكَحْلٌ عَيْنَيْكَ بِكَحْلٍ لِكِي تُبْصِرَ. 19 اِنِّي كُلُّ مَنْ اُحِبُّهُ اُوْبِخُهُ وَاُوْدِبُهُ. فَكُنْ غَيُورًا وَتَبُّ. 20 هُنَذَا وَاقِفْ عَلَيَّ الْبَابِ وَاَقْرَعُ. اِنْ سَمِعَ اَحَدٌ صَوْتِي وَفَتَحَ الْبَابَ، اَدْخُلْ اِلَيْهِ وَاَتَعَشَى مَعَهُ وَهُوَ مَعِي. 21 مَنْ يَغْلِبُ فَسَاْعَطِيهِ اَنْ يَجْلِسَ مَعِي فِي عَرْشِي، كَمَا غَلَبْتُ اَنَا اَيْضًا وَجَلَسْتُ مَعَ اَبِي فِي عَرْشِهِ. 22 مَنْ لَهُ اُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ مَا يَقُولُهُ الرُّوحُ لِلْكَنَائِسِ.»**

۱۴ «به فرشته جماعت لائودیکیه بنویس، آن آمین،\* آن شاهد امین و حقیقی،\* آن که آغاز آفرینشِ خداست، چنین می‌گوید: ۱۵ «از اعمال تو آگاهم. می‌دانم که نه سردی و نه گرم. ای کاش که سرد یا گرم بودی. ۱۶ پس چون ولرمی، یعنی نه سردی و نه گرم، تو را چون تُف از دهانم بیرون خواهم انداخت. ۱۷ تو می‌گویی: «ثروتمندم و مال بسیار اندوخته‌ام و به هیچ چیز نیاز ندارم.» اما نمی‌دانی که تو بیچاره، اسف‌انگیز، فقیر، کور و برهنه‌ای. ۱۸ پس به تو توصیه می‌کنم که این‌ها را از من بخری: طلای تصفیه‌شده با آتش را تا ثروتمند شوی، ردای سفید را تا بر تن کنی و برهنگی شرم‌آور تو آشکار نشود و مرهم چشم را تا بر چشمان خود بمالی و بینا شوی. ۱۹ «من تمام کسانی را که دوست می‌دارم،\* توبیخ و تأدیب می‌کنم. پس غیور باش و توبه کن. ۲۰ بنگر! من پشت در ایستاده‌ام و در را می‌کوبم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را باز کند، به خانه او وارد خواهم شد و با او شام خواهم خورد و او نیز با من همسفره خواهد شد. ۲۱ کسی که غالب آید، به او اجازه خواهم داد که با من بر تخت خودم بنشیند، چنان که من غالب آمدم و با پدرم بر تخت او نشستم. ۲۲ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید.»

### رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 4 [مكاشفه ۱:۴-۱۱]

1 بَعْدَ هَذَا نَظَرْتُ وَإِذَا بَابٌ مَفْتُوحٌ فِي السَّمَاءِ، وَالصَّوْتُ الأوَّلُ الَّذِي سَمِعْتُهُ كَبُوقٌ يَتَكَلَّمُ مَعِي قَائِلًا: «اصْعَدْ إِلَيَّ هُنَا فَأَرِيكَ مَا لَا بُدَّ أَنْ يَصِيرَ بَعْدَ هَذَا». 2 وَلِلْوَقْتِ صِرْتُ فِي الرُّوحِ، وَإِذَا عَرْشٌ مَوْضُوعٌ فِي السَّمَاءِ، وَعَلَى الْعَرْشِ جَالِسٌ. 3 وَكَانَ الْجَالِسُ فِي الْمَنْظَرِ شَبَهَ حَجَرِ الْيَشْبِ وَالْعَقِيقِ، وَقَوْسٌ قَزَحَ حَوْلَ الْعَرْشِ فِي الْمَنْظَرِ شَبَهَ الزُّمُرِّدِ.

پس از آن، نگاه کردم و دری باز در آسمان دیدم. آنگاه نخستین صدایی که شنیدم همچون صدای شیپور بود که به من چنین گفت: «به اینجا بالا بیا و آنچه را که باید روی دهد، به تو نشان خواهم داد.» ۲ سپس همان دم، روح خدا مرا فرو گرفت و دیدم که تختی در آسمان قرار داشت و کسی بر آن تخت نشسته بود. ۳ آن تخت‌نشین، ظاهری همچون سنگ یشب\* و عقیق خرمایی\* داشت و گرداگرد تخت را رنگین‌کمانی زُمرّدگون فرا گرفته بود.

4 وَحَوْلَ الْعَرْشِ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ عَرْشًا. وَرَأَيْتُ عَلَى الْعُرُوشِ أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ شَيْخًا جَالِسِينَ مُتَسَرِّبِلِينَ بِثِيَابٍ بَيْضٍ، وَعَلَى رُؤُوسِهِمْ أَكَالِيلٌ مِنْ ذَهَبٍ. 5 وَمِنَ الْعَرْشِ يَخْرُجُ بُرُوقٌ وَرَعُودٌ وَأَصْوَاتٌ. وَأَمَامَ الْعَرْشِ سَبْعَةٌ مَصَابِيحُ نَارٍ مُتَقَدَّةٌ، هِيَ سَبْعَةُ أَرْوَاحِ اللَّهِ. 6 وَقُدَّامَ الْعَرْشِ بَحْرٌ زُجَاجٍ شَبَهَ الْبَلُّورِ. وَفِي وَسَطِ الْعَرْشِ وَحَوْلَ الْعَرْشِ أَرْبَعَةُ حَيَوَانَاتٍ مَمْلُوءَةٌ عِيُونًا مِنْ قُدَّامٍ وَمِنْ وَّرَاءِ: 7 وَالْحَيَوَانُ الأوَّلُ شَبَهُ أَسَدٍ، وَالْحَيَوَانُ الثَّانِي شَبَهُ عِجْلٍ، وَالْحَيَوَانُ الثَّلَاثُ لَهُ وَجْهٌ مِثْلُ وَجْهِ إِنْسَانٍ، وَالْحَيَوَانُ الرَّابِعُ شَبَهُ نَسْرٍ طَائِرٍ. 8 وَالْأَرْبَعَةُ الْحَيَوَانَاتُ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا سِتَّةُ أَجْنِحَةٍ حَوْلَهَا، وَمِنْ دَاخِلِ مَمْلُوءَةٌ عِيُونًا، وَلَا تَزَالُ نَهَارًا وَكَيْلًا قَائِلَةً: «قُدُّوسٌ، قُدُّوسٌ، قُدُّوسٌ، الرَّبُّ الْإِلَهُ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، الَّذِي كَانَ وَالْكَائِنُ وَالَّذِي يَأْتِي».

۴ در اطراف آن تخت ۲۴ تخت دیگر بود و دیدم که بر آن‌ها ۲۴ پیر نشسته‌اند که رداهای سفید بر تن و تاج طلایی بر سر دارند. ۵ از آن تخت، برق‌هایی بیرون می‌جهید و صداها و غرّش رعد شنیده می‌شد. در مقابل آن تخت، هفت مشعل افروخته قرار داشت و این‌ها مظهر هفت روح خدا هستند. ۶ در برابر آن تخت، چیزی شبیه به دریایی شیشه‌ای بود، به شفافیت

بلور. در میان و در اطراف تخت، چهار موجود زنده بود که بدنشان از جلو و پشت پر از چشم بود. ۷ موجود زنده اول همچون شیر بود و دومی همچون گاو نر جوان. موجود زنده سوم صورتی همچون انسان داشت و چهارمی همچون عقابی بود در پرواز. ۸ هر یک از آن چهار موجود زنده، شش بال داشت و دورتادور و زیر بال‌هایشان پر از چشم بود و روز و شب پیوسته می‌گویند: «قدّوس، قدّوس، قدّوس است یَهُوه\* خدا، آن قادر مطلق، آن که بود و هست و می‌آید.»

9 وَحِينَمَا تُعْطَى الْحَيَوَانَاتُ مَجْدًا وَكَرَامَةً وَشُكْرًا لِلْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ، الْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْآبِدِينَ،  
10 يَخِرُّ الْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَيْخًا قُدَّامَ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ، وَيَسْجُدُونَ لِلْحَيِّ إِلَى أَبَدِ  
الْآبِدِينَ، وَيَطْرَحُونَ أَكَالِيلَهُمْ أَمَامَ الْعَرْشِ قَائِلِينَ: 11 «أَنْتَ مُسْتَحِقُّ أَيُّهَا الرَّبُّ أَنْ تَأْخُذَ  
الْمَجْدَ وَالْكَرَامَةَ وَالْقُدْرَةَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ خَلَقْتَ كُلَّ الْأَشْيَاءِ، وَهِيَ بِإِرَادَتِكَ كَانَتْهُ وَخُلِقَتْ».

۹ هر گاه که آن چهار موجود زنده، جلال و حرمت و شکرگزاری نثار آن تخت‌نشین می‌کنند که همیشه و تا ابد زنده است، ۱۰ آن ۲۴ پیر در مقابل آن تخت‌نشین زانو می‌زنند و او را که همیشه و تا ابد زنده است، پرستش می‌کنند. آنگاه تاج خود را پیش آن تخت می‌اندازند و می‌گویند: ۱۱ «ای یَهُوه\* خدای ما، جلال و حرمت و قدرت شایسته توست؛\* زیرا تو همه چیز را آفریدی و به خواست تو بود که همه چیز به وجود آمد و آفریده شد.»

### رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 5 [مکاشفه ۵: ۱-۱۴]

1 وَرَأَيْتُ عَلَى عَلِيٍّ يَمِينِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ سِفْرًا مَكْتُوبًا مِنْ دَاخِلٍ وَمِنْ وَّرَاءِ، مَخْتُومًا بِسَبْعَةِ  
خُتُومٍ. 2 وَرَأَيْتُ مَلَكَ قَوِيًّا يُنَادِي بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «مَنْ هُوَ مُسْتَحِقُّ أَنْ يَفْتَحَ السِّفْرَ وَيُفَكَّ  
خُتُومَهُ؟» 3 فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ فِي السَّمَاءِ وَلَا عَلَى الْأَرْضِ وَلَا تَحْتَ الْأَرْضِ أَنْ يَفْتَحَ السِّفْرَ وَلَا  
أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ. 4 فَصِرْتُ أَنَا أَبْكِي كَثِيرًا، لِأَنَّهُ لَمْ يُوْجَدْ أَحَدٌ مُسْتَحِقًّا أَنْ يَفْتَحَ السِّفْرَ وَيَقْرَاهُ وَلَا  
أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ. 5 فَقَالَ لِي وَاحِدٌ مِنَ الشُّيُوخِ: «لَا تَبْكِي. هُوَذَا قَدْ غَلَبَ الْأَسَدُ الَّذِي مِنْ سِبْطِ  
يَهُوذَا، أَصْلُ دَاوُدَ، لِيَفْتَحَ السِّفْرَ وَيُفَكَّ خُتُومَهُ السَّبْعَةَ».

در دست راست آن تخت‌نشین طوماری دیدم که هر دو طرف آن نوشته‌هایی داشت و با هفت مُهر، محکم مُهروموم شده بود. ۲ فرشته‌ای قوی را دیدم که با صدای بلند اعلام می‌کرد: «چه کسی شایسته است مُهرهای طومار را شکسته، آن را باز کند؟» ۳ اما هیچ کس در آسمان، بر زمین و زیر زمین نبود که بتواند طومار را باز کند یا داخل آن را ببیند. ۴ پس به‌شدت به گریه افتادم؛ زیرا هیچ کس یافت نشد که شایسته باشد طومار را باز کند یا داخل آن را ببیند. ۵ اما یکی از پیران به من گفت: «دیگر گریه مکن. بنگر! آن شیرِ طایفه یهودا، آری آن ریشه‌دار داوود، غالب آمده است تا طومار و هفت مُهر آن را باز کند.»

**6 وَرَأَيْتُ فَإِذَا فِي وَسْطِ الْعَرْشِ وَالْحَيَوَانَاتِ الْأَرْبَعَةِ وَفِي وَسْطِ الشُّيُوخِ خُرُوفٌ قَائِمٌ كَأَنَّهُ مَذْبُوحٌ، لَهُ سَبْعَةُ قُرُونٍ وَسَبْعُ أَعْيُنٍ، هِيَ سَبْعَةُ أَرْوَاحِ اللَّهِ الْمُرْسَلَةِ إِلَى كُلِّ الْأَرْضِ. 7 فَآتَى وَأَخَذَ السَّفْرَ مِنْ يَمِينِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ. 8 وَلَمَّا أَخَذَ السَّفْرَ خَرَّتِ الْأَرْبَعَةُ الْحَيَوَانَاتُ وَالْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَيْخًا أَمَامَ الْخُرُوفِ، وَلَهُمْ كُلٌّ وَاحِدٍ قَيْثَارَاتٌ وَجَامَاتٌ مِنْ ذَهَبٍ مَمْلُوءَةٌ بَخُورًا هِيَ صَلَوَاتُ الْقَدِّيسِينَ. 9 وَهُمْ يَتَرَنَّمُونَ تَرْنِيمَةً جَدِيدَةً قَائِلِينَ: «مُسْتَحِقُّ أَنْتَ أَنْ تَأْخُذَ السَّفْرَ وَتَفْتَحَ خُتْمَهُ، لِأَنَّكَ ذُبِحْتَ وَاشْتَرَيْتَنَا لِلَّهِ بِدَمِكَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ وَلِسَانٍ وَشَعْبٍ وَأُمَّةٍ، 10 وَجَعَلْتَنَا لِإِلَهِنَا مُلُوكًا وَكَهَنَةً، فَسَنَمْلِكُ عَلَى الْأَرْضِ.»**

۶ آنگاه در میان\* آن تخت و در میان آن چهار موجود زنده و پیران، بره‌ای ایستاده دیدم که ظاهراً ذبح شده بود و هفت شاخ و هفت چشم داشت. این چشمان مظهر هفت روح خداست که به تمام زمین فرستاده شده است. ۷ همان لحظه بره پیش آمد و طومار را از دست راست آن تخت‌نشین گرفت. ۸ وقتی طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و ۲۴ پیر در مقابل بره زانو زدند. هر یک از پیران، یک چنگ و کاسه‌هایی طلایی پر از بخور داشت. (بخور مظهر دعاهاى مقدّسان است.) ۹ آنان سرودی تازه می‌خوانند و می‌گویند: «تو شایسته‌ای که طومار را برداری و مُهرهای آن را باز کنی؛ زیرا ذبح شدی و با خون خود افرادی را از هر طایفه، زبان، قوم و ملت برای خدا خریدی ۱۰ و از آنان پادشاهان\* و کاهنانی ساختی که در خدمت خدایمان باشند. ایشان در مقام پادشاه بر زمین سلطنت خواهند کرد.»

11 وَنَظَرْتُ وَسَمِعْتُ صَوْتَ مَلَائِكَةٍ كَثِيرِينَ حَوْلَ الْعَرْشِ وَالْحَيَوَانَاتِ وَالشُّيُوخِ، وَكَانَ عَدَدُهُمْ رَبَّوَاتِ رَبَّوَاتِ رَبَّوَاتِ وَالْوُفِّ وَالْوُفِّ، 12 قَائِلِينَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «مُسْتَحِقُّ هُوَ الْخُرُوفُ الْمَذْبُوحُ أَنْ يَأْخُذَ الْقُدْرَةَ وَالْغِنَى وَالْحِكْمَةَ وَالْقُوَّةَ وَالْكَرَامَةَ وَالْمَجْدَ وَالْبَرَكَهَ!». 13 وَكُلُّ خَلِيقَةٍ مِمَّا فِي السَّمَاءِ وَعَلَى الْأَرْضِ وَتَحْتَ الْأَرْضِ، وَمَا عَلَى الْبَحْرِ، كُلُّ مَا فِيهَا، سَمِعَتْهَا قَائِلَةً: «لِلْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ وَلِلْخُرُوفِ الْبَرَكَهَ وَالْكَرَامَةَ وَالْمَجْدَ وَالسُّلْطَانَ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ». 14 وَكَانَتْ الْحَيَوَانَاتُ الْأَرْبَعَةُ تَقُولُ: «آمِينَ». وَالشُّيُوخُ الْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ خَرُّوا وَسَجَدُوا لِلْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ.

۱۱ آنگاه نظر کردم و صدای فرشتگان بسیاری را شنیدم که گرداگرد تخت و آن موجودات زنده و پیران بودند. شمار آنان دهها هزار در دهها هزار و هزاران هزار بود ۱۲ و با صدای بلند می گفتند: «آن بره که ذبح شد، شایسته این است که قدرت، ثروت، حکمت، قوت، حرمت، جلال و برکت را بیابد.» ۱۳ آنگاه شنیدم که هر مخلوقی که در آسمان، بر زمین، زیر زمین و بر دریاست، آری هر چه در آن هاست می گویند: «برکت، حرمت، جلال و قوت، همیشه و تا ابد از آن تخت نشین و بره باد!» ۱۴ آن چهار موجود زنده می گفتند: «آمین!» و پیران به زانو افتاده، پرستش کردند.

### رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي 6 [مكاشفه ۱:۶-۱۷]

1 وَنَظَرْتُ لَمَّا فَتَحَ الْخُرُوفُ وَاحِدًا مِنَ الْخُتُومِ السَّبْعَةِ، وَسَمِعْتُ وَاحِدًا مِنَ الْأَرْبَعَةِ الْحَيَوَانَاتِ قَائِلًا كَصَوْتِ رَعْدٍ: «هَلُمَّ وَأَنْظُرْ!» 2 فَنَظَرْتُ، وَإِذَا فَرَسٌ أَبْيَضٌ، وَالْجَالِسُ عَلَيْهِ مَعَهُ قَوْسٌ، وَقَدْ أُعْطِيَ إِكْلِيلًا، وَخَرَجَ غَالِبًا وَلَكِي يُغْلِبُ. 3 وَلَمَّا فَتَحَ الْخُتَمَ الثَّانِي، سَمِعْتُ الْحَيَوَانَاتِ الثَّانِيَةَ قَائِلَةً: «هَلُمَّ وَأَنْظُرْ!» 4 فَخَرَجَ فَرَسٌ آخَرٌ أَحْمَرٌ، وَلِلْجَالِسِ عَلَيْهِ أُعْطِيَ أَنْ يَنْزِعَ السَّلَامَ مِنَ الْأَرْضِ، وَأَنْ يَقْتُلَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَأُعْطِيَ سَيْفًا عَظِيمًا.

آنگاه دیدم که بره یکی از آن هفت مهر را باز کرد و شنیدم که یکی از آن چهار موجود زنده با صدایی همچون رعد گفت: «بیا!» ۲ پس نگاه کردم و اسبی سفید دیدم. کسی که بر آن نشسته بود کمانی داشت. تاجی به او داده شد و او همچنان پیش می رفت و بر دشمنانش غالب می آمد



تا پیروزی خود را کامل کند. ۳ هنگامی که مَهر دوم را باز کرد، شنیدم که موجود زنده دوم گفت: «بیا!» ۴ پس اسب دیگری بیرون آمد که رنگش سرخ آتشین بود. به سوار آن اختیار داده شد که صلح را از زمین بردارد تا مردم به کشتار یکدیگر پردازند. شمشیری بزرگ نیز به او داده شد.

5 وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ الثَّلَاثَ، سَمِعْتُ الْحَيَوَانَ الثَّلَاثَ قَائِلًا: «هَلُمَّ وَأَنْظُرْ!» فَانظَرْتُ وَإِذَا فَرَسٌ أَسْوَدٌ، وَالْجَالِسُ عَلَيْهِ مَعَهُ مِيزَانٌ فِي يَدِهِ. 6 وَسَمِعْتُ صَوْتًا فِي وَسْطِ الْأَرْبَعَةِ الْحَيَوَانَاتِ قَائِلًا: «نُْمْنِيَّةٌ قَمَحٍ بَدِينَارٍ، وَثَلَاثُ ثَمَانِيٍّ شَعِيرٍ بَدِينَارٍ. وَأَمَّا الزَّيْتُ وَالْخَمْرُ فَلَا تَضُرَّهُمَا». 7 وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ الرَّابِعَ، سَمِعْتُ صَوْتَ الْحَيَوَانَ الرَّابِعِ قَائِلًا: «هَلُمَّ وَأَنْظُرْ!» 8 فَانظَرْتُ وَإِذَا فَرَسٌ أَخْضَرٌ، وَالْجَالِسُ عَلَيْهِ اسْمُهُ الْمَوْتُ، وَالْهَآوِيَةُ تَتَّبَعُهُ، وَأَعْطِيَا سُلْطَانًا عَلَى رُبْعِ الْأَرْضِ أَنْ يَقْتَلَ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْمَوْتَ وَبُوحُوشِ الْأَرْضِ.

۵ هنگامی که مَهر سوم را باز کرد، شنیدم که موجود زنده سوم گفت: «بیا!» پس نگاه کردم و اسبی سیاه دیدم و سوار آن ترازویی در دست داشت. ۶ آنگاه از میان آن چهار موجود زنده چیزی شبیه صدایی شنیدم که گفت: «یک پیمانہ\* گندم، به یک دینار\* و سه پیمانہ جو، به یک دینار. همچنین به روغن زیتون و شراب آسیبی مرسان.» ۷ هنگامی که مَهر چهارم را باز کرد، شنیدم که موجود زنده چهارم گفت: «بیا!» ۸ پس نگاه کردم و اسبی رنگ پریده دیدم که سوارش مرگ نام داشت و گور،\* نزدیک او از عقبش می‌رفت. اختیار یک چهارم زمین به آنان داده شد تا مردم را با شمشیری بلند، با قحطی، با بیماری مرگبار و با حیوانات وحشی زمین بکشند.

9 وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ الْخَامِسَ، رَأَيْتُ تَحْتَ الْمَذْبَحِ نُفُوسَ الَّذِينَ قُتِلُوا مِنْ أَجْلِ كَلِمَةِ اللَّهِ، وَمِنْ أَجْلِ الشَّهَادَةِ الَّتِي كَانَتْ عِنْدَهُمْ، 10 وَصَرَخُوا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلِينَ: «حَتَّى مَتَى أَيُّهَا السَّيِّدُ الْقُدُّوسُ وَالْحَقُّ، لَا تَقْضِي وَتَنْتَقِمُ لِدِمَائِنَا مِنَ السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ؟» 11 فَأَعْطُوا كُلُّ وَاحِدٍ

ثِيَابًا بَيْضًا، وَقِيلَ لَهُمْ أَنْ يَسْتَرِيحُوا زَمَانًا يَسِيرًا أَيْضًا حَتَّى يَكْمَلَ الْعَبِيدُ رُفْقَاؤَهُمْ، وَإِخْوَتَهُمْ أَيْضًا، الْعَتِيدُونَ أَنْ يُقْتَلُوا مِثْلَهُمْ.

۹ هنگامی که مهر پنجم را باز کرد، در زیر مذبح، خون\* کسانی را دیدم که به خاطر کلام خدا و شهادتی که داده بودند، کشته شده بودند. ۱۰ خون آنان با صدای بلند فریاد زد: «ای خداوند متعال،\* ای خدای قدوس و حقیقی\* تا به کی ساکنان زمین را داوری نمی کنی و انتقام خون ما را از ایشان نمی گیری؟» ۱۱ آنگاه به هر یک از آنان ردایی سفید داده شد و به ایشان گفته شد که اندکی بیشتر بیارامند تا شمار همکاران\* و برادرانشان که باید به زودی همچون آنان کشته شوند، کامل گردد.

12 وَنَظَرْتُ لَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ السَّادِسَ، وَإِذَا زَلْزَلَةٌ عَظِيمَةٌ حَدَثَتْ، وَالشَّمْسُ صَارَتْ سَوْدَاءَ كَمِسْحٍ مِنْ شَعْرٍ، وَالْقَمَرُ صَارَ كَالدَّمِ، 13 وَنُجُومُ السَّمَاءِ سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ كَمَا تَطْرَحُ شَجَرَةُ التِّينِ سَقَاطَهَا إِذَا هَزَّتْهَا رِيحٌ عَظِيمَةٌ. 14 وَالسَّمَاءُ انْفَلَقَتْ كَدَرَجٍ مُلْتَفٍّ، وَكُلُّ جَبَلٍ وَجَزِيرَةٍ تَزْخَرُحًا مِنْ مَوْضِعَيْهِمَا. 15 وَمُلُوكُ الْأَرْضِ وَالْعِظَمَاءُ وَالْأَغْنِيَاءُ وَالْأَمْرَاءُ وَالْأَقْوِيَاءُ وَكُلُّ عَبْدٍ وَكُلُّ حُرٍّ، أَخْفَوْا أَنْفُسَهُمْ فِي الْمَغَايِرِ وَفِي صُخُورِ الْجِبَالِ، 16 وَهُمْ يَقُولُونَ لِلْجِبَالِ وَالصُّخُورِ: «اسْقُطِي عَلَيْنَا وَأَخْفِينَا عَنْ وَجْهِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ وَعَنْ غَضَبِ الْخُرُوفِ، 17 لِأَنَّهُ قَدْ جَاءَ يَوْمٌ غَضَبِهِ الْعَظِيمِ. وَمَنْ يَسْتَطِيعُ الْوُقُوفَ؟».

۱۲ هنگامی که مهر ششم را باز کرد، دیدم که زمین لرزه ای عظیم رخ داد و خورشید سیاه شد، همچون پلاسی سیاه\* و کل ماه به رنگ خون درآمد. ۱۳ ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، همچون درخت انجیری که در اثر بادی شدید، میوه های نارس خود را فرو ریزد. ۱۴ آسمان مانند طوماری که پیچیده شود، برچیده شد و هر کوه و هر جزیره ای از جای خود برداشته شد. ۱۵ آنگاه پادشاهان زمین، افراد عالی رتبه و فرماندهان نظامی، ثروتمندان و قدرتمندان، هر انسان چه غلام و چه آزاد، خود را در غارها و در میان صخره های کوهها پنهان کردند. ۱۶ آنان به کوهها و صخره ها همواره می گویند: «بر ما بیفتید و ما را از چشمان آن

تخت نشین و از خشم بره پنهان کنید؛ ۱۷ زیرا روز بزرگ خشم او رسیده است و چه کسی می تواند در برابر آن (يَوْمُ غَضَبِهِ الْعَظِيمِ) بایستد؟»

### رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي 7 [مکاشفه ۱۷-۱:۷]

1 وَبَعْدَ هَذَا رَأَيْتُ أَرْبَعَةَ مَلَائِكَةَ وَاقْفِينَ عَلَى أَرْبَعِ زَوَايَا الْأَرْضِ، مُمَسِّكِينَ أَرْبَعَ رِيَّاحِ الْأَرْضِ لِكَيْ لَا تَهْبَّ رِيحٌ عَلَى الْأَرْضِ، وَلَا عَلَى الْبَحْرِ، وَلَا عَلَى شَجَرَةٍ مَّا. 2 وَرَأَيْتُ مَلَكَآ آخَرَ طَالِعًا مِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ مَعَهُ خَتْمٌ لِلَّهِ الْحَيِّ، فَنَادَى بِصَوْتٍ عَظِيمٍ إِلَى الْمَلَائِكَةِ الْأَرْبَعَةِ، الَّذِينَ أُعْطُوا أَنْ يَضْرَبُوا الْأَرْضَ وَالْبَحْرَ، 3 قَائِلًا: «لَا تَضْرَبُوا الْأَرْضَ وَلَا الْبَحْرَ وَلَا الْأَشْجَارَ، حَتَّى نَخْتِمَ عِبِيدَ إِلَهِنَا عَلَى جِبَاهِهِمْ».

پس از این دیدم که چهار فرشته در چهار گوشه زمین ایستاده، چهار باد زمین را محکم نگاه داشته اند تا هیچ بادی نتواند بر زمین، بر دریا یا بر هیچ درختی بوزد. ۲ سپس فرشته ای دیگر را دیدم که از مکان طلوع آفتاب\* برمی خاست و مهر خدای زنده را داشت. او با صدای بلند به آن چهار فرشته که به ایشان اجازه داده شده بود به زمین و دریا آسیب رسانند، ۳ گفت: «تا زمانی که بر پیشانی غلامان خدایمان مهر نزده ایم، به زمین، دریا یا درختان آسیب مرسانید.»

4 وَسَمِعْتُ عِدَدَ الْمُخْتَوِّمِينَ مِئَةً وَأَرْبَعَةً وَأَرْبَعِينَ أَلْفًا، مُخْتَوِّمِينَ مِنْ كُلِّ سِبْطٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ 5 مِنْ سِبْطِ يَهُوذَا اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. مِنْ سِبْطِ رَأُوْبِينِ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. مِنْ سِبْطِ جَادَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. 6 مِنْ سِبْطِ أَشِيرَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. مِنْ سِبْطِ نَفْتَالِي اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. مِنْ سِبْطِ مَنَسَّى اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. 7 مِنْ سِبْطِ شَمْعُونِ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. مِنْ سِبْطِ لَأوِي اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. مِنْ سِبْطِ يَسَّاكِرَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. 8 مِنْ سِبْطِ زَبُولُونِ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. مِنْ سِبْطِ يُوْسُفَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ. مِنْ سِبْطِ بَنِيَامِينَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُخْتَوِّمٍ.

۴ آنگاه شنیدم که شمار کسانی که مَهر شدند، ۱۴۴،۰۰۰ نفر است. آن مَهرشدگان از هر طایفه بنی‌اسرائیل بودند: ۵ از طایفه یهودا ۱۲،۰۰۰ نفر مَهر شدند؛ از طایفه رثوبین ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه جاد ۱۲،۰۰۰ نفر؛ ۶ از طایفه آشیر ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه نفتالی ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه مَنَسّی ۱۲،۰۰۰ نفر؛ ۷ از طایفه شَمعون ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه لاوی ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه یساکار ۱۲،۰۰۰ نفر؛ ۸ از طایفه زبولون ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه یوسف ۱۲،۰۰۰ نفر؛ از طایفه بنیامین ۱۲،۰۰۰ نفر مَهر شدند.

9 بَعْدَ هَذَا نَظَرْتُ وَإِذَا جَمْعٌ كَثِيرٌ لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ أَنْ يَعُدَّهُ، مِنْ كُلِّ الْأُمَمِ وَالْقَبَائِلِ وَالشُّعُوبِ وَاللَّسِنَةِ، وَاقِفُونَ أَمَامَ الْعَرْشِ وَأَمَامَ الْخُرُوفِ، مُتَسَرِّبِلِينَ بِثِيَابٍ بَيْضٍ وَفِي أَيْدِيهِمْ سَعَفُ النَّخْلِ 10 وَهُمْ يَصْرُخُونَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلِينَ: «الْخَلَّاصُ لِإِلَهِنَا الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ وَلِلْخُرُوفِ». 11 وَجَمِيعُ الْمَلَائِكَةِ كَانُوا وَاقِفِينَ حَوْلَ الْعَرْشِ، وَالشُّيُوخُ وَالْحَيَوَانَاتِ الْأَرْبَعَةَ، وَخَرُّوا أَمَامَ الْعَرْشِ عَلَى وُجُوهِهِمْ وَسَجَدُوا لِلَّهِ 12 قَائِلِينَ: «آمِينَ! الْبَرَكَةُ وَالْمَجْدُ وَالْحِكْمَةُ وَالشُّكْرُ وَالْكَرَامَةُ وَالْقُدْرَةُ وَالْقُوَّةُ لِإِلَهِنَا إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ. آمِينَ!»

۹ پس از آن نگاه کردم و گروهی عظیم را دیدم که از هر ملت، طایفه، قوم و زبان بودند و هیچ کس قادر به شمارش آنان نبود. آنان همگی در پیشگاه تخت و در حضور برّه ایستاده بودند و رداهای سفید بر تن داشتند و شاخه‌های نخل در دستشان بود. ۱۰ این گروه عظیم همواره با صدای بلند می‌گویند: «نجات را مدیون خدایمان که بر تخت نشسته است و مدیون برّه هستیم.» ۱۱ همه فرشتگان در اطراف تخت و گرداگرد پیران و آن چهار موجود زنده ایستاده بودند. آنان در مقابل تخت روی به زمین نهادند و خدا را پرستش کرده، ۱۲ گفتند: «آمین! سپاس، جلال، حکمت، شکرگزاری، حرمت، قدرت و توانایی همیشه و تا ابد از آن خدایمان باد! آمین.»

13 وَأَجَابَ وَاحِدٌ مِنَ الشُّيُوخِ قَائِلًا لِي: «هُؤُلَاءِ الْمُتَسَرِّبِلُونَ بِالثِّيَابِ الْبَيْضِ، مَنْ هُمْ؟ وَمِنْ أَيْنَ آتَوْا؟» 14 فَقُلْتُ لَهُ: «يَا سَيِّدُ، أَنْتَ تَعْلَمُ». فَقَالَ لِي: «هُؤُلَاءِ هُمُ الَّذِينَ آتَوْا مِنَ الضِّيْقَةِ الْعَظِيمَةِ،

وَقَدْ غَسَلُوا ثِيَابَهُمْ وَبَيَّضُوا ثِيَابَهُمْ فِي دَمِ الْخُرُوفِ 15 مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ هُمْ أَمَامَ عَرْشِ اللَّهِ، وَيَخْدُمُونَهُ نَهَارًا وَلَيْلًا فِي هَيْكَلِهِ، وَالْجَالِسُ عَلَى الْعَرْشِ يَحِلُّ فَوْقَهُمْ. 16 لَنْ يَجُوعُوا بَعْدُ، وَلَنْ يَعْطَشُوا بَعْدُ، وَلَا تَقَعُ عَلَيْهِمُ الشَّمْسُ وَلَا شَيْءٌ مِنَ الْحَرِّ، 17 لِأَنَّ الْخُرُوفَ الَّذِي فِي وَسْطِ الْعَرْشِ يَرَعَاهُمْ، وَيَقْتَادُهُمْ إِلَى يَنَابِيعِ مَاءٍ حَيَّةٍ، وَيَمْسَحُ اللَّهُ كُلَّ دَمْعَةٍ مِنْ عْيُونِهِمْ».

۱۳ آنگاه یکی از پیران از من پرسید: «اینان که رداهای سفید بر تن دارند، کیستند و از کجا آمده‌اند؟» ۱۴ من بی‌درنگ به او گفتم: «سرورم، تویی که می‌دانی.» آنگاه به من گفت: «اینان کسانی هستند که از مصیبت عظیم بیرون آمده‌اند و رداهای خود را در خون بره شسته و سفید کرده‌اند. ۱۵ به همین دلیل است که در مقابل تخت خدا ایستاده‌اند و شبانه‌روز در معبدش او را خدمت\* می‌کنند و آن تخت‌نشین نیز خیمه خود را بر آنان خواهد گستراند. ۱۶ ایشان دیگر گرسنه و تشنه نخواهند شد و از گزند خورشید و هر گونه گرمای سوزان در امان خواهند بود؛ ۱۷ زیرا بره که در میان\* تخت است، آنان را شبانی خواهد کرد و به چشمه‌های آب حیات هدایت خواهد نمود و خدا هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد ساخت.»

### رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي 8 [مکاشفه ۸: ۱-۱۳]

1 وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ السَّابِعَ حَدَّثَ سُكُوتٌ فِي السَّمَاءِ نَحْوَ نِصْفِ سَاعَةٍ. 2 وَرَأَيْتُ السَّبْعَةَ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ يَقِفُونَ أَمَامَ اللَّهِ، وَقَدْ أُعْطُوا سَبْعَةَ أَبْوَاقٍ. 3 وَجَاءَ مَلَائِكٌ آخَرٌ وَوَقَفَ عِنْدَ الْمَذْبَحِ، وَمَعَهُ مِبْخَرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ، وَأُعْطِيَ بَخُورًا كَثِيرًا لِكَيْ يُقَدِّمَهُ مَعَ صَلَوَاتِ الْقَدِّيسِينَ جَمِيعِهِمْ عَلَى مَذْبَحِ الذَّهَبِ الَّذِي أَمَامَ الْعَرْشِ. 4 فَصَعِدَ دُخَانُ الْبَخُورِ مَعَ صَلَوَاتِ الْقَدِّيسِينَ مِنْ يَدِ الْمَلَائِكِ أَمَامَ اللَّهِ. 5 ثُمَّ أَخَذَ الْمَلَائِكُ الْمِبْخَرَةَ وَمَلَّأَهَا مِنْ نَارِ الْمَذْبَحِ وَأَلْقَاهَا إِلَى الْأَرْضِ، فَحَدَّثَتْ أَصْوَاتٌ وَرُعُودٌ وَبُرُوقٌ وَرَزَلَةٌ. 6 ثُمَّ إِنَّ السَّبْعَةَ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ مَعَهُمُ السَّبْعَةُ الْأَبْوَاقُ تَهَيَّأُوا لِكَيْ يُبَوِّقُوا.

هنگامی که بره مهر هفتم را باز کرد، حدود نیم ساعت در آسمان سکوت برقرار شد. ۲ آنگاه دیدم که به آن هفت فرشته که در حضور خدا می‌ایستند، هفت شیپور داده شد. ۳ سپس فرشته‌ای دیگر که بخورسوزی\* از طلا در دست داشت، آمد و کنار مذبح ایستاد. آنگاه مقدار

فراوانی بخور به او داده شد تا آن را با دعا‌های تمام مقدّسان بر مذبح طلایی که در مقابل تخت بود، تقدیم کند. ۴ از دست آن فرشته، دود بخور همراه با دعا‌های مقدّسان به حضور خدا بالا رفت. ۵ اما آن فرشته بی‌درنگ بخورسوز را برداشت و آن را با آتش مذبح پر کرد و به سوی زمین انداخت. آنگاه، غرّش رعد‌ها و صداها برخاست و صاعقه‌های نورانی پدید آمد و زمین‌لرزه‌ای روی داد. ۶ سپس آن هفت فرشته که هفت شیپور داشتند، آماده دمیدن در آن‌ها شدند.

7 فَبَوَّأَ الْمَلَائِكَةُ الْأَوَّلُ، فَحَدَّثَ بَرْدٌ وَنَارٌ مَخْلُوطَانِ بَدَمٍ، وَالْقِيَا إِلَى الْأَرْضِ، فَاحْتَرَقَ ثُلُثُ الْأَشْجَارِ، وَاحْتَرَقَ كُلُّ عُشْبٍ أَخْضَرَ. 8 ثُمَّ بَوَّأَ الْمَلَائِكَةُ الثَّانِي، فَكَانَ جَبَلًا عَظِيمًا مُتَقِدًا بِالنَّارِ أَلْقَى إِلَى الْبَحْرِ، فَصَارَ ثُلُثُ الْبَحْرِ دَمًا. 9 وَمَاتَ ثُلُثُ الْخَلَائِقِ الَّتِي فِي الْبَحْرِ الَّتِي لَهَا حَيَاةٌ، وَأُهْلِكَ ثُلُثُ السُّفُنِ. 10 ثُمَّ بَوَّأَ الْمَلَائِكَةُ الثَّلَاثِ، فَسَقَطَ مِنَ السَّمَاءِ كَوْكَبٌ عَظِيمٌ مُتَقِدٌ كَمِصْبَاحٍ، وَوَقَعَ عَلَى ثُلُثِ الْأَنْهَارِ وَعَلَى يَنَابِيعِ الْمِيَاهِ. 11 وَأَسْمُ الْكَوْكَبِ يُدْعَى «الْأَفْسَنْتِينَ». فَصَارَ ثُلُثُ الْمِيَاهِ أَفْسَنْتِينَ، وَمَاتَ كَثِيرُونَ مِنَ النَّاسِ مِنَ الْمِيَاهِ لِأَنَّهَا صَارَتْ مُرَّةً. 12 ثُمَّ بَوَّأَ الْمَلَائِكَةُ الرَّابِعِ، فَضُرِبَ ثُلُثُ الشَّمْسِ وَثُلُثُ الْقَمَرِ وَثُلُثُ النُّجُومِ، حَتَّى يُظْلِمَ ثُلُثُهُنَّ، وَالنَّهَارُ لَا يُضِيءُ ثُلُثَهُ، وَاللَّيْلُ كَذَلِكَ. 13 ثُمَّ نَظَرْتُ وَسَمِعْتُ مَلَكَ طَائِرًا فِي وَسَطِ السَّمَاءِ قَائِلًا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «وَيْلٌ! وََيْلٌ! وََيْلٌ لِّلسَّائِكِينَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ أَجْلِ بَقِيَّةِ أَصْوَاتِ أَبْوَابِ الثَّلَاثَةِ الْمَلَائِكَةِ الْمُزْمَعِينَ أَنْ يُبَوَّؤُوا!».

۷ فرشته اول در شیپور خود دمید. آنگاه تگرگ و آتشی که به خون آمیخته بود به زمین فرو ریخته شد و یک‌سوم زمین سوخت و یک‌سوم درختان سوختند و تمام گیاهان سبز نیز سوختند. ۸ فرشته دوم در شیپور خود دمید. آنگاه چیزی شبیه به کوهی بزرگ و مشتعل به دریا پرتاب شد. پس یک‌سوم دریا به خون مبدل گردید ۹ و یک‌سوم موجودات جاندار دریا مردند و یک‌سوم کشتی‌ها درهم شکستند. ۱۰ فرشته سوم در شیپور خود دمید. آنگاه ستاره‌ای بزرگ که همچون مشعلی می‌سوخت از آسمان سقوط کرد و بر یک‌سوم رودخانه‌ها و چشمه‌های آب فرو افتاد. ۱۱ نام آن ستاره افسنتین\* است. یک‌سوم آب‌ها به افسنتین مبدل

شد و بسیاری از انسان‌ها از آن آب‌ها مردند؛ زیرا آب‌ها تلخ شده بود. ۱۲ فرشته چهارم در شیپور خود دمید. آنگاه به یک‌سوم خورشید و به یک‌سوم ماه و به یک‌سوم ستارگان ضربه‌ای وارد شد تا بدین گونه یک‌سوم آن‌ها تاریک گردد و یک‌سوم روز، بی‌نور باشد و یک‌سوم شب نیز. ۱۳ آنگاه نگاه کردم و صدای عقابی را که در دل آسمان\* در پرواز بود، شنیدم که به بانگ بلند می‌گوید: «وای، وای، وای بر ساکنان زمین، چون به‌زودی صدای شیپورهای دیگر که آن سه فرشته در آن‌ها می‌دمند، برخواهد خاست!»

### رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 9 [مکاشفه ۹:۱-۲۱]

1 ثُمَّ بَوَّأَ الْمَلَائِكَةُ الْخَامِسُ، فَرَأَيْتُ كَوْكَبًا قَدْ سَقَطَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَأُعْطِيَ مِفْتَاحَ بَيْتِ الْهَآوِيَّةِ. 2 فَفَتَحَ بَيْتَ الْهَآوِيَّةِ، فَصَعِدَ دُخَانٌ مِنَ الْبَيْتِ كَدُخَانِ أَتُونٍ عَظِيمٍ، فَأَظْلَمَتِ الشَّمْسُ وَالْجَوُّ مِنْ دُخَانِ الْبَيْتِ. 3 وَمِنَ الدُّخَانِ خَرَجَ جَرَادٌ عَلَى الْأَرْضِ، فَأُعْطِيَ سُلْطَانًا كَمَا لِعَقَّارِبِ الْأَرْضِ سُلْطَانٌ. 4 وَقِيلَ لَهُ أَنْ لَا يَضُرَّ عُشْبَ الْأَرْضِ، وَلَا شَيْئًا أَخْضَرَ وَلَا شَجَرَةً مَا، إِلَّا النَّاسَ فَقَطِ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ خْتَمٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى جِبَاهِهِمْ.

فرشته پنجم در شیپور خود دمید. آنگاه ستاره‌ای را دیدم که از آسمان به زمین افتاده بود. به او\* کلید چاه بی‌انتهای\* داده شد. ۲ وقتی چاه بی‌انتهای را گشود، دودی همچون دود کوره‌ای بزرگ از آن برخاست، به طوری که خورشید و هوا از دود آن چاه تاریک شد. ۳ از میان آن دود، ملخ‌هایی به روی زمین آمدند و به آن‌ها اقتدار داده شد؛ همان اقتداری که عقرب‌های زمین دارند. ۴ به آن‌ها گفته شد که نه به سبزه‌های زمین آسیب رسانند و نه به هیچ گیاه یا درختی، بلکه فقط به مردمانی آسیب رسانند که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند.

5 وَأُعْطِيَ أَنْ لَا يَقْتُلَهُمْ بَلْ أَنْ يَتَعَذَّبُوا خَمْسَةَ أَشْهُرٍ. وَعَذَابُهُ كَعَذَابِ عَقْرَبٍ إِذَا لَدَغَ إِنْسَانًا. 6 وَفِي تِلْكَ الْأَيَّامِ سَيَطْلُبُ النَّاسُ الْمَوْتَ وَلَا يَجِدُونَهُ، وَيَرْغَبُونَ أَنْ يَمُوتُوا فَيَهْرَبُ الْمَوْتَ مِنْهُمْ. 7 وَشَكْلُ الْجَرَادِ شِبْهُ خَيْلٍ مُهَيَّأَةٍ لِلْحَرْبِ، وَعَلَى رُؤُوسِهَا كَأَكَالِيلِ شِبْهِ الذَّهَبِ، وَوُجُوهُهَا كَوُجُوهِ النَّاسِ. 8 وَكَانَ لَهَا شَعْرٌ كَشَعْرِ النِّسَاءِ، وَكَانَتْ أَسْنَانُهَا كَأَسْنَانِ الْأُسُودِ، 9 وَكَانَ لَهَا دُرُوعٌ

كَدْرُوعٍ مِنْ حَدِيدٍ، وَصَوْتُ أَجْنِحَتَيْهَا كَصَوْتِ مَرْكَبَاتِ خَيْلٍ كَثِيرَةٍ تَجْرِي إِلَى قِتَالٍ. 10 وَلَهَا  
 أذُنَابٌ شَبِيهُ الْعَقَارِبِ، وَكَانَتْ فِي أذُنَابِهَا حُمَاتٌ، وَسُلْطَانُهَا أَنْ تُؤْذِيَ النَّاسَ خَمْسَةَ أَشْهُرٍ. 11  
 وَلَهَا مَلَائِكَةُ الْهَآوِيَةِ مَلَكَآ عَلَيْهَا، اسْمُهُ بِالْعِبْرَانِيَّةِ «أَبْدُون»، وَلَهُ بِالْيُونَانِيَّةِ اسْمٌ «أَبُولِيُون». 12  
 الْوَيْلُ الْوَاحِدُ مَضَى هُوَذَا يَأْتِي وَيَلَانِ أَيْضًا بَعْدَ هَذَا.

۵ ملخها اجازه کشتن این مردمان را نداشتند، بلکه به آنها اجازه داده شد که ایشان را به مدت پنج ماه عذاب دهند. عذاب آنان مانند عذاب نیش عقربی بود که انسان را می‌زند. ۶ در آن روزها مردمان جویای مرگ خواهند بود، اما آن را نخواهند یافت؛ آرزوی مردن خواهند کرد، اما مرگ از آنان خواهد گریخت. ۷ ظاهر ملخها همچون اسب‌هایی بود که برای نبرد آماده شده‌اند؛ بر سرهایشان چیزی شبیه تاج طلایی بود و صورتشان به چهره انسان‌ها شباهت داشت، ۸ اما موهایشان همچون موی زنان بود و دندان‌هایشان همچون دندان‌های شیر. ۹ آن‌ها سینه‌پوش‌هایی همچون زره آهنین داشتند. صدای بال‌هایشان مانند صدای ارابه‌هایی بود که با اسب‌های بسیار به میدان جنگ می‌تازند. ۱۰ دُم‌ها و نیش‌هایی دارند، همچون دُم و نیش عقرب. اقتدار آن‌ها در دُم‌هایشان است که مردمان را پنج ماه آسیب رسانند. ۱۱ آن‌ها پادشاهی بر خود دارند که همان فرشته چاه بی‌انتها است. نام او به عبری «أَبْدُون» است، اما به یونانی «آپولیون» نام دارد. ۱۲ یک وای گذشت. بنگر! پس از این‌ها دو وای دیگر در راه است.

13 ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَائِكَةُ السَّادِسُ، فَسَمِعْتُ صَوْتًا وَاحِدًا مِنْ أَرْبَعَةِ قُرُونٍ مَذْبَحِ الذَّهَبِ الَّذِي أَمَامَ  
 اللَّهِ، 14 قَائِلًا لِلْمَلَائِكَةِ السَّادِسِ الَّذِي مَعَهُ الْبُوقُ: «فُكَّ الْأَرْبَعَةَ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَيَّدِينَ عِنْدَ النَّهْرِ  
 الْعَظِيمِ الْفُرَاتِ». 15 فَانْفَكَّ الْأَرْبَعَةُ الْمَلَائِكَةُ الْمُعَدُّونَ لِلْسَّاعَةِ وَالْيَوْمِ وَالشَّهْرِ وَالسَّنَةِ، لِكَيْ  
 يَقْتُلُوا ثُلُثَ النَّاسِ. 16 وَعَدَدُ جِيُوشِ الْفُرْسَانَ مِثْنَا أَلْفِ أَلْفٍ وَأَنَا سَمِعْتُ عَدَدَهُمْ. 17 وَهَكَذَا  
 رَأَيْتُ الْخَيْلَ فِي الرُّوْيَا وَالْجَالِسِينَ عَلَيْهَا، لَهُمْ دُرُوعٌ نَارِيَّةٌ وَأَسْمَانُجُونِيَّةٌ وَكِبْرِيَّتِيَّةٌ، وَرُؤُوسُ  
 الْخَيْلِ كَرُؤُوسِ الْأَسُودِ، وَمِنْ أَفْوَاهِهَا يَخْرُجُ نَارٌ وَدُخَانٌ وَكِبْرِيَّتٌ. 18 مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ قُتِلَ ثُلُثُ  
 النَّاسِ، مِنْ النَّارِ وَالذُّخَانِ وَالْكَبْرِيَّتِ الْخَارِجَةِ مِنْ أَفْوَاهِهَا، 19 فَإِنَّ سُلْطَانَهَا هُوَ فِي أَفْوَاهِهَا وَفِي  
 أذُنَابِهَا، لِأَنَّ أذُنَابَهَا شَبِيهُ الْحَيَّاتِ، وَلَهَا رُؤُوسٌ وَبِهَا تَضُرُّ. 20 وَأَمَّا بَقِيَّةُ النَّاسِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتَلُوا



بِهَذِهِ الضَّرَبَاتِ، فَلَمْ يَتُوبُوا عَنْ أَعْمَالِ أَيْدِيهِمْ، حَتَّى لَا يَسْجُدُوا لِلشَّيَاطِينِ وَأَصْنَامِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالنُّحَاسِ وَالْحَجَرِ وَالْخَشَبِ الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تُبْصِرَ وَلَا تَسْمَعَ وَلَا تَمْشِيَ، 21 وَلَا تَأْبُوا عَنْ قَتْلِهِمْ وَلَا عَنْ سِحْرِهِمْ وَلَا عَنْ زِنَاهُمْ وَلَا عَنْ سَرِقَتِهِمْ.

۱۳ فرشته ششم در شیپور خود دمید. آنگاه صدایی از شاخ‌های مذبح\* طلایی که در حضور خداست، شنیدم ۱۴ که به آن فرشته ششم که شیپور داشت، گفت: «آن چهار فرشته را که در کنار رودخانه بزرگ فرات در بندند، رها کن.» ۱۵ پس آن چهار فرشته که برای آن ساعت و روز و برای آن ماه و سال آماده شده بودند، رها شدند تا یک‌سوم مردم را بکشند. ۱۶ شنیدم که شمار سپاهیان سواره‌نظام دویست هزار هزار (400 هزار نفر) بود. ۱۷ ظاهر اسب‌ها و سواران آن‌ها که در رؤیا دیدم، چنین بود: آن‌ها سینه‌پوش‌هایی به سرخی آتش، به رنگ آبی سنگ زرگون و به زردی گوگرد، بر تن داشتند. سر اسبان همچون سر شیر بود و از دهانشان آتش و دود و گوگرد بیرون می‌آمد. ۱۸ از این سه بلا، یعنی آتش و دود و گوگرد که از دهان آن‌ها بیرون آمد، یک‌سوم مردم کشته شدند. ۱۹ اقتدار اسبان در دهان و در دُمشان است؛ زیرا دُمشان همچون ماری است که سر دارد و با آن‌ها آسیب می‌رسانند. ۲۰ باقی مردمان که از این بلایا کشته نشدند، از کارهای دست خود توبه نکردند؛ آنان نه از پرستش دیوها دست کشیدند و نه از پرستش بت‌های طلایی، نقره‌ای، مسی، سنگی و چوبی که نه می‌بینند، نه می‌شنوند و نه راه می‌روند. ۲۱ آنان نه از قتل‌هایشان توبه کردند، نه از توسل به نیروهای غیبی،\* نه از اعمال نامشروع جنسی\* و نه از دزدی‌هایشان.

### رؤیا یوحنا اللاهوتی 10 [مکاشفه ۱۰:۱-۱۱]

1 ثُمَّ رَأَيْتُ مَلَكَ آخَرَ قَوِيًّا نَازِلًا مِنَ السَّمَاءِ، مُتَسَرِّبًا بِسَحَابَةٍ، وَعَلَى رَأْسِهِ قَوْسٌ قُزْحٌ، وَوَجْهُهُ كَالشَّمْسِ، وَرِجْلَاهُ كَعَمُودِي نَارٍ، 2 وَمَعَهُ فِي يَدِهِ سِيفٌ صَغِيرٌ مَفْتُوحٌ. فَوَضَعَ رِجْلَهُ الْيُمْنَى عَلَى الْبَحْرِ وَالْيُسْرَى عَلَى الْأَرْضِ، 3 وَصَرَخَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ كَمَا يُزْمَجِرُ الْأَسَدُ. وَبَعْدَ مَا صَرَخَ تَكَلَّمَتِ الرَّعُودُ السَّبْعَةُ بِأَصْوَاتِهَا.

آنگاه فرشته نیرومند دیگری را دیدم که از آسمان پایین می‌آمد. جامه‌ای از ابر در بر داشت\* و رنگین‌کمانی بر سرش بود. صورتش همچون خورشید و پاهایش مانند ستون‌هایی از آتش بود. ۲ در دست خود طوماری کوچک داشت که باز شده بود و پای راستش را بر دریا گذاشت و پای چپش را بر زمین. ۳ سپس با صدایی بلند، مانند شیری که می‌غرّد، فریادی زد. هنگام فریاد او آن هفت رعد به صدا درآمد، سخن گفتند.

4 وَبَعْدَ مَا تَكَلَّمَتِ الرَّعُودُ السَّبْعَةُ بِأَصْوَاتِهَا، كُنْتُ مُزْمِعًا أَنْ أَكْتُبَ، فَسَمِعْتُ صَوْتًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا لِي: «اخْتِمْ عَلَيَّ مَا تَكَلَّمَتْ بِهِ الرَّعُودُ السَّبْعَةُ وَلَا تَكْتُبْهُ». 5 وَالْمَلَاكُ الَّذِي رَأَيْتُهُ وَأَقِفًا عَلَى الْبَحْرِ وَعَلَى الْأَرْضِ، رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ، 6 وَأَقْسَمَ بِالْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ، الَّذِي خَلَقَ السَّمَاءَ وَمَا فِيهَا وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهَا وَالْبَحْرَ وَمَا فِيهِ: أَنْ لَا يَكُونَ زَمَانٌ بَعْدُ! 7 بَلْ فِي أَيَّامِ صَوْتِ الْمَلَاكِ السَّابِعِ مَتَى أَرْمَعُ أَنْ يُبَوِّقَ، يَتِمُّ أَيْضًا سِرُّ اللَّهِ، كَمَا بَشَّرَ عِبِيدَهُ الْأَنْبِيَاءَ.

۴ وقتی آن هفت رعد سخن گفتند، می‌خواستم آن را بنویسم که ناگاه صدایی از آسمان شنیدم که گفت: «آنچه هفت رعد گفتند، مخفی نگاه دار\* و آن‌ها را ننویس.» ۵ در آن هنگام، آن فرشته‌ای که دیدم و بر دریا و زمین ایستاده بود، دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرد. ۶ آنگاه به او که همیشه و تا ابد زنده است و آسمان، زمین و دریا و آنچه را که در آن‌هاست آفرید، چنین سوگند خورد: «دیگر بیش از این تأخیری نخواهد بود، ۷ بلکه در آن روزهایی که فرشته هفتم در شیپور خود بدمد، آن راز مقدّس که خدا خبر خوش آن را به غلامان خود انبیا اعلام کرد، قطعاً تحقق خواهد یافت.»

8 وَالصَّوْتُ الَّذِي كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُهُ مِنَ السَّمَاءِ كَلَّمَنِي أَيْضًا وَقَالَ: «اذهَبْ خذِ السَّفْرَ الصَّغِيرَ الْمَفْتُوحَ فِي يَدِ الْمَلَاكِ الْوَاقِفِ عَلَى الْبَحْرِ وَعَلَى الْأَرْضِ». 9 فَذَهَبْتُ إِلَى الْمَلَاكِ قَائِلًا لَهُ: «أَعْطِنِي السَّفْرَ الصَّغِيرَ». فَقَالَ لِي: «خُذْهُ وَكُلَّهُ، فَسَيَجْعَلُ جَوْفَكَ مَرًّا، وَلَكِنَّهُ فِي فَمِكَ يَكُونُ حُلْوًا كَالْعَسَلِ». 10 فَأَخَذْتُ السَّفْرَ الصَّغِيرَ مِنْ يَدِ الْمَلَاكِ وَأَكَلْتُهُ، فَكَانَ فِي فَمِي حُلْوًا

**كَالْعَسَلِ. وَبَعْدَ مَا أَكَلْتَهُ صَارَ جَوْفِي مُرًّا. 11 فَقَالَ لِي: «يَجِبُ أَنْكَ تَتَبَّأُ أَيْضًا عَلَى شُعُوبٍ وَأُمَّمٍ وَالسِّنَّةِ وَمُلُوكِ كَثِيرِينَ».**

۸ آنگاه بار دیگر، آن صدا از آسمان به گوشم رسید و به من گفت: «برو و طومار باز شده‌ای را که در دست فرشته‌ای است که بر دریا و زمین ایستاده، بگیر.» ۹ پس نزد آن فرشته رفتم و گفتم که طومار کوچک را به من بدهد. او به من گفت: «بگیر و آن را بخور. هنگامی که خوردی شکمت را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت به شیرینی عسل خواهد بود.» ۱۰ وقتی طومار کوچک را از دست فرشته گرفتم و خوردم، در دهانم همچون عسل، شیرین بود؛ اما پس از خوردن آن، شکم تلخ شد. ۱۱ آنگاه به من گفتند: «تو باید بار دیگر در مورد قوم‌ها، ملت‌ها، زبان‌ها و پادشاهان بسیار، نبوت کنی.»

### رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي 11 [مکاشفه ۱۱:۱-۱۹]

**1 ثُمَّ أُعْطِيتُ قَصَبَةً شَبِيهَ عَصَا، وَوَقَفَ الْمَلَائِكَةُ قَائِلًا لِي: «قُمْ وَقِسْ هَيْكَلَ اللَّهِ وَالْمَذْبَحَ وَالسَّاجِدِينَ فِيهِ. 2 وَأَمَّا الدَّارُ الَّتِي هِيَ خَارِجَ الْهَيْكَلِ، فَاطْرَحْهَا خَارِجًا وَلَا تَقْسُهَا، لِأَنَّهَا قَدْ أُعْطِيتُ لِلْأُمَّمِ، وَسَيَدُوسُونَ الْمَدِينَةَ الْمُقَدَّسَةَ اثْنِينَ وَأَرْبَعِينَ شَهْرًا. 3 وَسَأُعْطِي لِشَاهِدَيَّ، فَيَتَّبَعَانِ أَلْفًا وَمِئَتَيْنِ وَسِتِّينَ يَوْمًا، لِأَبْسِينِ مُسُوحًا». 4 هَذَا هُمَا الزَّيْتُونَتَانِ وَالْمَنَارَتَانِ الْقَائِمَتَانِ أَمَامَ رَبِّ الْأَرْضِ. 5 وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يُرِيدُ أَنْ يُؤْذِيَهُمَا، تَخْرُجُ نَارٌ مِنْ فَمِهِمَا وَتَأْكُلُ أَعْدَاءَهُمَا. وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يُرِيدُ أَنْ يُؤْذِيَهُمَا، فَهَكَذَا لَا بُدَّ أَنْهُ يُقْتَلُ. 6 هَذَا لِهَمَا السُّلْطَانُ أَنْ يُغْلِقَا السَّمَاءَ حَتَّى لَا تُمْطَرَ مَطْرًا فِي أَيَّامِ نُبُوتِهِمَا، وَلِهَمَا سُلْطَانٌ عَلَى الْمِيَاهِ أَنْ يُحَوِّلَاهَا إِلَى دَمٍ، وَأَنْ يَضْرِبَا الْأَرْضَ بِكُلِّ ضَرْبَةٍ كَلَّمَا أَرَادَا.**

آنگاه ساقه‌ای از نی که همچون چوبی بلند\* بود به من داده شد و او به من گفت: «برخیز و مکان مقدس معبد خدا و مذبح را اندازه بگیر و کسانی را که در آنجا پرستش می‌کنند، بشمار. ۲ اما صحن معبد را که بیرون از مکان مقدس معبد قرار دارد، کاملاً نادیده گرفته، اندازه بگیر؛ زیرا به قوم‌ها داده شده است. آنان برای ۴۲ ماه شهر مقدس را زیر پاهای خود پایمال

خواهند کرد. ۳ آنگاه سبب خواهم شد که دو شاهدم پلاس بیوشند و برای ۱۲۶۰ روز نبوت کنند.» ۴ این دو شاهد مظهر آن دو درخت زیتون و دو چراغدان هستند و در برابر خداوند زمین ایستاده‌اند. ۵ اگر کسی بخواهد به آنان آسیب رساند، آتش از دهانشان بیرون آمده، دشمنانشان را فرو می‌بلعد. آری، هر که قصد آسیب رساندن به ایشان را داشته باشد، باید به این گونه کشته شود. ۶ آنان اختیار دارند که آسمان را ببندند تا در روزهایی که نبوت می‌کنند، باران نبارد و اختیار دارند که آب‌ها را به خون مبدل کنند و هر چند بار که بخواهند، هر گونه بلا را بر سر زمین بیاورند.

**7 وَمَتَى تَمَّ شَهَادَتُهُمَا، فَالْوَحْشُ الصَّاعِدُ مِنَ الْهَوَايَةِ سَيَصْنَعُ مَعَهُمَا حَرْبًا وَيَغْلِبُهُمَا وَيَقْتُلُهُمَا. 8 وَتَكُونُ جُثَّتَاهُمَا عَلَى شَارِعِ الْمَدِينَةِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي تُدْعَى رُوحِيًّا سُدُومَ وَمِصْرَ، حَيْثُ صَلِبَ رَبَّنَا أَيْضًا. 9 وَيَنْظُرُ أَنَاسٌ مِنَ الشُّعُوبِ وَالْقَبَائِلِ وَالْأَلْسِنَةِ وَالْأُمَمِ جُثَّتَيْهِمَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَنِصْفًا، وَلَا يَدْعُونَ جُثَّتَيْهِمَا تَوْضَعَانِ فِي قُبُورٍ. 10 وَيَشْمَتُ بِهِمَا السَّاكِنُونَ عَلَى الْأَرْضِ وَيَتَهَلَّلُونَ، وَيُرْسِلُونَ هَدَايَا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَأَنَّ هَذَيْنِ النَّبِيِّينِ كَانَا قَدْ عَذَّبَا السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ.**

۷ هنگامی که شهادت دادن خود را به پایان رسانند، آن وحش که از چاه بی‌انتهای بیرون می‌آید، با آنان به نبرد خواهد پرداخت و بر آنان غالب آمده، آنان را خواهد کشت. ۸ اجساد ایشان در خیابان اصلی آن شهر عظیم خواهد بود؛ شهری که به مفهوم مجازی سدوم و مصر خوانده می‌شود و سرورشان نیز در آنجا بر تیر اعدام شد. ۹ مردمانی از همه قوم‌ها، طایفه‌ها، زبان‌ها و ملت‌ها برای سه روز و نیم بر اجساد آنان خواهند نگریست و اجازه نخواهند داد که اجسادشان دفن شود. ۱۰ ساکنان زمین از بابت مرگ آنان شاد شده، جشن خواهند گرفت و برای یکدیگر هدایا خواهند فرستاد؛ زیرا آن دو نبی، ساکنان زمین را عذاب می‌دادند.

**11 ثُمَّ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ الْأَيَّامِ وَالنِّصْفِ، دَخَلَ فِيهِمَا رُوحُ حَيَاةٍ مِنَ اللَّهِ، فَوَقَفَا عَلَى أَرْجُلَيْهِمَا. وَوَقَعَ خَوْفٌ عَظِيمٌ عَلَى الَّذِينَ كَانُوا يَنْظُرُونَهُمَا. 12 وَسَمِعُوا صَوْتًا عَظِيمًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا لَهُمَا: «اصْعَدَا إِلَيَّ هُنَا». فَصَعِدَا إِلَى السَّمَاءِ فِي السَّحَابَةِ، وَنَظَرَهُمَا أَعْدَاؤُهُمَا. 13 وَفِي تِلْكَ السَّاعَةِ**

حَدَّثَتْ زَلْزَلَةً عَظِيمَةً، فَسَقَطَ عَشْرُ الْمَدِينَةِ، وَقُتِلَ بِالزَّلْزَلَةِ أَسْمَاءٌ مِنَ النَّاسِ: سَبْعَةٌ آلَافٍ. وَصَارَ الْبَاقُونَ فِي رَعْبَةٍ، وَأَعْطُوا مَجْدًا لِإِلَهِ السَّمَاءِ. 14 الْوَيْلُ الثَّانِي مَضَى وَهُوَذَا الْوَيْلُ الثَّلَاثُ يَأْتِي سَرِيعًا. 15 ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَائِكَةُ السَّابِعُ، فَحَدَّثَتْ أَصْوَاتٌ عَظِيمَةٌ فِي السَّمَاءِ قَائِلَةً: «قَدْ صَارَتْ مَمَالِكُ الْعَالَمِ لِرَبِّنَا وَمَسِيحِهِ، فَسَيَمْلِكُ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ».

۱۱ بعد از آن سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا بدیشان داخل شد و ایشان بر پا ایستادند و کسانی که آنان را دیدند، بسیار وحشت کردند. ۱۲ آنگاه صدایی بلند از آسمان شنیدند که به آنان گفت: «به اینجا بالا بیایید.» پس در برابر چشمان دشمنانشان در ابری به آسمان بالا رفتند. ۱۳ در آن ساعت، زلزله‌ای عظیم به وقوع پیوست و یک‌دهم شهر فرو ریخت. در آن زلزله ۷۰۰۰ نفر کشته شدند و باقی مردم را ترس فرا گرفت و خدای آسمان را جلال دادند. ۱۴ وای دوم گذشت. بنگر! وای سوم به زودی می‌آید. ۱۵ فرشته هفتم در شیپور خود دمید. آنگاه صداهایی بلند در آسمان پیچید که می‌گفت: «پادشاهی دنیا متعلق به خداوند ما و مسیح او شده است و او همیشه و تا ابد در مقام پادشاه سلطنت خواهد کرد.»

16 وَالْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَيْخًا الْجَالِسُونَ أَمَامَ اللَّهِ عَلَى عُرُوشِهِمْ، خَرُّوا عَلَى وُجُوهِهِمْ وَسَجَدُوا لِلَّهِ 17 قَائِلِينَ: «نَشْكُرُكَ أَيُّهَا الرَّبُّ الْإِلَهُ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، الْكَائِنُ وَالَّذِي كَانَ وَالَّذِي يَأْتِي، لِأَنَّكَ أَخَذْتَ قُدْرَتَكَ الْعَظِيمَةَ وَمَلَكَتَ. 18 وَغَضِبْتَ الْأُمَّمَ، فَأَتَى غَضَبُكَ وَزَمَانُ الْأَمْوَاتِ لِيُدْأَنُوا، وَلِتُعْطَى الْأَجْرَةَ لِعَبِيدِكَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْقِدِّيسِينَ وَالْخَائِفِينَ اسْمَكَ، الصِّغَارِ وَالْكِبَارِ، وَلِيُهْلَكَ الَّذِينَ كَانُوا يَهْلِكُونَ الْأَرْضَ». 19 وَأَنْفَتَحَ هَيْكَلُ اللَّهِ فِي السَّمَاءِ، وَظَهَرَ تَابُوتُ عَهْدِهِ فِي هَيْكَلِهِ، وَحَدَّثَتْ بُرُوقٌ وَأَصْوَاتٌ وَرُعُودٌ وَزَلْزَلَةٌ وَبَرْدٌ عَظِيمٌ.

۱۶ آنگاه آن ۲۴ پیر که در پیشگاه خدا بر تخت‌های خود نشسته بودند، روی بر زمین نهادند و خدا را پرستش کردند ۱۷ و گفتند: «ای یهوه\* خدا، ای قادر مطلق، ای آن که هستی و بودی، از تو سپاسگزاریم؛ زیرا قدرت عظیم خود را به دست گرفته‌ای و در مقام پادشاه سلطنت را آغاز کرده‌ای. ۱۸ قوم‌ها خشمناک شدند و خشم تو نیز برآمد. آنگاه زمان مقرر فرارسید تا

مردگان داوری شوند و غلامانت انبیا و مقدّسان و کسانی که از نام تو می‌ترسند چه کوچک و چه بزرگ پاداش یابند و کسانی که زمین را به نابودی می‌کشند، نابود شوند.» ۱۹ آنگاه مکان مقدّس معبدِ خدا که در آسمان است، باز شد و صندوق عهدِ او در مکان مقدّسِ معبدش نمایان گشت. ناگهان صاعقه‌های نورانی پدید آمد و صداها و رعد‌ها برخاست و زلزله‌ای و تگرگی عظیم رخ داد.

### رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 12 [مکاشفه ۱۲: ۱۷-۱۷]

1 وَظَهَرَتْ آيَةٌ عَظِيمَةٌ فِي السَّمَاءِ: امْرَأَةٌ مُتَّسِرِبِلَةٌ بِالشَّمْسِ، وَالْقَمَرُ تَحْتَ رِجْلَيْهَا، وَعَلَى رَأْسِهَا إِكْلِيلٌ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ كَوْكَبًا، 2 وَهِيَ حُبْلَى تَصْرُخُ مُتَمَخِّضَةً وَمُتَوَجِّعَةً لِتَلِدَ. 3 وَظَهَرَتْ آيَةٌ أُخْرَى فِي السَّمَاءِ: هُوَذَا ثِنْتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ أَحْمَرَتَيْنِ، لَهُ سَبْعَةُ رُؤُوسٍ وَعَشْرَةُ قُرُونٍ، وَعَلَى رُؤُوسِهِ سَبْعَةُ تَيْجَانٍ. 4 وَذَنَبُهُ يَجْرُ ثَلَاثَ نَجُومِ السَّمَاءِ فَطَرَحَهَا إِلَى الْأَرْضِ. وَالثَّنَيْنِ وَقَفَّ أَمَامَ الْمَرْأَةِ الْعَتِيدَةِ أَنْ تَلِدَ، حَتَّى يَبْتَلِعَ وَلَدَهَا مَتَى وَلَدَتْ. 5 فَوَلَدَتْ ابْنًا ذَكَرًا عَتِيدًا أَنْ يَرْعَى جَمِيعَ الْأُمَمِ بِعَصَا مِنْ حَدِيدٍ. وَاخْتَطَفَ وَلَدَهَا إِلَى اللَّهِ وَإِلَى عَرْشِهِ، 6 وَالْمَرْأَةُ هَرَبَتْ إِلَى الْبَرِّيَّةِ، حَيْثُ لَهَا مَوْضِعٌ مُعَدٌّ مِنَ اللَّهِ لِكَيْ يَعْوِلُوهَا هُنَاكَ أَلْفًا وَمِئَتَيْنِ وَسِتِّينَ يَوْمًا.

آنگاه نشانه‌ای بزرگ در آسمان دیده شد: زنی که خورشید را بر تن داشت،\* ماه زیر پاهایش بود و تاجی از ۱۲ ستاره بر سر داشت. ۲ آن زن آبستن بود و از درد و عذاب زایمان فریاد می‌کشید. ۳ نشانه‌ای دیگر در آسمان دیده شد. بنگر! اژدهایی بزرگ به رنگ سرخ آتشین ظاهر شد که هفت سر، ده شاخ و هفت تاج\* بر سرهایش داشت. ۴ دمش یک‌سوم ستارگان آسمان را کشید و به زمین افکند. اژدها در برابر زنی که به‌زودی می‌زایید ایستاده بود، تا وقتی که زایید فرزندش را ببلعد. ۵ آن زن فرزندی مذکر، آری پسری به دنیا آورد؛ کسی که همهٔ قوم‌ها را با عصای آهنین شبانی خواهد کرد. همان دم فرزندش نزد خدا و تخت او برده شد ۶ و زن به بیابان فرار کرد، به جایی که خدا برای او آماده کرده بود. در آنجا ۱۲۶۰ روز او را خوراک می‌دادند.

7 وَحَدَّثَتْ حَرْبٌ فِي السَّمَاءِ: مِيخَائِيلُ وَمَلَائِكَتُهُ حَارَبُوا التَّنِينَ، وَحَارَبَ التَّنِينَ وَمَلَائِكَتُهُ 8 وَلَمْ يَقُورُوا، فَلَمْ يُوجَدْ مَكَانُهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي السَّمَاءِ. 9 فَطُرِحَ التَّنِينَ الْعَظِيمُ، الْحَيَّةُ الْقَدِيمَةُ الْمَدْعُورُ إِبْلِيسَ وَالشَّيْطَانَ، الَّذِي يُضِلُّ الْعَالَمَ كُلَّهُ، طُرِحَ إِلَى الْأَرْضِ، وَطُرِحَتْ مَعَهُ مَلَائِكَتُهُ. 10 وَسَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا قَائِلًا فِي السَّمَاءِ: «الآن صَارَ خَلَاصٌ إِلَيْنَا وَقُدْرَتُهُ وَمُلْكُهُ وَسُلْطَانُ مَسِيحِهِ، لِأَنَّهُ قَدْ طُرِحَ الْمُشْتَكِيُّ عَلَيَّ إِخْوَتَنَا، الَّذِي كَانَ يَشْتَكِي عَلَيْهِمْ أَمَامَ إِلَيْنَا نَهَارًا وَلَيْلًا. 11 وَهُمْ غَلَبُوهُ بِدَمِ الْخُرُوفِ وَبِكَلِمَةِ شَهَادَتِهِمْ، وَلَمْ يُحِبُّوا حَيَاتَهُمْ حَتَّى الْمَوْتِ. 12 مِنْ أَجْلِ هَذَا، أَفْرَجِي آيَتَهَا السَّمَاوَاتِ وَالسَّائِكُونَ فِيهَا. وَيَلُّ لِسَاكِنِي الْأَرْضِ وَالْبَحْرِ، لِأَنَّ إِبْلِيسَ نَزَلَ إِلَيْكُمْ وَبِهِ غَضَبٌ عَظِيمٌ! عَالِمًا أَنْ لَهُ زَمَانًا قَلِيلًا».

۷ در آسمان جنگی در گرفت: میکائیل\* و فرشتگانش با اژدها جنگیدند و اژدها و فرشتگانش با آنان به نبرد پرداختند، ۸ اما شکست خوردند و دیگر در آسمان جایی برای او و فرشتگانش نبود. ۹ پس آن اژدهای بزرگ به پایین افکنده شد؛ یعنی همان مار کهن که ابلیس و شیطان خوانده می‌شود و تمام ساکنان زمین را گمراه می‌کند. او به همراه فرشتگانش به زمین افکنده شد. ۱۰ آنگاه صدایی بلند از آسمان شنیدم که گفت: «حال، زمان نجات از سوی خدای ما و قدرت و پادشاهی او و زمان اقتدار مسیح او فرارسیده است؛ زیرا متهم‌کننده برادرانمان، یعنی کسی که روز و شب آنان را در پیشگاه خدایمان متهم می‌کند، به پایین افکنده شده است! ۱۱ آنان با خون آن بره و کلام شهادتشان، بر او غالب آمدند و از این که جانشان را از دست دهند، ترسی نداشتند. ۱۲ پس ای آسمان‌ها و ساکنان آن‌ها شاد باشید! اما وای بر زمین و دریا؛ زیرا ابلیس نزد شما پایین آمده و بسیار خشمگین است، چون می‌داند که زمانی اندک دارد.»

13 وَلَمَّا رَأَى التَّنِينَ أَنَّهُ طُرِحَ إِلَى الْأَرْضِ، اضْطَهَدَ الْمَرْأَةَ الَّتِي وُلِدَتْ الْإِبْنَ الذَّكَرَ، 14 فَأَعْطِيَتِ الْمَرْأَةُ جَنَاحِي النَّسْرِ الْعَظِيمِ لِكَيْ تَطِيرَ إِلَى الْبَرِّيَّةِ إِلَى مَوْضِعِهَا، حَيْثُ تُعَالُ زَمَانًا وَزَمَانِينَ وَنِصْفَ زَمَانٍ، مِنْ وَجْهِ الْحَيَّةِ. 15 فَالْقَتِ الْحَيَّةُ مِنْ فَمِهَا وَرَاءَ الْمَرْأَةِ مَاءً كَنَهْرٍ لِتَجْعَلَهَا تُحْمَلُ بِالنَّهْرِ. 16 فَأَعَانَتِ الْأَرْضُ الْمَرْأَةَ، وَفَتَحَتِ الْأَرْضُ فَمَهَا وَابْتَلَعَتِ النَّهْرَ الَّذِي أَلْقَاهُ التَّنِينَ مِنْ

فَمِهِ. 17 فَغَضِبَ التَّنِينُ عَلَى الْمَرْأَةِ، وَذَهَبَ لِيَصْنَعَ حَرْبًا مَعَ بَاقِي نَسْلِهَا الَّذِينَ يَحْفَظُونَ وَصَايَا اللَّهِ، وَعِنْدَهُمْ شَهَادَةُ يَسُوعَ الْمَسِيحِ.

۱۳ هنگامی که اژدها دید به زمین افکنده شده است، آن زن را که فرزند مذکر به دنیا آورده بود، مورد آزار قرار داد. ۱۴ اما به آن زن دو بال عقاب بزرگ داده شد تا بتواند به بیابان به مکان خود پرواز کند. در آنجا، دور از آن مار، برای یک زمان و زمان‌ها و نصف زمان\* به او خوراک داده خواهد شد. ۱۵ مار از دهان خود آبی همچون رودخانه بیرون ریخت تا در پی آن زن روان شده، در سیلاب غرقش کند. ۱۶ اما زمین به یاری آن زن آمد و دهان خود را گشود و آن رودخانه را که اژدها از دهان خود بیرون ریخته بود، بلعید. ۱۷ آنگاه اژدها بر زن غضب نمود و رفت تا با باقی ماندگان نسل او که احکام خدا را به جا می‌آورند و کار شهادت در مورد عیسی را بر عهده دارند، بجنگد.

### رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي 13 [مکاشفه ۱۳:۱-۱۸]

1 ثُمَّ وَقَفْتُ عَلَى رَمْلِ الْبَحْرِ، فَرَأَيْتُ وَحْشًا طَالِعًا مِنَ الْبَحْرِ لَهُ سَبْعَةُ رُؤُوسٍ وَعَشْرَةُ قُرُونٍ، وَعَلَى قُرُونِهِ عَشْرَةُ تَيْجَانٍ، وَعَلَى رُؤُوسِهِ اسْمٌ تَجْدِيفٍ. 2 وَالْوَحْشُ الَّذِي رَأَيْتُهُ كَانَ شِبْهَ نَمْرٍ، وَقَوَائِمُهُ كَقَوَائِمِ دُبٍّ، وَفَمُهُ كَفَمِ أَسَدٍ. وَأَعْطَاهُ التَّنِينُ قُدْرَتَهُ وَعَرْشَهُ وَسُلْطَانًا عَظِيمًا.

سپس بر شن‌های دریا بی‌حرکت ایستادم، آنگاه دیدم وحشی از دریا بالا آمد که ده شاخ و هفت سر داشت و بر شاخ‌هایش ده تاج\* بود، اما بر سرهایش نام‌های کفرآمیز نوشته شده بود. ۲ وحشی که دیدم همچون پلنگ بود، اما پاهایی مانند پاهای خرس و دهانی همچون دهان شیر داشت. اژدها قدرت خود و تخت خود را به وحش داد و اقتداری عظیم به آن بخشید.

3 وَرَأَيْتُ وَاحِدًا مِنْ رُؤُوسِهِ كَأَنَّهُ مَذْبُوحٌ لِلْمَوْتِ، وَجُرْحُهُ الْمُمِيتُ قَدْ شَفِيَ. وَتَعَجَّبْتُ كُلُّ الْأَرْضِ وَرَاءِ الْوَحْشِ، 4 وَسَجَدُوا لِلتَّنِينِ الَّذِي أَعْطَى السُّلْطَانَ لِلْوَحْشِ، وَسَجَدُوا لِلْوَحْشِ قَائِلِينَ: «مَنْ هُوَ مِثْلُ الْوَحْشِ؟ مَنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُحَارِبَهُ؟» 5 وَأَعْطَى فَمَا يَتَكَلَّمُ بِعِظَائِمٍ وَتَجَادِيفٍ،



وَأُعْطِيَ سُلْطَانًا أَنْ يَفْعَلَ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعِينَ شَهْرًا. 6 فَفَتَحَ فَمَهُ بِالتَّجْدِيفِ عَلَى اللَّهِ، لِيُجَدِّفَ عَلَى اسْمِهِ، وَعَلَى مَسْكَنِهِ، وَعَلَى السَّاكِنِينَ فِي السَّمَاءِ. 7 وَأُعْطِيَ أَنْ يَصْنَعَ حَرْبًا مَعَ الْقَدِيسِينَ وَيَغْلِبَهُمْ، وَأُعْطِيَ سُلْطَانًا عَلَى كُلِّ قَبِيلَةٍ وَلِسَانٍ وَأُمَّةٍ. 8 فَسَيَسْجُدُ لَهُ جَمِيعُ السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ، الَّذِينَ لَيْسَتْ أَسْمَاؤُهُمْ مَكْتُوبَةً مُنْذُ تَأْسِيسِ الْعَالَمِ فِي سِفْرِ حَيَاةِ الْخُرُوفِ الَّذِي ذُبِحَ.

۳ دیدم که به یکی از سرهای آن وحش، ظاهراً ضربه‌ای کشنده وارد شده بود، اما از آن زخم کشنده، شفا یافته بود. تمام مردم زمین آن وحش را تمجیدکنان پیروی می‌کردند. ۴ آنان ازدها را پرستش نمودند؛ زیرا به وحش اقتدار بخشید. همچنین مردم، وحش را با این سخنان پرستش کردند: «چه کسی همچون وحش است و کیست که می‌تواند با آن نبرد کند؟» ۵ به آن وحش دهانی داده شد تا سخنان متکبران و کفرآمیز بگوید و اقتدار داده شد تا برای ۴۲ ماه، اعمال قدرت کند. ۶ وحش دهان خود را با سخنان کفرآمیز علیه خدا گشود و به نام او، به مسکن او و حتی به ساکنان آسمان کفر گفت. ۷ آن وحش اجازه یافت تا با مقدّسان بجنگد و بر آنان غلبه کند. همچنین اقتدار بر هر طایفه، قوم، زبان و ملت به آن داده شد. ۸ همه ساکنان زمین آن را پرستش خواهند کرد؛ یعنی تمام کسانی که نامشان از آغاز دنیا\* در دفتر حیات آن بره که ذبح شده بود، نوشته نشده است.

9 مَنْ لَهُ أُذُنٌ فَلْيَسْمَعْ! 10 إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَجْمَعُ سَبِيًّا، فَإِلَى السَّبْيِ يَذْهَبُ. وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يَقْتُلُ بِالسَّيْفِ، فَيَنْبَغِي أَنْ يُقْتَلَ بِالسَّيْفِ. هُنَا صَبْرُ الْقَدِيسِينَ وَإِيْمَانُهُمْ. 11 ثُمَّ رَأَيْتُ وَحْشًا آخَرَ طَالِعًا مِنَ الْأَرْضِ، وَكَانَ لَهُ قَرْنَانِ شِبْهُ خُرُوفٍ، وَكَانَ يَتَكَلَّمُ كَتَنِينَ، 12 وَيَعْمَلُ بِكُلِّ سُلْطَانِ الْوَحْشِ الْأَوَّلِ أَمَامَهُ، وَيَجْعَلُ الْأَرْضَ وَالسَّاكِنِينَ فِيهَا يَسْجُدُونَ لِلْوَحْشِ الْأَوَّلِ الَّذِي شَفِيَ جُرْحُهُ الْمُمِيتُ، 13 وَيَصْنَعُ آيَاتٍ عَظِيمَةً، حَتَّى إِنَّهُ يَجْعَلُ نَارًا تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْأَرْضِ قُدَّامَ النَّاسِ، 14 وَيُضِلُّ السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ بِالآيَاتِ الَّتِي أُعْطِيَ أَنْ يَصْنَعَهَا أَمَامَ الْوَحْشِ، قَائِلًا لِلسَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ يَصْنَعُوا صُورَةً لِلْوَحْشِ الَّذِي كَانَ بِهِ جُرْحُ السَّيْفِ وَعَاشَ.

۹ آن که گوش شنوا دارد، بشنود. ۱۰ اگر قرار است کسی به اسارت رود، به اسارت خواهد رفت. اگر کسی با شمشیر بکشد،\* باید با شمشیر کشته شود. این برای مقدّسان مستلزم پایداری و ایمان است. ۱۱ آنگاه وحشی دیگر دیدم که از زمین سر برآورد و دو شاخ همچون شاخ‌های برّه داشت، اما مانند اژدها شروع به سخن گفتن کرد. ۱۲ این وحش تحت نظارت وحش اول و با تمام اقتداری که از طرف او دارد، اِعمال قدرت می‌کند. همچنین زمین و ساکنان آن را به پرستش وحش اول که از زخم کشنده‌اش شفا یافته بود، وامی‌دارد. ۱۳ علاوه بر آن، نشانه‌هایی عظیم به ظهور می‌رساند و حتی در مقابل چشمان انسان‌ها آتش از آسمان بر زمین فرود می‌آورد. ۱۴ آن وحش ساکنان زمین را گمراه می‌کند؛ زیرا اجازه یافته بود که نشانه‌هایی تحت نظارت وحش اول به ظهور برساند. در همین حال به ساکنان زمین می‌گوید که مجسمه‌ای از آن وحش اول بسازند که زخم شمشیر خورده، اما احیا شده بود.

**15 وَأُعْطِيَ أَنْ يُعْطِيَ رُوحًا لِيُصَوِّرَ الْوَحْشِ، حَتَّى تَتَكَلَّمَ صُورَةُ الْوَحْشِ، وَيَجْعَلَ جَمِيعَ الَّذِينَ لَا يَسْجُدُونَ لِيُصَوِّرَ الْوَحْشِ يُقْتَلُونَ. 16 وَيَجْعَلَ الْجَمِيعَ: الصَّغَارَ وَالْكِبَارَ، وَالْأَغْنِيَاءَ وَالْفُقَرَاءَ، وَالْأَحْرَارَ وَالْعَبِيدَ، تُصْنَعُ لَهُمْ سِمَةٌ عَلَى يَدِهِمِ الْيُمْنَى أَوْ عَلَى جَبْهَتِهِمْ، 17 وَأَنْ لَا يَقْدِرَ أَحَدٌ أَنْ يَشْتَرِيَ أَوْ يَبِيعَ، إِلَّا مَنْ لَهُ السَّمَةُ أَوْ اسْمُ الْوَحْشِ أَوْ عَدَدُ اسْمِهِ. 18 هُنَا الْحِكْمَةُ! مَنْ لَهُ فَهْمٌ فَلْيَحْسُبْ عَدَدَ الْوَحْشِ، فَإِنَّهُ عَدَدُ إِنْسَانٍ، وَعَدَدُهُ: سِتْمِيَّةٌ وَسِتَّةٌ وَسِتُّونَ.**

۱۵ به وحش دوم اجازه داده شد که در مجسمه وحش اول حیات\* بدمد تا آن مجسمه هم سخن بگوید و هم باعث کشته شدن کسانی شود که از پرستش مجسمه وحش سر باز می‌زنند. ۱۶ همچنین همه کس را از کوچک و بزرگ، ثروتمند و فقیر، غلام و آزاد مجبور می‌کند که بر دست راست یا پیشانی‌شان علامت گذاشته شود ۱۷ تا هیچ کس نتواند خرید و فروش کند، مگر کسی که آن علامت، یعنی نام یا عدد نام آن وحش را داشته باشد. ۱۸ این مستلزم

حکمت است. بگذار کسی که بینش\* دارد عدد وحش را محاسبه کند؛ زیرا عدد انسان است و عدد آن ۶۶۶ است.<sup>۶</sup>

### رؤیا یوحنا اللاهوتی 14 [مکاشفه ۱۴:۱-۲۰]

1 ثُمَّ نَظَرْتُ وَإِذَا خُرُوفٌ وَقِفٌ عَلَى جَبَلٍ صِهْيُونَ، وَمَعَهُ مِئَةٌ وَأَرْبَعَةٌ وَأَرْبَعُونَ أَلْفًا، لَهُمْ اسْمٌ أَبِيهِ مَكْتُوبًا عَلَى جِبَاهِهِمْ. 2 وَسَمِعْتُ صَوْتًا مِنَ السَّمَاءِ كَصَوْتِ مِيَاهٍ كَثِيرَةٍ وَكَصَوْتِ رَعْدٍ عَظِيمٍ. وَسَمِعْتُ صَوْتًا كَصَوْتِ ضَارِبِينَ بِالْقِيثَارَةِ يَضْرِبُونَ بِقِيثَارَاتِهِمْ، 3 وَهُمْ يَتَرَنَّمُونَ كَتَرْنِيمَةً جَدِيدَةً أَمَامَ الْعَرْشِ وَأَمَامَ الْأَرْبَعَةِ الْحَيَوَانَاتِ وَالشُّيُوخِ. وَلَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ أَنْ يَتَعَلَّمَ التَّرْنِيمَةَ إِلَّا الْمِئَةُ وَالْأَرْبَعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ أَلْفًا الَّذِينَ اشْتَرَوْا مِنَ الْأَرْضِ. 4 هَؤُلَاءِ هُمُ الَّذِينَ لَمْ يَتَنَجَّسُوا مَعَ النِّسَاءِ لِأَنَّهُمْ أَطْهَارٌ. هَؤُلَاءِ هُمُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْخُرُوفَ حَيْثَمَا ذَهَبَ. هَؤُلَاءِ اشْتَرَوْا مِنْ بَيْنِ النَّاسِ بَاكُورَةً لِلَّهِ وَلِلْخُرُوفِ. 5 وَفِي أَفْوَاهِهِمْ لَمْ يُوجَدْ غِشٌّ، لِأَنَّهُمْ بَلَ عَيْبٍ قُدَّامَ عَرْشِ اللَّهِ.

<sup>6</sup> - الحواری الثالث عشر : قال أحمد الحسن (ع): « أَنْ الْعِدَدَ مُخْتَلَفٌ فِيهِ؛ لِأَنَّ هُنَاكَ نَسَخَتَيْنِ أَحَدَهُمَا فِيهَا الْعِدَدُ "666"، وَالْأُخْرَى الْعِدَدُ فِيهَا "616" ».

دانشمندان دانشگاه آکسفورد توانست به کمک تصاویر پیشرفته برخی از نوشته‌های خطی کتاب روای یوحنا را بخوانند، و آن همان پاپيروس شماره 115 (P115) که در اوکسیرینخوس یا بهنسا کشف شد، و این قطعه به نیمه‌ی قرن سوم و در آن وحش (616) (C 1 γ) با استعمال (l) به جای (ξ) همان طور که در بیشتر نوشته‌های خطی ست. و دیوید پارکر استاد کتاب شناسی و نقد متون عهد جدید در دانشگاه پیرمنگهام اعتقاد دارد که عدد 616 همان عدد اصلی ست به رغم این که عدد (666) برای تذکر آسان بوده، و گفت: (إِنَّ الْعُلَمَاءَ نَاقَشُوا كَثِيرًا الْمَوْضُوعَ وَهُنَاكَ اخْتِلَافٌ وَالَّذِي يَبْدُو الْآنَ أَنَّ 616 هُوَ الرَّقْمُ الْأَصْلِيُّ لِلْوَحْشِ وَهُوَ الْأَرْجَحُ بِمَا أَنَّ الْمَخْطُوطَةَ تَسْبِقُ بِمِائَةِ سَنَةٍ تَقْرِيبًا النَّسَخَ الْأُخْرَى) (با این که دانشمندان این موضوع را بسیار مورد نقاش قرار دادند، ولی اختلاف در آن دیده می‌شود، و اکنون پیداست که عدد 616، آن همان عدد اصلی برای وحش است، و آن ارجح تر است با این که نوشته‌ی خطی تقریباً قبل از صد سال از نسخ خطی دیگر بوده است).

آنگاه نظر کردم و برّه را دیدم که بر کوه صِهْيُون ایستاده است و ۱۴۴،۰۰۰ نفر همراه او هستند که نام پدر برّه بر پیشانی‌شان نوشته اند (اسْمُ أَبِيهِ مَكْتُوبًا عَلَى جِبَاهِهِمْ). ۲ صدایی از آسمان شنیدم، صدایی همچون آب‌های خروشان و رعد بلند؛ صدایی که شنیدم مانند صدای خوانندگانی بود که بر چنگ‌هایشان بنوازند و بخوانند. ۳ به نظر می‌رسید که سرودی تازه می‌سرایند؛ سرودی در پیشگاه عرش و در برابر آن چهار موجود زنده و (بیست و چهار) شیخ. همچنین هیچ کس نمی‌توانست آن سرود را کاملاً فرا گیرد، جز آن ۱۴۴،۰۰۰ نفر که از زمین خریده شده بودند. ۴ اینان همان کسانی هستند که خود را با زنان آلوده نکردند، آری باکره‌اند. اینان همان کسانی هستند که هر جا برّه می‌رود، همچنان او را دنبال می‌کنند و از میان انسان‌ها خریده شدند تا به عنوان نوبر به خدا و برّه تقدیم شوند. ۵ هیچ فریبی در دهانشان یافت نشد؛ اینان بی‌عیب و خادمان عرش الهی اند.

6 ثُمَّ رَأَيْتُ مَلَكَآ آخَرَ طَائِرًا فِي وَسَطِ السَّمَآءِ مَعَهُ بَشَارَةٌ أَبَدِيَّةٌ، لِيُبَشِّرَ السَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ وَكُلَّ أُمَّةٍ وَقَبِيلَةٍ وَلِسَانَ وَشَعْبٍ، 7 قَائِلًا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «خَافُوا اللَّهَ وَأَعْطُوهُ مَجْدًا، لِأَنَّهُ قَدْ جَاءَتْ سَاعَةٌ دِينُوتِهِ، وَأَسْجُدُوا لِصَانِعِ السَّمَآءِ وَالْأَرْضِ وَالْبَحْرِ وَيَنَابِعِ الْمِيَاهِ». 8 ثُمَّ تَبِعَهُ مَلَكَآ آخَرَ قَائِلًا: «سَقَطَتْ! سَقَطَتْ بَابِلُ الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ، لِأَنَّهَا سَقَتْ جَمِيعَ الْأُمَمِ مِنْ خَمْرِ غَضَبِ زَنَاهَا!».

۶ فرشته‌ای دیگر دیدم که در دل آسمان\* پرواز می‌کرد و بشارتی جاودان داشت تا آن را به ساکنان زمین، از هر ملت و طایفه و زبان و قوم اعلام کند. ۷ او با صدای بلند می‌گفت: «از خدا بترسید و او را جلال دهید؛ زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است. پس او را بپرستید؛ او را که آسمان، زمین، دریا و چشمه‌های آب را آفرید.» ۸ فرشته دومی به دنبال او آمد و گفت: «سقوط کرده است! بابل\* بزرگ سقوط کرده است، آن که تمام ملت‌ها را واداشت تا از شراب شهوت و از شراب زناکاری او بنوشند!»

9 ثُمَّ تَبِعَهُمَا مَلَكَآ ثَالِثٌ قَائِلًا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: «إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَسْجُدُ لِلْوَحْشِ وَلِصُورَتِهِ، وَيَقْبَلُ سِمَتَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ أَوْ عَلَى يَدِهِ، 10 فَهُوَ أَيْضًا سَيَشْرَبُ مِنْ خَمْرِ غَضَبِ اللَّهِ، الْمَصْبُوبِ صِرْفًا فِي

**كَأْسٍ غَضَبِهِ، وَيُعَذِّبُ بِنَارٍ وَكِبْرِيَةٍ أَمَامَ الْمَلَائِكَةِ الْقَدِيسِينَ وَأَمَامَ الْخُرُوفِ. 11 وَيَصْعَدُ دُخَانُ عَذَابِهِمْ إِلَى أَبَدِ الْأَبْدِينَ. وَلَا تَكُونُ رَاحَةٌ نَهَارًا وَلَيْلًا لِلَّذِينَ يَسْجُدُونَ لِلْوَحْشِ وَلِصُورَتِهِ وَلِكُلِّ مَنْ يَقْبَلُ سِمَةً اسْمِهِ». 12 هُنَا صَبْرُ الْقَدِيسِينَ. هُنَا الَّذِينَ يَحْفَظُونَ وَصَايَا اللَّهِ وَإِيْمَانَ يَسُوعَ.**

۹ فرشته سومی به دنبال آن دو آمد و با صدای بلند گفت: «اگر کسی وحش و مجسمه آن را بپرستد و بر پیشانی یا دست او علامتی گذاشته شود، ۱۰ او نیز از شراب خشم خدا خواهد نوشید؛ یعنی شراب رقیق نشده که در جام غضب خدا ریخته شده است. او در برابر چشمان فرشتگان مقدّس و برّه با آتش و گوگرد عذاب داده خواهد شد ۱۱ و از آتشی که آنان را عذاب می‌دهد، همیشه و تا ابد دود برمی‌خیزد. کسی که وحش و مجسمه‌اش را می‌پرستد و کسی که علامت نام آن بر او گذاشته می‌شود، روز و شب آرامی نخواهد داشت. ۱۲ در اینجا است که مقدّسان باید پایداری کنند؛ کسانی که احکام خدا را حفظ می‌کنند و در ایمان به عیسی استوارند.»

**13 وَسَمِعْتُ صَوْتًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا لِي: «اَكْتُبْ: طُوبَى لِلأَمْوَاتِ الَّذِينَ يَمُوتُونَ فِي الرَّبِّ مُنْذُ الْآنَ». «نَعَمْ» يَقُولُ الرُّوحُ: «لِكَيْ يَسْتَرِيحُوا مِنْ أَتْعَابِهِمْ، وَأَعْمَالِهِمْ تَتَّبِعُهُمْ». 14 ثُمَّ نَظَرْتُ وَإِذَا سَحَابَةٌ بَيْضَاءُ، وَعَلَى السَّحَابَةِ جَالِسٌ شَبَهُ ابْنِ إِنْسَانٍ، لَهُ عَلَى رَأْسِهِ إِكْلِيلٌ مِنْ ذَهَبٍ، وَفِي يَدِهِ مِنْجَلٌ حَادٌّ. 15 وَخَرَجَ مَلَكَ آخَرٌ مِنْ الْهَيْكَلِ، يَصْرُخُ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ إِلَى الْجَالِسِ عَلَى السَّحَابَةِ: «أَرْسِلْ مِنْجَلَكَ وَاحْصُدْ، لِأَنَّهُ قَدْ جَاءَتِ السَّاعَةُ لِلْحَصَادِ، إِذْ قَدْ يَبَسَ حَصِيدُ الأَرْضِ». 16 فَالْتَقَى الْجَالِسُ عَلَى السَّحَابَةِ مِنْجَلَهُ عَلَى الأَرْضِ، فَحَصَدَتِ الأَرْضُ.**

۱۳ سپس صدایی از آسمان شنیدم که گفت: «بنویس: خوشا به حال مردگانی که از این پس در اتحاد با سرور می‌میرند. روح می‌گوید، آری، بگذار از زحماتشان آرامی گیرند، چون اعمالشان فراموش نخواهد شد.»\* ۱۴ آنگاه نگاه کردم و ابری سفید دیدم که کسی شبیه به پسر انسان بر آن نشسته بود و تاجی طلایی بر سر و داسی تیز در دست داشت. ۱۵ فرشته‌ای دیگر از مکان مقدّس معبد بیرون آمد و با صدای بلند خطاب به آن کس که بر ابر نشسته

بود، گفت: «داس خود را به کار گیر و محصول را درو کن؛ زیرا ساعت آن رسیده است که محصول درو شود و محصول زمین کاملاً رسیده است.» ۱۶ آنگاه او که بر ابر نشسته بود داسش را در زمین فرو برد و محصول زمین درو شد.

17 ثُمَّ خَرَجَ مَلَكَ آخَرُ مِنَ الْهَيْكَلِ الَّذِي فِي السَّمَاءِ، مَعَهُ أَيْضًا مِنْجَلٌ حَادٌّ. 18 وَخَرَجَ مَلَكَ آخَرُ مِنَ الْمَذْبَحِ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى النَّارِ، وَصَرَخَ صُرَاخًا عَظِيمًا إِلَى الَّذِي مَعَهُ الْمِنْجَلُ الْحَادُّ، قَائِلًا: «أَرْسِلْ مِنْجَلَكَ الْحَادَّ وَأَقْطِفْ عَنَاقِيدَ كَرْمِ الْأَرْضِ، لِأَنَّ عِنَبَهَا قَدْ نَضِجَ». 19 فَأَلْقَى الْمَلَكَ مِنْجَلَهُ إِلَى الْأَرْضِ وَقَطَفَ كَرْمَ الْأَرْضِ، فَأَلْقَاهُ إِلَى مَعْصَرَةٍ غَضَبِ اللَّهِ الْعَظِيمَةِ. 20 وَدَيْسَتْ الْمَعْصَرَةُ خَارِجَ الْمَدِينَةِ، فَخَرَجَ دَمٌّ مِنَ الْمَعْصَرَةِ حَتَّىٰ إِلَىٰ لُجْمِ الْخَيْلِ، مَسَافَةً أَلْفٍ وَسِتِّمِئَةٍ غَلْوَةً.

۱۷ همچنین فرشته‌ای دیگر از مکان مقدس معبد که در آسمان است، بیرون آمد. او نیز داسی تیز در دست داشت. ۱۸ فرشته‌ای دیگر نیز از مذبح بیرون آمد که بر آتش اقتدار داشت. او با صدای بلند به آن فرشته‌ای که داسی تیز در دست داشت، گفت: «داس تیز خود را بردار و خوشه‌های انگور را از تاک زمین جمع کن؛ زیرا انگورهایش رسیده است.» ۱۹ آنگاه آن فرشته، داس خود را در زمین فرو برد و تاک زمین و انگوره‌های آن را جمع کرد و آن‌ها را در چَرخُشتِ\* بزرگ خشم خدا ریخت. ۲۰ انگورها را بیرون شهر در چَرخُشتِ لگدکوب کردند و از آن چَرخُشتِ، رودی از خون بیرون آمد که طولش حدود ۳۰۰ کیلومتر\* بود و ارتفاع آن تا به افسار اسب‌ها می‌رسید.

### رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي 15 [مکاشفه ۱۵: ۱-۸]

1 ثُمَّ رَأَيْتُ آيَةً أُخْرَىٰ فِي السَّمَاءِ، عَظِيمَةً وَعَجِيبَةً: سَبْعَةٌ مَلَائِكَةٌ مَعَهُمُ السَّبْعُ الضَّرَبَاتُ الْأَخِيرَةُ، لِأَنَّ بِهَا أُكْمِلَ غَضَبُ اللَّهِ. 2 وَرَأَيْتُ كَبْحُرًا مِنْ رُجَاكِ مُخْتَلِطٍ بِنَارٍ، وَالْغَالِبِينَ عَلَى الْوَحْشِ وَصُورَتِهِ وَعَلَى سِمَتِهِ وَعَدَدِ اسْمِهِ، وَأَقْفِينَ عَلَى الْبَحْرِ الزُّجَاجِيِّ، مَعَهُمْ قَيْثَارَاتُ اللَّهِ، 3 وَهُمْ يُرْتَلُونَ تَرْنِيمَةَ مُوسَىٰ عَبْدِ اللَّهِ، وَتَرْنِيمَةَ الْخُرُوفِ قَائِلِينَ: «عَظِيمَةٌ وَعَجِيبَةٌ هِيَ أَعْمَالُكَ

**أَيُّهَا الرَّبُّ إِلَهَ الْقَادِرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ! عَادِلُهُ وَحَقُّ هِيَ طُرُقُكَ يَا مَلِكَ الْقَدِيدِيِّينَ! 4 مَنْ لَا يَخَافُكَ يَا رَبُّ وَيُمَجِّدُ اسْمَكَ؟ لِأَنَّكَ وَحْدَكَ قُدُّوسٌ، لِأَنَّ جَمِيعَ الْأُمَمِ سَيَأْتُونَ وَيَسْجُدُونَ أَمَامَكَ، لِأَنَّ أَحْكَامَكَ قَدْ أُظْهِرَتْ».**

آنگاه در آسمان نشانه‌ای دیگر دیدم؛ نشانه‌ای عظیم و شگفت‌انگیز. هفت فرشته را دیدم که حامل هفت بلا بودند. آن بلاها آخرین بلاها هستند؛ زیرا با آنها خشم خدا پایان می‌یابد. ۲ سپس چیزی دیدم که شبیه به دریایی شیشه‌ای و آمیخته به آتش بود. همچنین کسانی را دیدم که بر وحش، مجسمه آن و عدد نام آن پیروز شده بودند. آنان کنار آن دریای شیشه‌ای ایستاده بودند و چنگ‌هایی که متعلق به خدا بود، در دست داشتند ۳ و سرود موسی عَبْدِ اللَّهِ و سرود بره را می‌خواندند و می‌گفتند: «عظیم و شگفت‌انگیز است اعمال تو، ای رب، ای اله قادر مطلق. راه‌های تو عدل و راست است، ای پادشاه همه اعصار. \* ۴ ای رب به‌راستی کیست که از تو نترسد و نام تو را جلال ندهد؟ زیرا تنها تو وفاداری. تمامی قوم‌ها خواهند آمد و در پیشگاهت تو را پرستش خواهند کرد؛ زیرا داوری‌های عادلانه تو آشکار شده است.»

**5 ثُمَّ بَعْدَ هَذَا نَظَرْتُ وَإِذَا قَدْ انْفَتَحَ هَيْكَلُ خَيْمَةِ الشَّهَادَةِ فِي السَّمَاءِ، 6 وَخَرَجَتِ السَّبْعَةُ الْمَلَائِكَةُ وَمَعَهُمُ السَّبْعُ الضَّرَبَاتِ مِنَ الْهَيْكَلِ، وَهُمْ مُتَسَرِّبُونَ بَكْتَانَ نَقِيٍّ وَبَهِيٍّ، وَتَمْتَنِّطُونَ عِنْدَ صُدُورِهِمْ بِمَنَاطِقَ مِنْ ذَهَبٍ. 7 وَوَاحِدٌ مِنَ الْأَرْبَعَةِ الْحَيَوَانَاتِ أَعْطَى السَّبْعَةَ الْمَلَائِكَةَ سَبْعَةَ جَامَاتٍ مِنْ ذَهَبٍ، مَمْلُوءَةً مِنْ غَضَبِ اللَّهِ الْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ. 8 وَأَمْتَلَأَ الْهَيْكَلُ دُخَانًا مِنْ مَجْدِ اللَّهِ وَمِنْ قُدْرَتِهِ، وَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَقْدِرُ أَنْ يَدْخُلَ الْهَيْكَلَ حَتَّى كَمِلَتْ سَبْعُ ضَرْبَاتِ السَّبْعَةِ الْمَلَائِكَةِ.**

۵ بعد از آن دیدم که مکان مقدس خیمه عبادت\* در آسمان گشوده شد. ۶ آنگاه آن هفت فرشته که حامل هفت بلا بودند، از آن مکان مقدس بیرون آمدند. آنان کتانی درخشان و تمیز به تن داشتند و شالی طلایی دور سینه‌شان پیچیده شده بود. ۷ سپس یکی از آن چهار موجود زنده به آن هفت فرشته، هفت کاسه طلایی داد. کاسه‌ها از خشم خدا پر بود؛ خدایی که همیشه

و تا ابد زنده است. ۸ به سبب جلال خدا و قدرت او، آن مکان مقدّس از دود پر شد، طوری که تا پایان هفت بلای آن هفت فرشته، هیچ کس قادر نبود به آن مکان مقدّس داخل شود.

### رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 16 [مکاشفه ۱:۱۶-۲۱]

1 وَ سَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا مِنْ الْهَيْكَلِ قَائِلًا لِلسَّبْعَةِ الْمَلَائِكَةِ: «امضوا واسكّبوا جامات غضب الله على الأرض». 2 فَمَضَى الْأَوَّلُ وَسَكَبَ جَامَهُ عَلَى الْأَرْضِ، فَحَدَّثَتْ دَمَامِلُ خَبِيثَةٌ وَرْدِيَّةٌ عَلَى النَّاسِ الَّذِينَ بِهِمْ سِمَةٌ الْوَحْشِ وَالَّذِينَ يَسْجُدُونَ لِصُورَتِهِ. 3 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَائِكَةُ الثَّانِي جَامَهُ عَلَى الْبَحْرِ، فَصَارَ دَمًا كَدَمِ مَيِّتٍ. وَكُلُّ نَفْسٍ حَيَّةٍ مَاتَتْ فِي الْبَحْرِ.

سپس صدایی بلند از مکان مقدّس شنیدم که به آن هفت فرشته گفت: «بروید و هفت کاسه خشم خدا را بر زمین خالی کنید.» ۲ فرشته اول رفت و کاسه خود را بر زمین خالی کرد. آنگاه مردمی که علامت وحش را بر خود داشتند و مجسمه آن را پرستش می کردند، به زخم‌هایی بدخیم و دردناک مبتلا شدند. ۳ فرشته دوم کاسه خود را در دریا خالی کرد. آنگاه دریا به خونی که همچون خون انسان مرده بود، مبدّل شد و همه جانداران آن مردند؛ یعنی هر چه در دریا بود، مُرد.

4 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَائِكَةُ الثَّلَاثُ جَامَهُ عَلَى الْأَنْهَارِ وَعَلَى يَنَابِيعِ الْمِيَاهِ، فَصَارَتْ دَمًا. 5 وَ سَمِعْتُ مَلَائِكَةَ الْمِيَاهِ يَقُولُ: «عَادِلٌ أَنْتَ أَيُّهَا الْكَائِنُ وَالَّذِي كَانَ وَالَّذِي يَكُونُ، لِأَنَّكَ حَكَمْتَ هَكَذَا. 6 لِأَنَّهُمْ سَفَكُوا دَمَ قِدِّيسِينَ وَأَنْبِيَاءَ، فَأَعْطَيْتَهُمْ دَمًا لِيَشْرَبُوا. لِأَنَّهُمْ مُسْتَحِقُّونَ!» 7 وَ سَمِعْتُ آخَرَ مِنَ الْمَذْبُوحِ قَائِلًا: «نَعَمْ أَيُّهَا الرَّبُّ إِلَهُ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ! حَقٌّ وَعَادِلَةٌ هِيَ أَحْكَامُكَ.»

۴ فرشته سوم کاسه خود را در رودخانه‌ها و چشمه‌های آب خالی کرد و آن‌ها نیز به خون مبدّل شدند. ۵ آنگاه شنیدم فرشته‌ای که بر آب‌ها بود، گفت: «ای تو که هستی و بودی، ای تو که وفاداری، تو عادل‌ی که اینچنین داوری کردی؛ ۶ زیرا آنان خون مقدّسان و پیامبران را



ریختند و تو به ایشان خون دادی تا بنوشند؛ آنان سزاوار این هستند.» ۷ سپس شنیدم که مذبح گفت: «آری، ای یهوه\* خدا، ای قادر مطلق، داوری‌های تو راست و عدل است.»

8 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَاكُ الرَّابِعُ جَامَهُ عَلَى الشَّمْسِ، فَأَعْطِيَتْ أَنْ تُحْرِقَ النَّاسَ بِنَارٍ، 9 فَاحْتَرَقَ النَّاسُ احْتِرَاقًا عَظِيمًا، وَجَدُّوْا عَلَى اسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى هَذِهِ الضَّرَبَاتِ، وَلَمْ يَتُوبُوا لِيُعْطَوْهُ مَجْدًا. 10 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَاكُ الْخَامِسُ جَامَهُ عَلَى عَرْشِ الْوَحْشِ، فَصَارَتْ مَمْلَكَتُهُ مُظْلِمَةً. وَكَانُوا يَعْضُونَ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ مِنَ الْوَجَعِ. 11 وَجَدُّوْا عَلَى إِلَهِ السَّمَاءِ مِنْ أَوْجَاعِهِمْ وَمِنْ قُرُوحِهِمْ، وَلَمْ يَتُوبُوا عَنْ أَعْمَالِهِمْ.

۸ فرشته چهارم کاسه خود را بر خورشید خالی کرد. آنگاه به خورشید اجازه داده شد مردم را با آتش بسوزاند. ۹ با این که مردم از شدت حرارت آن می‌سوختند، به نام خدا که اختیار این بلایا در دست اوست، کفر گفتند و توبه نکردند و او را جلال ندادند. ۱۰ فرشته پنجم کاسه خود را بر تخت وحش خالی کرد. آنگاه سلطنت آن وحش در تاریکی فرو رفت و مردم از درد، زبان‌های خود را گاز می‌گرفتند. ۱۱ اما آنان به سبب درد و زخم‌هایشان به خدای آسمان کفر گفتند و از اعمال خود توبه نکردند.

12 ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَاكُ السَّادِسُ جَامَهُ عَلَى النَّهْرِ الْكَبِيرِ الْفُرَاتِ، فَانْشَفَ مَاؤُهُ لِكَيْ يُعَدَّ طَرِيقُ الْمُلُوكِ الَّذِينَ مِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ. 13 وَرَأَيْتُ مِنْ فَمِ التَّنِينِ، وَمِنْ فَمِ الْوَحْشِ، وَمِنْ فَمِ النَّبِيِّ الْكَذَّابِ، ثَلَاثَةَ أَرْوَاحٍ نَجَسَهُ شِبْهَ ضَفَادِعَ، 14 فَإِنَّهُمْ أَرْوَاحُ شَيَاطِينٍ صَانِعَةٌ آيَاتٍ، تَخْرُجُ عَلَى مُلُوكِ الْعَالَمِ وَكُلِّ الْمَسْكُونَةِ، لِتَجْمَعَهُمْ لِقِتَالِ ذَلِكَ الْيَوْمِ الْعَظِيمِ، يَوْمَ اللَّهِ الْقَادِرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. 15 «هَا أَنَا آتِي كَلِصًّا! طُوبَى لِمَنْ يَسْهَرُ وَيَحْفَظُ ثِيَابَهُ لئَلَّا يَمْشِيَ عُرْيَانًا فَيَرَوْا عُرْيَتَهُ». 16 فَجَمَعَهُمْ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُدْعَى بِالْعِبْرَانِيَّةِ «هَرْمَجْدُون».

۱۲ فرشته ششم کاسه خود را در رودخانه بزرگ فرات خالی کرد. آنگاه آب رودخانه خشک شد تا راه برای پادشاهان مشرق‌الشمس آماده شود. ۱۳ سپس سه روح خبیث را دیدم که از دهانشان قورباغه بیرون می‌آمد آن دهن‌های ناپاک از آن التنین (ازدها) و الوحش (دجال) و

النَّبِيِّ الْكَذَّابِ (پیامبر دروغین یا علم مضل) بود ۱۴ آنها سه ارواح شیطانی بودند که نشانه‌هایی به ظهور می‌رسانند آنها نزد پادشاهان سراسر زمین می‌روند تا آنان را برای جنگِ آن روز عظیم خدای قادر مطلق گرد هم آورند. ۱۵ «بنگر! من همچون دزد می‌آیم! خوشا به حال هر که بیدار می‌ماند و لباس خود را نگاه می‌دارد، مبادا برهنه راه رود و مردم رسوایی او را ببینند.» ۱۶ آنگاه آن‌ها پادشاهان را در محلی که به عبری «حارمگدّون» نام دارد، گرد هم آوردند.<sup>۷</sup>

17 **ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَائِكَةُ السَّابِعُ جَامَهُ عَلَى الْهَوَاءِ، فَخَرَجَ صَوْتُ عَظِيمٍ مِنْ هَيْكَلِ السَّمَاءِ مِنَ الْعَرْشِ قَائِلًا: «قَدْ تَمَّ!»** 18 **فَحَدَّثَتْ أَصْوَاتٌ وَرَعُودٌ وَبُرُوقٌ. وَحَدَّثَتْ زَلْزَلَةٌ عَظِيمَةً، لَمْ يَحْدُثْ مِنْهَا مُنْذُ صَارَ النَّاسُ عَلَى الْأَرْضِ، زَلْزَلَةٌ بِمِقْدَارِهَا عَظِيمَةً هَكَذَا.** 19 **وَصَارَتِ الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ ثَلَاثَةَ أَقْسَامٍ، وَمَدُنُ الْأُمَمِ سَقَطَتْ، وَبَابِلُ الْعَظِيمَةُ ذُكِرَتْ أَمَامَ اللَّهِ لِيُعْطِيَهَا كَأْسَ خَمْرٍ سَخَطَ غَضَبِهِ.** 20 **وَكَلُّ جَزِيرَةٍ هَرَبَتْ، وَجِبَالٌ لَمْ تُوجَدْ.** 21 **وَبَرْدٌ عَظِيمٌ، نَحْوُ ثِقَلٍ وَزَنَةِ، نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى النَّاسِ. فَجَدَّفَ النَّاسُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ضَرْبَةِ الْبَرْدِ، لِأَنَّ ضَرْبَتَهُ عَظِيمَةٌ جَدًّا.**

۱۷ سپس فرشته هفتم کاسه (عذاب) خود را در هوا خالی کرد. آنگاه صدائی عظیم از جانب هیکل آسمان در عرش (الهی) بلند شد که می‌گفت: «**قَدْ تَمَّ**؛ دیگر تمام شد!» ۱۸ در نتیجه آن حادثه اصوات و رعد و برق‌ها شکل گرفت و زمین‌لرزه‌ای عظیم روی داد، چنان عظیم و گسترده که از زمان به وجود آمدن انسان بر زمین، روی نداده بود. ۱۹ آنگاه شهر بزرگ سه قسمت شد «**وَمَدُنُ الْأُمَمِ سَقَطَتْ**؛ و شهرهای اقوم (یا سازمان ملل) ویران شد» و در پیشگاه خداوند بابل بزرگ را به یاد آورد و جامی را که از شراب شدت غضبش پر بود، به او داد. ۲۰ همچنین (ساکنان) تمامی جزیره‌ها گریختند و کوهی یافت نشد (جهت فرار). ۲۱ **وَبَرْدٌ عَظِيمٌ**، آنگاه تگرگی عظیم، هر یک به وزن حدود یک مِثقال از آسمان بر انسان‌ها فرو ریخت و مردم

<sup>7</sup> - برخی از مسیحیان معتقدند که پیش از بازگشت مسیح (ع) آخرین نبرد تاریخ، جنگ آخرالزمان، یا هارمجدون، اتفاق خواهد افتاد. مکان این جنگ، غرب رودخانه اردن است، در دشت جزرال، میان جلیله و سامریه. گفته می‌شود ناپلئون وقتی به این جایگاه رسید گفت: این، میدان بزرگ‌ترین نبرد جهان است.

به سبب بلای تگرگ به خداوند کفر گفتند؛ زیرا جدا که آن بارش تگرگ ضربه عطیمی به آنها وارد کرده بود.

### رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 17 [مکاشفه ۱۷:۱-۱۸]

1 ثُمَّ جَاءَ وَاحِدٌ مِنَ السَّبْعَةِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مَعَهُمُ السَّبْعَةُ الْجَامَاتُ وَتَكَلَّمَ مَعِيَ قَائِلًا لِي: «هَلُمَّ فَارِيكَ دَيْئُونََةَ الزَّانِيَةِ الْعَظِيمَةِ الْجَالِسَةِ عَلَى الْمِيَاهِ الْكَثِيرَةِ، 2 الَّتِي رَزَى مَعَهَا مَلُوكُ الْأَرْضِ، وَسَكِرَ سَكَّانُ الْأَرْضِ مِنْ خَمْرِ زَنَاهَا». 3 فَمَضَى بِي بِالرُّوحِ إِلَى بَرِّيَّةٍ، فَرَأَيْتُ امْرَأَةً جَالِسَةً عَلَى وَحْشٍ قِرْمِزِيٍّ مَمْلُوءٍ أَسْمَاءَ تَجْدِيفٍ، لَهُ سَبْعَةُ رُؤُوسٍ وَعَشْرَةُ قُرُونٍ. 4 وَالْمَرَأَةُ كَانَتْ مُتَسَرِّبَلَةً بِأَرْجَوَانٍ وَقِرْمِزٍ، وَمُتَحَلِّيَةً بِذَهَبٍ وَحِجَارَةٍ كَرِيمَةٍ وَلَوْلُؤٍ، وَمَعَهَا كَأْسٌ مِنْ ذَهَبٍ فِي يَدِهَا مَمْلُوءَةٌ رَجَاسَاتٍ وَنَجَاسَاتٍ زَنَاهَا، 5 وَعَلَى جَبْهَتِهَا اسْمٌ مَكْتُوبٌ: «سِرٌّ. بَابِلُ الْعَظِيمَةُ أُمَّ الزَّوَانِي وَرَجَاسَاتِ الْأَرْضِ». 6 وَرَأَيْتُ الْمَرَأَةَ سَكْرَى مِنْ دَمِ الْقِدِّيسِينَ وَمِنْ دَمِ شُهَدَاءِ يَسُوعَ. فَتَعَجَّبْتُ لَمَّا رَأَيْتُهَا تَعَجُّبًا عَظِيمًا!

آنگاه یکی از آن هفت فرشته که هفت کاسه داشتند، نزد من آمد و گفت: «بیا تا محکومیت آن فاحشه بزرگ را که بر آب‌های بسیار نشسته است، به تو نشان دهم؛ ۲ همان که پادشاهان زمین با او زنا\* کردند و ساکنان زمین از شراب زناکاری\* او مست شدند.» ۳ سپس آن فرشته، با قدرت روح مرا به بیابان برد. آنگاه زنی را دیدم که بر وحشی سرخ رنگ نشسته است. آن وحش از نام‌های کفرآمیز پوشیده شده بود و هفت سر و ده شاخ داشت. ۴ زن جامه‌ای ارغوانی و سرخ بر تن داشت و با طلا، سنگ‌های گرانبها و مروارید آراسته شده بود، همچنین جامی طلایی در دست داشت که مملو از چیزهای نفرت‌انگیز و ناپاکی‌های زناکاری\* او بود. ۵ بر پیشانی آن زن این نام مرموز نوشته شده بود: «بابل\* بزرگ، مادر فاحشه‌ها و چیزهای نفرت‌انگیز زمین.» ۶ سپس دیدم که آن زن با خون مقدّسان و خون کسانی که به عیسی شهادت دادند، مست شده است. با دیدن او بسیار حیرت کردم.

7 ثُمَّ قَالَ لِي الْمَلَاكُ: «لِمَاذَا تَعَجَّبْتَ؟ أَنَا أَقُولُ لَكَ سِرَّ الْمَرْأَةِ وَالْوَحْشِ الْحَامِلِ لَهَا، الَّذِي لَهُ السَّبْعَةُ الرَّؤُوسِ وَالْعَشْرَةُ الْقُرُونِ: 8 الْوَحْشُ الَّذِي رَأَيْتَ، كَانَ وَلَيْسَ الْآنَ، وَهُوَ عَتِيدٌ أَنْ يَصْعَدَ مِنَ الْهَآوِيَةِ وَيَمْضِيَ إِلَى الْهَلَاكِ. وَسَيَتَعَجَّبُ السَّاكِنُونَ عَلَى الْأَرْضِ، الَّذِينَ لَيْسَتْ أَسْمَاؤُهُمْ مَكْتُوبَةً فِي سِفْرِ الْحَيَاةِ مُنْذُ تَأْسِيسِ الْعَالَمِ، حِينَمَا يَرَوْنَ الْوَحْشَ أَنَّهُ كَانَ وَلَيْسَ الْآنَ، مَعَ أَنَّهُ كَائِنٌ. 9 هُنَا الذَّهْنُ الَّذِي لَهُ حِكْمَةٌ! السَّبْعَةُ الرَّؤُوسِ هِيَ سَبْعَةُ جِبَالٍ عَلَيْهَا الْمَرْأَةُ جَالِسَةً. 10 وَسَبْعَةُ مُلُوكٍ: خَمْسَةٌ سَقَطُوا، وَوَاحِدٌ مَوْجُودٌ، وَالْآخِرُ لَمْ يَأْتِ بَعْدُ. وَمَتَى أَتَى يَنْبَغِي أَنْ يَبْقَى قَلِيلًا. 11 وَالْوَحْشُ الَّذِي كَانَ وَلَيْسَ الْآنَ فَهُوَ نَامِنٌ، وَهُوَ مِنَ السَّبْعَةِ، وَيَمْضِي إِلَى الْهَلَاكِ.

۷ آنگاه فرشته به من گفت: «چرا حیرت کردی؟ من راز آن زن و آن وحش را که هفت سر و ده شاخ دارد و زن بر آن سوار است، به تو خواهم گفت: ۸ آن وحش که دیدی، زمانی بود، اما اکنون نیست و به زودی از چاه بی‌انتها\* بالا می‌آید و به سمت نابودی می‌رود. سپس ساکنان زمین- آنان که نامشان از آغاز دنیا\* در دفتر حیات نوشته نشده بود- حیرت خواهند کرد که چطور وحش زمانی بود، اما اکنون نیست و باز حضور خواهد یافت. ۹ «ذهنی که حکمت داشته باشد، این را درک می‌کند: آن هفت سر، مظهر هفت کوه هستند که زن بر آنها نشسته است. ۱۰ همچنین آنها مظهر هفت پادشاه نیز هستند که پنج تن از آنان سقوط کرده‌اند، یکی هست و دیگری هنوز نیامده است، اما وقتی بیاید، باید برای اندک زمانی بماند. ۱۱ آن وحش که زمانی بود، اما اکنون نیست، پادشاه هشتم است که از آن هفت پادشاه برمی‌خیزد و به سمت نابودی می‌رود.

12 وَالْعَشْرَةُ الْقُرُونِ الَّتِي رَأَيْتَ هِيَ عَشْرَةُ مُلُوكٍ لَمْ يَأْخُذُوا مُلْكًا بَعْدُ، لَكِنَّهُمْ يَأْخُذُونَ سُلْطَانَهُمْ كَمُلُوكٍ سَاعَةً وَاحِدَةً مَعَ الْوَحْشِ. 13 هُوَ لَأَيُّ رَأَى وَاحِدٌ، وَيُعْطُونَ الْوَحْشَ قُدْرَتَهُمْ وَسُلْطَانَهُمْ. 14 هُوَ لَأَيُّ سَيُحَارِبُونَ الْخُرُوفَ، وَالْخُرُوفُ يَغْلِبُهُمْ، لِأَنَّهُ رَبُّ الْأَرْبَابِ وَمَلِكُ الْمُلُوكِ، وَالَّذِينَ مَعَهُ مَدْعُوُونَ وَمُخْتَارُونَ وَمُؤْمِنُونَ». 15 ثُمَّ قَالَ لِي: «الْمِيَاهُ الَّتِي رَأَيْتَ حَيْثُ الزَّانِيَةُ جَالِسَةً، هِيَ شُعُوبٌ وَجُمُوعٌ وَأُمَّمٌ وَالسَّنَةُ. 16 وَأَمَّا الْعَشْرَةُ الْقُرُونِ الَّتِي رَأَيْتَ عَلَى الْوَحْشِ فَهِيَ لَأَيُّ سَيُبْعِضُونَ الزَّانِيَةَ، وَسَيَجْعَلُونَهَا خَرِبَةً وَعَرِيَانَةً، وَيَأْكُلُونَ لَحْمَهَا وَيُحْرِقُونَهَا بِالنَّارِ.

17 لَانَ اللَّهِ وَضَعَ فِي قُلُوبِهِمْ أَنْ يَصْنَعُوا رَأْيَهُ، وَأَنْ يَصْنَعُوا رَأْيًا وَاحِدًا، وَيُعْطُوا الْوَحْشَ مَلِكَهُمْ حَتَّى تَكْمَلَ أَقْوَالُ اللَّهِ. 18 وَالْمَرْأَةُ الَّتِي رَأَيْتَ هِيَ الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ الَّتِي لَهَا مُلْكٌ عَلَى مُلُوكِ الْأَرْضِ».

۱۲ «همچنین آن ده شاخ که دیدی، مظهر ده پادشاهند که هنوز به سلطنت نرسیده‌اند، اما برای یک ساعت در کنار آن وحش، اقتدار پادشاهی به ایشان داده می‌شود. ۱۳ اینان یک فکر مشترک دارند، پس قدرت و اقتدارشان را به آن وحش می‌دهند. ۱۴ اینان با برّه به نبرد خواهند پرداخت، اما چون او سرور سروران و پادشاه پادشاهان است، برّه بر آنان غالب خواهد آمد. همچنین برای همراهان او نیز چنین خواهد بود، یعنی برای کسانی که فراخوانده شده، برگزیده شده و وفادار بوده‌اند.» ۱۵ فرشته به من گفت: «آن آب‌ها که دیدی که فاحشه بر آن نشسته است، مظهر قوم‌ها، گروه‌ها، ملت‌ها و زبان‌هاست. ۱۶ آن ده شاخ و آن وحش که دیدی، از فاحشه نفرت خواهند داشت و او را نابود خواهند کرد و عریان خواهند نمود. آن‌ها گوشت او را خواهند خورد و او را کاملاً با آتش خواهند سوزاند؛ ۱۷ زیرا خدا در دل آن‌ها نهاده است که قصدش را عملی کنند؛ آری، برای به انجام رساندن فکر مشترکشان سلطنت خود را در اختیار وحش بگذارند تا زمانی که کلام خدا تحقق پذیرد. ۱۸ زنی را که دیدی مظهر آن شهر بزرگ است که بر پادشاهان زمین سلطنت می‌کند.»

### رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي 18 [مکاشفه ۱۸: ۱-۲۴]

1 ثُمَّ بَعْدَ هَذَا رَأَيْتُ مَلَكَآ آخَرَ نَازِلًا مِنَ السَّمَاءِ، لَهُ سُلْطَانٌ عَظِيمٌ. وَاسْتَنَارَتِ الْأَرْضُ مِنْ بَهَائِهِ.  
2 وَصَرَخَ بِشِدَّةٍ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلًا: «سَقَطَتْ! سَقَطَتْ بَابِلُ الْعَظِيمَةُ! وَصَارَتْ مَسْكَنًا لِشَيَاطِينٍ، وَمَخْرَسًا لِكُلِّ رُوحٍ نَجِسٍ، وَمَخْرَسًا لِكُلِّ طَائِرٍ نَجِسٍ وَمَمْقُوتٍ، 3 لِأَنَّهُ مِنْ خَمْرِ غَضَبٍ زِنَاهَا قَدْ شَرِبَ جَمِيعُ الْأُمَمِ، وَمُلُوكُ الْأَرْضِ زَنَوْا مَعَهَا، وَتَجَارُ الْأَرْضُ اسْتِغْنَوْا مِنْ وَفْرَةِ نَعِيمِهَا».

پس از آن، فرشته‌ای دیگر دیدم که از آسمان پایین می‌آمد. او اقتدار بسیار داشت و از جلال او زمین روشن شد ۲ و با صدایی پرتوان چنین فریاد برآورد: «سقوط کرده است! بابل\*»

بزرگ، سقوط کرده است! حال مسکن دیوها گشته و به کمینگاه هر روح ناپاک\* و هر پرنده نجس و نفرت‌انگیز مبدل شده است! ۳ زیرا تمامی قوم‌ها با شراب شهوت، آری با شراب زناکاری\* او در دام افتاده‌اند. پادشاهان زمین با او زنا\* کردند و بازرگانان\* زمین، از تجملات بی‌حدش که بی‌شرمانه اندوخته بود، دولت‌مند شدند.»

4 ثُمَّ سَمِعْتُ صَوْتًا آخَرَ مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا: «اُخْرَجُوا مِنْهَا يَا شَعْبِي لِئَلَّا تَشْتَرِكُوا فِي خَطَايَاهَا، وَلِئَلَّا تَأْخُذُوا مِنْ ضَرْبَاتِهَا. 5 لِأَنَّ خَطَايَاهَا لَحِقَّتِ السَّمَاءَ، وَتَذَكَّرَ اللَّهُ آثَامَهَا. 6 جَاذُوهَا كَمَا هِيَ أَيْضًا جَاذَتْكُمْ، وَضَاعِفُوا لَهَا ضِعْفًا نَظِيرَ أَعْمَالِهَا. فِي الْكَأْسِ الَّتِي مَزَجْتَ فِيهَا امْرُجُوا لَهَا ضِعْفًا. 7 بِقَدْرِ مَا مَجَّدْتَ نَفْسَهَا وَتَنَعَّمْتَ، بِقَدْرِ ذَلِكَ أَعْطُوهَا عَذَابًا وَحَزْنًا. لِأَنَّهَا تَقُولُ فِي قَلْبِهَا: أَنَا جَالِسَةٌ مَلِكَةً، وَلَسْتُ أَرْمَلَةً، وَلَنْ أَرَى حَزْنًا. 8 مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ سَتَأْتِي ضَرْبَاتُهَا: مَوْتُ وَحَزْنٌ وَجُوعٌ، وَتَحْتَرِقُ بِالنَّارِ، لِأَنَّ الرَّبَّ إِلَهَ الَّذِي يَدِينُهَا قَوِيٌّ. 9 «وَسَيَبْكِي وَيَنُوحُ عَلَيْهَا مُلُوكُ الْأَرْضِ، الَّذِينَ زَنَوْا وَتَنَعَّمُوا مَعَهَا، حِينَمَا يَنْظُرُونَ دُخَانَ حَرِيقِهَا، 10 وَاقِفِينَ مِنْ بَعِيدٍ لِأَجْلِ خَوْفِ عَذَابِهَا، قَائِلِينَ: وَيْلٌ! وَيْلٌ! الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ بَابِلُ! الْمَدِينَةُ الْقَوِيَّةُ! لِأَنَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ جَاءَتْ دَيْنُونَتُكَ.»

۴ آنگاه صدایی دیگر از آسمان شنیدم که گفت: «ای قوم من، اگر نمی‌خواهید در گناهانش سهیم باشید و اگر نمی‌خواهید سهمی از بلایایش بر شما آید، از این شهر بیرون آید! ۵ زیرا گناهانش روی هم انباشته شده و تا به آسمان رسیده و خدا اعمال ناعادلانه‌اش\* را به یاد آورده است. ۶ به همان شیوه‌ای که او با دیگران رفتار کرد، با او رفتار کنید، آری، سزای اعمالش را دوچندان دهید؛ در جامی که او معجونی تهیه کرده است، دو برابر برایش بیامیزید. ۷ به همان اندازه که او خود را جلال می‌داد و بی‌شرمانه در تجمل زندگی می‌کرد، او را عذاب دهید و سوگوارش سازید؛ زیرا در دل خود پیوسته می‌گوید: «همچون ملکه‌ای بر تخت نشسته‌ام، بیوه نیستم و هرگز سوگوار نخواهم شد.» ۸ از این رو، در یک روز بلایای او بر سرش خواهد آمد؛ یعنی مرگ، ماتم و قحطی. او کاملاً با آتش سوخته خواهد شد؛ زیرا یهوه\* خدا که او را داوری کرد، پر قدرت است. ۹ «وقتی پادشاهان زمین که با او مرتکب زنا\* شدند و

بی‌شرمانه در تجمل با وی زندگی کردند، دود سوختن او را ببینند، برایش از فرط اندوه خواهند گریست و بر سینه خود خواهند زد. ۱۰ عذاب او، آنان را ترسان خواهد ساخت، پس دور ایستاده خواهند گفت: «افسوس! افسوس بر تو ای شهر بزرگ، بابل، ای شهر قوی؛ زیرا در یک ساعت، داوری تو به اجرا در آمد.»

**11 وَيَبْكِي تِجَارُ الْأَرْضِ وَيُنُوحُونَ عَلَيْهَا، لَأَنَّ بَضَائِعَهُمْ لَا يَشْتَرِيهَا أَحَدٌ فِي مَا بَعْدُ، 12 بَضَائِعَ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْحَجَرِ الْكَرِيمِ وَاللُّؤْلُؤِ وَالْبَزِّ وَالْأَرْجُونَ وَالْحَرِيرِ وَالْفِرْمِزِ، وَكُلَّ عُودٍ ثِينِيٍّ، وَكُلَّ إِنَاءٍ مِنَ الْعَاجِ، وَكُلَّ إِنَاءٍ مِنْ أَثْمَنِ الْخَشَبِ وَالنُّحَاسِ وَالْحَدِيدِ وَالْمَرْمَرِ، 13 وَقِرْفَةً وَبَخُورًا وَطِيبًا وَلَبَانًا وَخَمْرًا وَزَيْتًا وَسَمِيدًا وَحِنْطَةً وَبِهَائِمَ وَغَنَمًا وَخَيْلًا، وَمَرْكَبَاتٍ، وَأَجْسَادًا، وَنَفُوسَ النَّاسِ. 14 وَذَهَبَ عَنكَ جَنَى شَهْوَةِ نَفْسِكَ، وَذَهَبَ عَنكَ كُلُّ مَا هُوَ مُشْحِمٌ وَبِهِيٍّ، وَلَنْ تَجِدِيهِ فِي مَا بَعْدُ.**

۱۱ «همچنین بازرگانان زمین برای او گریسته، ماتم می‌گیرند؛ زیرا دیگر کسی نیست که کالاهای آنان را بخرد؛ ۱۲ یعنی محموله‌های طلا، نقره، سنگ‌های گرانبها، مروارید، کتان نفیس، پارچه‌های ارغوانی و سرخ، ابریشم و هر آنچه از چوب معطر ساخته شده است و انواع اشیای ساخته شده از عاج، چوب پرارزش، مس، آهن و مرمر. ۱۳ همچنین دارچین، ادویه هندی، بخور، روغن معطر، کندر،\* شراب، روغن زیتون، آرد مرغوب، گندم، گاو، گوسفند، اسب، ارابه، برده و جان انسان. ۱۴ آری، همین چیزهای مرغوب\* که جانت مشتاقش بود، تو را ترک کرده است. همچنین همه خوراکی‌های لذیذ و چیزهای باشکوه برای تو از میان رفته است و دیگر هرگز نخواهد بود.»

**15 تِجَارُ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الَّذِينَ اسْتَعْنَوْا مِنْهَا، سَيَقْفُونَ مِنْ بَعِيدٍ، مِنْ أَجْلِ خَوْفِ عَذَابِهَا، يَبْكُونَ وَيُنُوحُونَ، 16 وَيَقُولُونَ: وَيْلٌ! وَيْلٌ! الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ الْمُتَسَرِّبَةُ بَبَزٍّ وَأَرْجُونَ وَقِرْمِزٍ، وَالْمُتَحَلِّيَةُ بِذَهَبٍ وَحَجَرِ كَرِيمٍ وَلُؤْلُؤًا! 17 لِأَنَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ خَرَبَ غِنَى مِثْلُ هَذَا. وَكُلُّ رَبَّانٍ، وَكُلُّ الْجَمَاعَةِ فِي السُّفْنِ، وَالْمَلَا حُونَ وَجَمِيعُ عَمَالِ الْبَحْرِ، وَقَفُوا مِنْ بَعِيدٍ، 18 وَصَرَخُوا إِذْ نَظَرُوا**

دُخَانَ حَرِيقِهَا، قَائِلِينَ: آيَةُ مَدِينَةٍ مِثْلُ الْمَدِينَةِ الْعَظِيمَةِ؟ 19 وَالْقَوَا تُرَابًا عَلَى رُؤُوسِهِمْ،  
وَصَرَخُوا بَاكِينَ وَنَائِحِينَ قَائِلِينَ: وَيْلٌ! وَيْلٌ! الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ، الَّتِي فِيهَا اسْتَعْنَى جَمِيعُ الَّذِينَ  
لَهُمْ سُنْفُنٌ فِي الْبَحْرِ مِنْ نَفَائِسِهَا! لَأَنَّهَا فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ خَرَبَتْ!

۱۵ «عذاب او، بازرگانی را که از فروش این کالاها ثروتمند شدند، ترسان خواهد ساخت. از این رو دور ایستاده، خواهند گریست و ماتم خواهند گرفت. ۱۶ آنان خواهند گفت: «افسوس! افسوس بر آن شهر بزرگ که ملبّس به جامه‌های کتان نفیس و ارغوانی و سرخ بود و به فراوانی با زیورآلات طلا، سنگ‌های قیمتی و مروارید آراسته شده بود. ۱۷ چون چنین ثروت عظیمی در یک ساعت از بین رفت.» «ناخدایان کشتی‌ها، مسافران دریا، ملوانان و تمام کسانی که از راه دریا امرار معاش می‌کنند، دور ایستاده، ۱۸ وقتی دود سوختنش را دیدند، فریاد برآوردند و گفتند: «آیا شهری دیگر همچون این شهر بزرگ وجود دارد؟» ۱۹ آنان بر سر خود خاک ریختند و با گریه و ماتم فریادزنان گفتند: «افسوس! افسوس بر آن شهر بزرگ که از دولتش تمام صاحبان کشتی‌ها ثروتمند شدند، چون آن شهر در یک ساعت از بین رفته است.»

20 إِفْرَحِي لَهَا أَيُّهَا السَّمَاءُ وَالرُّسُلُ الْقَدِيسُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ، لَأَنَّ الرَّبَّ قَدْ دَانَهَا دَيْنُونَتِكُمْ». 21  
وَرَفَعَ مَلَكَ وَاحِدٌ قَوِيٌّ حَجْرًا كَرَحِيٍّ عَظِيمَةٍ، وَرَمَاهُ فِي الْبَحْرِ قَائِلًا: «هَكَذَا بَدَفَعَ سِتْرَمِي بَابِلُ  
الْمَدِينَةُ الْعَظِيمَةُ، وَلَنْ تُوجَدَ فِي مَا بَعْدُ. 22 وَصَوْتُ الضَّارِبِينَ بِالْقَيْثَارَةِ وَالْمُغْنِينَ وَالْمُزْمِرِينَ  
وَالنَّافِخِينَ بِالْبُوقِ، لَنْ يُسْمَعَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. وَكُلُّ صَانِعِ صِنَاعَةٍ لَنْ يُوجَدَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ.  
وَصَوْتُ رَحِيٍّ لَنْ يُسْمَعَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. 23 وَنُورُ سِرَاجٍ لَنْ يُضِيءَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. وَصَوْتُ  
عَرِيسٍ وَعَرُوسٍ لَنْ يُسْمَعَ فِيكَ فِي مَا بَعْدُ. لَأَنَّ تَجَارِكَ كَانُوا عُظَمَاءَ الْأَرْضِ. إِذْ بِسِحْرِكَ  
ضَلَّتْ جَمِيعُ الْأُمَمِ. 24 وَفِيهَا وَجِدَ دَمُ أَنْبِيَاءَ وَقَدِيسِينَ، وَجَمِيعٍ مَنِ قُتِلَ عَلَى الْأَرْضِ.»

۲۰ «ای آسمان، از آنچه بر سر او آمد شاد باش! همچنین شما ای مقدّسان، رسولان و پیامبران شاد باشید! زیرا خدا به خاطر شما حکم داوری خود را بر او اعلام کرده است.» ۲۱ سپس فرشته‌ای پر قدرت سنگی همچون سنگ آسیاب را بلند کرد. آن را به دریا انداخت و



گفت: «به همین سان بابل، آن شهر بزرگ پایین افکنده خواهد شد و دیگر نخواهد بود. ۲۲ دیگر آواز خوانندگانی که چنگ می‌نوازند و می‌خوانند و صدای نوازندگان، نی‌نوازان و شیپورزان در تو به گوش نخواهد رسید و دیگر هیچ صنعتگری، از هر حرفه‌ای که باشد در تو یافت نخواهد شد و دیگر صدای سنگ آسیاب در تو شنیده نخواهد شد. ۲۳ دیگر نور هیچ چراغی در تو نخواهد تابید، دیگر صدای هیچ عروس و دامادی در تو شنیده نخواهد شد؛ زیرا بازرگانان تو مردان عالی‌رتبه زمین بودند و تو تمام قوم‌ها را با توسل به نیروهای غیبی\* گمراه کردی. ۲۴ آری، خون پیامبران، مقدّسان و تمام کسانی که بر زمین بی‌رحمانه کشته شدند، به گردن این شهر بود.»

### رؤيا يوحنا اللاهوتي 19 [مکاشفه ۱۹:۱-۲۱]

1 وَبَعْدَ هَذَا سَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا مِنْ جَمْعٍ كَثِيرٍ فِي السَّمَاءِ قَائِلًا: «هَلِّلُويَا! الْخَلَاصُ وَالْمَجْدُ وَالْكَرَامَةُ وَالْقُدْرَةُ لِلرَّبِّ إِلَهِنَا، 2 لِأَنَّ أَحْكَامَهُ حَقٌّ وَعَادِلَةٌ، إِذْ قَدْ دَانَ الزَّانِيَةَ الْعَظِيمَةَ الَّتِي أَفْسَدَتِ الْأَرْضَ بِزَنَاهَا، وَأَنْتَقِمَ لِدَمِ عِبِيدِهِ مِنْ يَدِهَا». 3 وَقَالُوا ثَانِيَةً: «هَلِّلُويَا! وَدُخَانُهَا يَصْعَدُ إِلَى أَبَدِ الْأَبْدِينَ». 4 وَخَرَّ الْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَيْخًا وَالْأَرْبَعَةُ الْحَيَوَانَاتِ وَسَجَدُوا لِلَّهِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ قَائِلِينَ: «آمِينَ! هَلِّلُويَا!».

پس از آن، صدایی شنیدم که همچون صدای بلند گروهی عظیم در آسمان بود که می‌گفتند: «یاه را حمد گوید.\* نجات، جلال و قدرت از آن خدای ماست؛ ۲ زیرا راست و عدل است داوری‌هایش. او حکم داوری آن فاحشه بزرگ را که زمین را با زناکاری\* خود به فساد کشید، اجرا کرده است و انتقام خون خادمان خود را از او گرفته است.»\* ۳ همان موقع برای بار دوم گفتند: «یاه را حمد گوید.\* برای همیشه و تا ابد از آن شهر دود برخاوه‌د خاست.» ۴ آنگاه آن ۲۴ پیر و چهار موجود زنده زانو زدند و خدا را که بر تخت نشسته بود، پرستش کردند و گفتند: «آمین! یاه را حمد گوید.»\*

5 وَخَرَجَ مِنَ الْعَرْشِ صَوْتُ قَائِلًا: «سَبِّحُوا لِإِلَهِنَا يَا جَمِيعَ عِبِيدِهِ، الْخَائِفِيهِ، الصَّغَارِ وَالْكِبَارِ!». 6 وَسَمِعْتُ كَصَوْتِ جَمْعٍ كَثِيرٍ، وَكَصَوْتِ مِيَاهٍ كَثِيرَةٍ، وَكَصَوْتِ رُعُودٍ شَدِيدَةٍ قَائِلَةً: «هَلِّلُويَا! فَإِنَّهُ قَدْ مَلَكَ الرَّبُّ إِلَهُ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. 7 لِنَفْرَحْ وَنَتَهَلَّلْ وَنُعْطِيهِ الْمَجْدَ! لَأَنَّ عُرْسَ الْخُرُوفِ قَدْ جَاءَ، وَامْرَأَتُهُ هَيَّاتُ نَفْسَهَا. 8 وَأُعْطِيَتْ أَنْ تَلْبَسَ بَزًّا نَقِيًّا بَهِيًّا، لَأَنَّ الْبَزَّ هُوَ تَبَرُّرَاتُ الْقِدِّيسِينَ». 9 وَقَالَ لِي: «اكَتُبْ: طُوبَى لِلْمَدْعُوعِينَ إِلَى عِشَاءِ عُرْسِ الْخُرُوفِ!». وَقَالَ: «هَذِهِ هِيَ أَقْوَالُ اللَّهِ الصَّادِقَةُ». 10 فَخَرَرْتُ أَمَامَ رِجْلَيْهِ لِأَسْجُدَ لَهُ، فَقَالَ لِي: «انْظُرْ! لَا تَفْعَلْ! أَنَا عَبْدٌ مَعَكَ وَمَعَ إِخْوَتِكَ الَّذِينَ عِنْدَهُمْ شَهَادَةُ يَسُوعَ. اسْجُدْ لِلَّهِ! فَإِنَّ شَهَادَةَ يَسُوعَ هِيَ رُوحُ النُّبُوَّةِ».

۵ همچنین صدایی از سوی تخت برخواست که گفت: «خدایمان را حمد گوید، ای تمام خادمان او، ای شما که از کوچک و بزرگ از او می‌ترسید.» ۶ آنگاه صدای گروهی را شنیدم که همچون صدای گروهی عظیم، آری همچون صدای آب‌های خروشان و غرش رعد بود که می‌گفتند: «یاه را حمد گوید؛\* زیرا یهوه\* خدایمان، آن قادر مطلق، در مقام پادشاه سلطنت را آغاز کرده است. ۷ بیاید شادی کنیم و وجد نماییم و او را جلال دهیم؛ زیرا وقت عروسی بره رسیده و عروسش خود را آماده ساخته است. ۸ آن عروس اجازه یافت که به کتان نفیس و پاک و درخشان ملبّس شود؛ این کتان نفیس مظهر اعمال درستکارانه مقدّسان است.» ۹ فرشته به من گفت: «بنویس، خوشا به حال کسانی که برای شام عروسی بره دعوت شده‌اند.» همچنین گفت: «این گفته‌های خداست و راست است.» ۱۰ آنگاه به پایش افتادم تا او را پرستش کنم، اما به من گفت: «مواظب باش! چنین مکن! خدا را پرست. من نیز مانند تو و برادرانت که کار شهادت دادن در مورد عیسی را به عهده دارید، غلامی بیش نیستم؛ چرا که شهادت دادن یسوع بخاطر روح نبوه است.»<sup>۸</sup>

<sup>8</sup> - قال أحمد الحسن (ع): « والمدعوون إلى عشاء عرس الخروف هم : ( أنصار المهدي الأول اليماني ).

دعوت شدگان برای صرف شام عروسی گوسفند نر آنها ( انصار مهدی اول، یمانی ) هستند.»

11 ثُمَّ رَأَيْتُ السَّمَاءَ مَفْتُوحَةً، وَإِذَا فَرَسٌ أَبْيَضٌ وَالْجَالِسُ عَلَيْهِ يُدْعَى أَمِينًا وَصَادِقًا، وَبِالْعَدْلِ يَحْكُمُ وَيُحَارِبُ. 12 وَعَيْنَاهُ كَلْهَيْبِ نَارٍ، وَعَلَى رَأْسِهِ تِيْجَانٌ كَثِيرَةٌ، وَلَهُ اسْمٌ مَكْتُوبٌ لَيْسَ أَحَدٌ يَعْرِفُهُ إِلَّا هُوَ. 13 وَهُوَ مُتَسَرِّبٌ بِثَوْبٍ مَعْمُوسٍ بَدَمٍ، وَيُدْعَى اسْمُهُ «كَلِمَةَ اللَّهِ». 14 وَالْأَجْنَادُ الَّذِينَ فِي السَّمَاءِ كَانُوا يَتَّبِعُونَهُ عَلَى خَيْلٍ بِيضٍ، لِابْسِينٍ بَزًّا أَبْيَضَ وَنَقِيًّا. 15 وَمِنْ فَمِهِ يَخْرُجُ سَيْفٌ مَاضٍ لِكَيْ يَضْرِبَ بِهِ الْأُمَمَ. وَهُوَ سَيْرٌ عَاهِمٌ بَعْصًا مِنْ حَدِيدٍ، وَهُوَ يَدُوسُ مَعْصَرَةَ خَمْرٍ سَخَطٍ وَغَضَبِ اللَّهِ الْقَادِرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. 16 وَلَهُ عَلَى ثَوْبِهِ وَعَلَى فَخْذِهِ اسْمٌ مَكْتُوبٌ: «مَلِكُ الْمُلُوكِ وَرَبُّ الْأَرْبَابِ». 17 وَرَأَيْتُ مَلَكَ وَاحِدًا وَاقِفًا فِي الشَّمْسِ، فَصَرَخَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلًا لِجَمِيعِ الطُّيُورِ الطَّائِرَةِ فِي وَسْطِ السَّمَاءِ: «هَلُمَّ اجْتَمِعِي إِلَى عِشَاءِ الْإِلَهِ الْعَظِيمِ، 18 لِكَيْ تَأْكُلِي لُحُومَ مُلُوكٍ، وَلُحُومَ قُوَادٍ، وَلُحُومَ أَقْوِيَاءَ، وَلُحُومَ خَيْلٍ وَالْجَالِسِينَ عَلَيْهَا، وَلُحُومَ الْكُلِّ: حُرًّا وَعَبْدًا، صَغِيرًا وَكَبِيرًا».

۱۱ آنگاه دیدم که آسمان گشوده شد و اسبی سفید را مشاهده کردم که کسی بر آن نشسته است. او «امین و راست» خوانده می‌شود و به عدل داوری کرده، جنگ را پیش می‌برد. ۱۲ چشمانش شعله‌های آتش است و بر سرش تاج‌های\* بسیار دارد. نامی بر او نوشته شده است که هیچ کس جز خود او آن را نمی‌داند. ۱۳ او جامه‌ای به تن دارد که با خون لکه‌دار شده است\* و نامش «کلمه\* خدا» است. ۱۴ سپاهیان آسمان بر اسبان سفید به دنبال او می‌رفتند و آنان نیز به جامه‌هایی از کتان نفیس و سفید و پاک ملبّس بودند. ۱۵ از دهان او شمشیری تیز و بلند بیرون آمده است تا قوم‌ها را با آن بزند. او با عصای آهنین ایشان را شبانی خواهد کرد. همچنین انگورهای چرخُشت شدت غضب خدای قادر مطلق را لگدکوب خواهد نمود. ۱۶ بر جامه‌اش، روی ران او، این نام نوشته شده است، «پادشاه پادشاهان و سرور سروران.» ۱۷ همچنین فرشته‌ای دیدم که در نور خورشید ایستاده بود و با فریادی بلند به تمام پرندگان که در دل آسمان\* پرواز می‌کردند، می‌گفت: «اینجا بیایید، برای شام بزرگ خدا گرد هم آید ۱۸ تا بتوانید از گوشت پادشاهان، فرماندهان و مردان قوی و از گوشت اسبان و سوارانشان و از گوشت همه، چه آزاد و چه غلام و چه کوچک و چه بزرگ بخورید.»

19 وَرَأَيْتُ الْوَحْشَ وَمُلُوكَ الْأَرْضِ وَأَجْنَادَهُمْ مُجْتَمِعِينَ لِيَصْنَعُوا حَرْبًا مَعَ الْجَالِسِ عَلَى الْفَرَسِ وَمَعَ جُنْدِهِ. 20 فَقَبِضَ عَلَى الْوَحْشِ وَالنَّبِيِّ الْكَذَّابِ مَعَهُ، الصَّانِعِ قُدَّامَهُ الْآيَاتِ الَّتِي بِهَا أَضَلَّ الَّذِينَ قَبِلُوا سِمَةَ الْوَحْشِ وَالَّذِينَ سَجَدُوا لِصُورَتِهِ. وَطَرَحَ الْاِثْنَانِ حَيِّينَ إِلَى بُحَيْرَةِ النَّارِ الْمُتَّقَدَةِ بِالْكِبْرِيتِ. 21 وَالْبَاقُونَ قُتِلُوا بِسَيْفِ الْجَالِسِ عَلَى الْفَرَسِ الْخَارِجِ مِنْ فَمِهِ، وَجَمِيعُ الطُّيُورِ شَبِعَتْ مِنْ لُحُومِهِمْ.

۱۹ آنگاه وحش و پادشاهان زمین و سپاهیانشان را دیدم که گرد هم آمده بودند تا علیه آن اسب‌سوار و علیه سپاهش جنگ کنند. ۲۰ آن وحش به همراه پیامبر دروغین گرفتار شد؛ همان پیامبر دروغینی که نشانه‌هایی در برابر وحش به ظهور رسانده بود و باعث گمراهی کسانی شده بود که علامت وحش را بر خود داشتند و آنانی که مجسمه وحش را می‌پرستیدند. وحش و پیامبر دروغین هنوز زنده بودند که به دریاچه آتش و گوگرد سوزان افکنده شدند. ۲۱ اما باقی آنان با شمشیر بلندی که از دهان آن اسب‌سوار بیرون آمده بود، کشته شده، از گوشتشان همه پرندگان سیر شدند.<sup>۹</sup>

### رُؤْيَا يُوحَنَّا اللَّاهُوتِي 20 [مکاشفه ۱:۲۰-۱۵]

1 وَرَأَيْتُ مَلَكَ نَازِلًا مِنَ السَّمَاءِ مَعَهُ مِفْتَاحُ الْهَآوِيَةِ، وَسِلْسِلَةٌ عَظِيمَةٌ عَلَى يَدِهِ. 2 فَقَبِضَ عَلَى التَّيْنِ، الْحَيَّةِ الْقَدِيمَةِ، الَّذِي هُوَ إِبْلِيسُ وَالشَّيْطَانُ، وَقَيْدَهُ أَلْفَ سَنَةٍ، 3 وَطَرَحَهُ فِي الْهَآوِيَةِ وَأَغْلَقَ عَلَيْهِ، وَخَتَمَ عَلَيْهِ لِكَيْ لَا يُضِلَّ الْأُمَّمَ فِي مَا بَعْدُ، حَتَّى تَتِمَّ الْأَلْفُ السَّنَةِ. وَبَعْدَ ذَلِكَ لَا بَدَّ أَنْ يُحَلَّ زَمَانًا يَسِيرًا.

آنگاه دیدم که فرشته‌ای از آسمان پایین می‌آید و در دستش کلید چاه بی‌انتهاست\* و زنجیری بزرگ است. ۲ او اژدها، یعنی همان مار کهن را که ابلیس و شیطان است گرفته، در بند کشید

<sup>۹</sup> - قال أحمد الحسن (ع): « وهذا الذي يركب الفرس في هذه الرؤيا هو المهدي الأول اليماني. این کسی

که سوار اسب در این روایست، همان مهدی اول یمانی است. » رساله الهدایه

تا به مدت ۱۰۰۰ سال در بند بماند، ۳ او را در چاه بی‌انتها\* انداخت و در را به رویش قفل کرد و مهر و موم نمود تا قوم‌ها را تا پایان آن ۱۰۰۰ سال، دیگر گمراه نکند. پس از آن باید برای مدتی کوتاه آزاد شود.

4 **وَرَأَيْتُ عُرُوشًا فَجَلَسُوا عَلَيْهَا، وَأَعْطُوا حُكْمًا. وَرَأَيْتُ نُفُوسَ الَّذِينَ قُتِلُوا مِنْ أَجْلِ شَهَادَةِ يَسُوعَ وَمِنْ أَجْلِ كَلِمَةِ اللَّهِ، وَالَّذِينَ لَمْ يَسْجُدُوا لِلْوَحْشِ وَلَا لِصُورَتِهِ، وَلَمْ يَقْبَلُوا السِّمَّةَ عَلَى جَبَاهِهِمْ وَعَلَى أَيْدِيهِمْ، فَعَاشُوا وَمَلَكَوا مَعَ الْمَسِيحِ أَلْفَ سَنَةٍ. 5 وَأَمَّا بَقِيَّةُ الْأَمْوَاتِ فَلَمْ تَعِشْ حَتَّى تَمَّ الْأَلْفُ السَّنَةِ. هَذِهِ هِيَ الْقِيَامَةُ الْأُولَى. 6 مَبَارَكٌ وَمُقَدَّسٌ مَنْ لَهُ نَصِيبٌ فِي الْقِيَامَةِ الْأُولَى. هُوَ لَا لَيْسَ لِلْمَوْتِ الثَّانِي سُلْطَانٌ عَلَيْهِمْ، بَلْ سَيَكُونُونَ كَهَنَةً لِلَّهِ وَالْمَسِيحِ، وَسَيَمْلِكُونَ مَعَهُ أَلْفَ سَنَةٍ.**

۴ تخت‌هایی دیدم که کسانی بر آنها نشسته بودند و اقتدار داوری به ایشان داده شد. آری، کسانی\* را دیدم که به خاطر شهادت دادن در مورد عیسی و سخن گفتن در مورد خدا اعدام شده بودند.\* آنان وحش و مجسمه آن را پرستش نکرده بودند و آن علامت را بر پیشانی و دستشان نداشتند. ایشان زنده شدند و در مقام پادشاه به مدت ۱۰۰۰ سال با مسیح سلطنت کردند. ۵ (بقیه مردگان، تا پایان آن ۱۰۰۰ سال زنده نشدند.) این رستاخیز اول است. ۶ خوشحال و مقدسند کسانی که در رستاخیز اول سهمی دارند؛ مرگ دوم بر آنان هیچ اقتداری ندارد، بلکه کاهنان خدا و کاهنان مسیح خواهند بود و در مقام پادشاه به مدت ۱۰۰۰ سال با او سلطنت خواهند کرد.

7 **ثُمَّ مَتَى تَمَّتِ الْأَلْفُ السَّنَةُ يَحِلُّ الشَّيْطَانُ مِنْ سِجْنِهِ، 8 وَيَخْرُجُ لِيُضِلَّ الْأُمَّمَ الَّذِينَ فِي أَرْبَعِ زَوَايَا الْأَرْضِ: جُوجَ وَمَاجُوجَ، لِيَجْمَعَهُمْ لِلْحَرْبِ، الَّذِينَ عَدَدُهُمْ مِثْلُ رَمْلِ الْبَحْرِ. 9 فَصَعِدُوا عَلَى عَرْضِ الْأَرْضِ، وَأَحَاطُوا بِمَعَسِكَرِ الْقَدِيسِينَ وَبِالْمَدِينَةِ الْمَحْبُوبَةِ، فَنَزَلَتْ نَارٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مِنَ السَّمَاءِ وَأَكَلَتْهُمْ. 10 وَإِبْلِيسُ الَّذِي كَانَ يُضِلُّهُمْ طَرَحَ فِي بُحَيْرَةِ النَّارِ وَالْكَبْرِيتِ، حَيْثُ الْوَحْشُ وَالنَّبِيُّ الْكَذَّابُ. وَسَيَعَذَّبُونَ نَهَارًا وَلَيْلًا إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ.**

۷ به محض پایان یافتن آن ۱۰۰۰ سال، شیطان از زندانش رها خواهد شد ۸ و بیرون خواهد آمد تا قوم‌های چهار گوشه زمین را گمراه کرده، آنان را برای جنگ گرد هم آورد، آری جوج و ماجوج. شمار آنان مانند شن‌های دریاست. ۹ آنان بر تمام زمین پیش رفته، خیمه‌گاه مقدّسان و آن شهر محبوب را محاصره کردند. اما آتش از آسمان آمد و آنان را بلعید ۱۰ و ابلیس که آنان را گمراه می‌کرد به دریاچه آتش و گوگرد انداخته شد، جایی که هم وحش و هم پیامبر دروغین بودند. اینان شب و روز، همیشه و تا ابد عذاب خواهند دید.\*

**11 ثُمَّ رَأَيْتُ عَرْشًا عَظِيمًا أَبْيَضَ، وَالْجَالِسَ عَلَيْهِ، الَّذِي مِنْ وَجْهِهِ هَرَبَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، وَلَمْ يُوَجَدْ لَهُمَا مَوْضِعٌ! 12 وَرَأَيْتُ الْأَمْوَاتَ صِغَارًا وَكِبَارًا وَاقْفِينِ أَمَامَ اللَّهِ، وَأَنْفَتَحَتْ أَسْفَارٌ، وَأَنْفَتَحَ سِفْرٌ آخَرٌ هُوَ سِفْرُ الْحَيَاةِ، وَدِينَ الْأَمْوَاتِ مِمَّا هُوَ مَكْتُوبٌ فِي الْأَسْفَارِ بِحَسَبِ أَعْمَالِهِمْ. 13 وَسَلَّمَ الْبَحْرُ الْأَمْوَاتِ الَّذِينَ فِيهِ، وَسَلَّمَ الْمَوْتُ وَالْهَائِيَةَ الْأَمْوَاتِ الَّذِينَ فِيهِمَا. وَدِينُوا كُلُّ وَاحِدٍ بِحَسَبِ أَعْمَالِهِ. 14 وَطُرِحَ الْمَوْتُ وَالْهَائِيَةُ فِي بُحَيْرَةِ النَّارِ. هَذَا هُوَ الْمَوْتُ الثَّانِي. 15 وَكُلُّ مَنْ لَمْ يُوَجَدْ مَكْتُوبًا فِي سِفْرِ الْحَيَاةِ طُرِحَ فِي بُحَيْرَةِ النَّارِ.**

۱۱ آنگاه تختی بزرگ و سفید دیدم که شخصی بر آن نشسته بود. زمین و آسمان از برابر او گریختند و جایی برایشان یافت نشد. ۱۲ مردگان را دیدم که کوچک و بزرگ در پیشگاه تخت ایستاده بودند و دفترهایی\* باز شد. دفتری دیگر نیز باز شد که دفتر حیات است. مردگان بر حسب آنچه در دفترها نوشته شده بود، مطابق اعمالشان داوری شدند. ۱۳ آنگاه دریا مردگانی را که در آن بودند، پس داد و مرگ و گور،\* مردگانی را که در آن‌ها بودند، پس دادند و هر یک مطابق اعمالش داوری شد. ۱۴ سپس مرگ و گور\* به دریاچه آتش افکنده شد. این است مرگ دوم، یعنی همان دریاچه آتش. ۱۵ به علاوه، هر که در دفتر حیات یافت نشد، به دریاچه آتش افکنده شد.

## رؤیا یوحنا اللاهوتی 21 [مکاشفه ۱:۲۱-۲۷]

1 ثُمَّ رَأَيْتُ سَمَاءَ جَدِيدَةً وَأَرْضًا جَدِيدَةً، لَأَنَّ السَّمَاءَ الْأُولَى وَالْأَرْضَ الْأُولَى مَضَتَا، وَالْبَحْرُ لَا يُوجَدُ فِي مَا بَعْدُ. 2 وَأَنَا يُوحَنَّا رَأَيْتُ الْمَدِينَةَ الْمُقَدَّسَةَ أُورُشَلِيمَ الْجَدِيدَةَ نَازِلَةً مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُهَيَّأَةً كَعُرُوسٍ مُزَيَّنَةٍ لِرَجُلِهَا. 3 وَسَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا: «هُوَذَا مَسْكَنُ اللَّهِ مَعَ النَّاسِ، وَهُوَ سَيَسْكُنُ مَعَهُمْ، وَهُمْ يَكُونُونَ لَهُ شَعْبًا، وَاللَّهُ نَفْسُهُ يَكُونُ مَعَهُمْ إِلَهًا لَهُمْ. 4 وَسَيَمَسُحُ اللَّهُ كُلَّ دَمْعَةٍ مِنْ عُيُونِهِمْ، وَالْمَوْتُ لَا يَكُونُ فِي مَا بَعْدُ، وَلَا يَكُونُ حُزْنٌ وَلَا صُرَاخٌ وَلَا وَجَعٌ فِي مَا بَعْدُ، لَأَنَّ الْأُمُورَ الْأُولَى قَدْ مَضَتْ».

آنگاه آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم؛ زیرا آسمان پیشین و زمین پیشین از میان رفته بود. دریا نیز دیگر وجود ندارد. ۲ من یوحنا هستم که شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم شهری که از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد، و به آراستگی عروسی بود که برای دامادش آماده شده باشد. ۳ آنگاه صدایی بلند از تخت شنیدم که گفت: «نگاه کن! خیمه خدا با انسان‌هاست. او با آنان ساکن خواهد شد و ایشان قوم او خواهند بود و خود خدا با آنان خواهد بود. ۴ خدا هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد کرد. دیگر مرگ نخواهد بود و ماتم و شیون و درد نیز وجود نخواهد داشت. چیزهای گذشته سپری شده است.»

5 وَقَالَ الْجَالِسُ عَلَى الْعَرْشِ: «هَا أَنَا أَصْنَعُ كُلَّ شَيْءٍ جَدِيدًا!». وَقَالَ لِي: «اكْتُبْ: فَإِنَّ هَذِهِ الْأَقْوَالَ صَادِقَةٌ وَأَمِينَةٌ». 6 ثُمَّ قَالَ لِي: «قَدْ تَمَّ! أَنَا هُوَ الْأَلِفُ وَالْيَاءُ، الْبَدَايَةُ وَالنَّهَائَةُ. أَنَا أُعْطِيَ الْعَطْشَانَ مِنْ يَنْبُوعِ مَاءِ الْحَيَاةِ مَجَّانًا. 7 مَنْ يَغْلِبُ يَرِثُ كُلَّ شَيْءٍ، وَأَكُونُ لَهُ إِلَهًا وَهُوَ يَكُونُ لِي ابْنًا. 8 وَأَمَّا الْخَائِفُونَ وَغَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالرَّجْسُونَ وَالْقَاتِلُونَ وَالزُّنَاةُ وَالسَّحَرَةُ وَعَبَدَةُ الْأَوْثَانِ وَجَمِيعُ الْكَذَّابَةِ، فَنَصِيبُهُمْ فِي الْبَحِيرَةِ الْمُتَقَدَّةِ بِنَارٍ وَكِبْرِيَةٍ، الَّذِي هُوَ الْمَوْتُ الثَّانِي».

۵ آن تخت‌نشین گفت: «نگاه کن! من همه چیز را نو می‌سازم.» همچنین گفت: «بنویس؛ زیرا این گفته‌ها امین و راست است.» ۶ آنگاه به من گفت: «این‌ها به انجام رسیده است! من <الف> و <ی> و آغاز و پایان هستم. به هر که تشنه باشد به‌رایگان از چشمه آب حیات خواهم داد. ۷

آن که غالب آید، این‌ها را به میراث خواهد برد و من خدای او و او پسر من خواهد بود. ۸ اما بزدلان، بی‌ایمانان، افراد ناپاک و نفرت‌انگیز، قاتلان، کسانی که مرتکب اعمال نامشروع جنسی\* می‌شوند، کسانی که به نیروهای غیبی متوسل می‌شوند، بت‌پرستان و تمام دروغگویان، نصیبشان در دریاچه مشتعل به آتش و گوگرد خواهد بود. این همان مرگ دوم است.»<sup>۱۰</sup>

9 ثُمَّ جَاءَ إِلَىٰ وَاحِدٍ مِّنَ السَّبْعَةِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مَعَهُمُ السَّبْعَةُ الْجَمَاتِ الْمَمْلُوءَةِ مِنَ السَّبْعِ الضَّرْبَاتِ الْأَخِيرَةِ، وَتَكَلَّمَ مَعِيَ قَائِلًا: «هَلُمَّ فَأُرِيكَ الْعُرُوسَ امْرَأَةَ الْخُرُوفِ». 10 وَذَهَبَ بِي بِالرُّوحِ إِلَىٰ جَبَلٍ عَظِيمٍ عَالٍ، وَأَرَانِي الْمَدِينَةَ الْعَظِيمَةَ أُورُشَلِيمَ الْمُقَدَّسَةَ نَازِلَةً مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، 11 لَهَا مَجْدٌ اللَّهُ، وَلَمَعَانُهَا شِبْهُ أَكْرَمِ حَجَرٍ كَحَجَرٍ يَشْبُ بُلُورِيٌّ. 12 وَكَانَ لَهَا سُورٌ عَظِيمٌ وَعَالٌ، وَكَانَ لَهَا اثْنَا عَشَرَ بَابًا، وَعَلَى الْأَبْوَابِ اثْنَا عَشَرَ مَلَكًَا، وَأَسْمَاءٌ مَكْتُوبَةٌ هِيَ أَسْمَاءُ أَسْبَاطِ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْاِثْنَيْ عَشَرَ. 13 مِنَ الشَّرْقِ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ، وَمِنَ الشَّمَالِ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ، وَمِنَ الْجَنُوبِ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ، وَمِنَ الْغَرْبِ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ. 14 وَسُورُ الْمَدِينَةِ كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ أَسَاسًا، وَعَلَيْهَا أَسْمَاءُ رُسُلِ الْخُرُوفِ الْاِثْنَيْ عَشَرَ.

۹ آنگاه یکی از آن هفت فرشته‌ای که هفت کاسه پر از هفت بلای آخر را داشتند، آمد و به من گفت: «بیا و من عروس را که همسر برّه است، به تو نشان خواهم داد.» ۱۰ پس با قدرت روح مرا به کوهی بزرگ و بلند برد و شهر مقدس اورشلیم را به من نشان داد که از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد ۱۱ و جلال خدا را داشت. درخشش آن همچون گرانبهاترین سنگ بود؛ مانند سنگ یشبی بود که همچون بلور شفاف بدرخشد. ۱۲ دیواری بزرگ و بلند و ۱۲ دروازه داشت. ۱۲ فرشته کنار دروازه‌ها بودند و نام ۱۲ طایفه بنی‌اسرائیل، بر دروازه‌ها نوشته شده بود. ۱۳ سه دروازه در سمت شرق، سه دروازه در سمت شمال، سه دروازه در سمت

<sup>10</sup> - قال أحمد الحسن (ع): « والألف والياء ، والبداية والنهاية هو : الإمام المهدي ، والذي يغلب هو نفسه الأسد الذي يغلب في أول الرؤيا ، وهو المهدي الأول واليماني. امام مهدی (ع) الف ویا و آغاز و نهایت است، و مهدی اول ویمانی همان شیری است که در اول رویا پیروز می شود.» رساله الهدایه



جنوب و سه دروازه در سمت غرب شهر بود. ۱۴ دیوار شهر نیز بر ۱۲ پی سنگی قرار داشت و بر آن‌ها نام ۱۲ رسول بره نوشته شده بود.

**15 وَالَّذِي كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعِيَ كَانَ مَعَهُ قَصَبَةٌ مِنْ ذَهَبٍ لِكَيْ يَقِيسَ الْمَدِينَةَ وَأَبْوَابَهَا وَسُورَهَا. 16**  
**وَالْمَدِينَةُ كَانَتْ مَوْضُوعَةً مَرْبَعَةً، طُولُهَا بِقَدْرِ الْعَرْضِ. فَقَاسَ الْمَدِينَةَ بِالْقَصَبَةِ مَسَافَةً اثْنَيْ عَشَرَ**  
**أَلْفَ غَلْوَةٍ. الطُّولُ وَالْعَرْضُ وَالْإِرْتِفَاعُ مُتَسَاوِيَةٌ. 17 وَقَاسَ سُورَهَا: مِئَةً وَأَرْبَعًا وَأَرْبَعِينَ ذِرَاعًا،**  
**ذِرَاعَ إِنْسَانٍ أَيْ الْمَلَكَ. 18 وَكَانَ بِنَاءُ سُورِهَا مِنْ يَشْبٍ، وَالْمَدِينَةُ ذَهَبٌ نَقِيٌّ شَبِيهُ زُجَاجٍ نَقِيٍّ.**  
**19 وَأَسَاسَاتُ سُورِ الْمَدِينَةِ مُزَيَّنَةٌ بِكُلِّ حَجَرٍ كَرِيمٍ. الْأَسَاسُ الْأَوَّلُ يَشْبٌ. الثَّانِي يَاقُوتٌ أَزْرَقٌ.**  
**الثَّلَاثُ عَقِيقٌ أَبْيَضٌ. الرَّابِعُ زُمْرَدٌ ذُبَابِيٌّ 20 الْخَامِسُ جَزَعٌ عَقِيقِيٌّ. السَّادِسُ عَقِيقٌ أَحْمَرٌ. السَّابِعُ**  
**زَبْرَجْدٌ. الثَّامِنُ زُمْرَدٌ سَلْقِيٌّ. التَّاسِعُ يَاقُوتٌ أَصْفَرٌ. الْعَاشِرُ عَقِيقٌ أَخْضَرٌ. الْحَادِي عَشَرَ**  
**أَسْمَانْجُونِيٌّ. الثَّانِي عَشَرَ جَمَشْتٌ. 21 وَالْإِثْنَا عَشَرَ بَابًا اثْنَتَا عَشْرَةَ لَوْلُؤَةً، كُلُّ وَاحِدٍ مِنَ الْأَبْوَابِ**  
**كَانَ مِنْ لَوْلُؤَةٍ وَاحِدَةٍ. وَسُوقُ الْمَدِينَةِ ذَهَبٌ نَقِيٌّ كَزُجَاجٍ شَفَافٍ.**

۱۵ آن که با من صحبت می کرد، یک نی طلایی برای اندازه گیری داشت تا شهر و دروازه‌ها و دیوار آن را اندازه بگیرد. ۱۶ شهر به شکل مربعی با طول و عرض برابر بود. او با آن نی شهر را اندازه گیری کرد. طول، عرض و ارتفاع آن یکسان و ۱۲،۰۰۰ استادیون\* بود. ۱۷ دیوار شهر را نیز اندازه گرفت و آن ۱۴۴ ذراع\* بود. این مطابق معیار انسانی، یعنی معیاری بود که فرشته به کار برد. ۱۸ دیوار از یشب ساخته شده بود. شهر نیز از طلای خالص بود و همچون شیشه شفاف. ۱۹ پی دیوار زیبای شهر از انواع سنگ‌های گرانبها\* ساخته شده بود؛ پی اول از یشب بود، دوم از یاقوت کبود، سوم از عقیق سپید، چهارم از زمرد، ۲۰ پنجم از عقیق ساردنیکس، ششم از عقیق خرمایی، هفتم از زبرجد، هشتم از بریل، نهم از توپاز، دهم از عقیق سبز، یازدهم از زرگون آبی و دوازدهم از گمست بود. ۲۱ همچنین آن ۱۲ دروازه از ۱۲ مروارید بود؛ هر یک از دروازه‌ها از یک مروارید ساخته شده بود. خیابان اصلی شهر از طلای خالص و همچون شیشه شفاف بود.

22 وَلَمْ أَرَ فِيهَا هَيْكَلًا، لَأَنَّ الرَّبَّ اللَّهَ الْقَادِرَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، هُوَ وَالْخُرُوفُ هَيْكَلُهَا. 23 وَالْمَدِينَةُ لَا تَحْتَاجُ إِلَى الشَّمْسِ وَلَا إِلَى الْقَمَرِ لِيُضِيئَا فِيهَا، لَأَنَّ مَجْدَ اللَّهِ قَدْ أَنَارَهَا، وَالْخُرُوفُ سِرَاجُهَا. 24 وَتَمْشِي شُعُوبُ الْمُخَلَّصِينَ بِنُورِهَا، وَمُلُوكُ الْأَرْضِ يَجِيئُونَ بِمَجْدِهِمْ وَكَرَامَتِهِمْ إِلَيْهَا. 25 وَأَبْوَابُهَا لَنْ تُغْلَقَ نَهَارًا، لَأَنَّ لَيْلًا لَا يَكُونُ هُنَاكَ. 26 وَيَجِيئُونَ بِمَجْدِ الْأُمَمِ وَكَرَامَتِهِمْ إِلَيْهَا. 27 وَلَنْ يَدْخُلَهَا شَيْءٌ دَنَسٌ وَلَا مَا يَصْنَعُ رَجَسًا وَكَذِبًا، إِلَّا الْمَكْتُوبِينَ فِي سِفْرِ حَيَاةِ الْخُرُوفِ.

۲۲ معبدی در آن شهر ندیدم؛ زیرا یهوه\* خدای قادر مطلق و برّه، معبد آن هستند. ۲۳ این شهر نه نیازی به خورشید دارد که بر آن بتابد و نه نیازی به ماه؛ زیرا جلال خدا روشنی‌بخش آن و برّه چراغ آن است. ۲۴ قوم‌ها در نور آن، گام برخواهند داشت و پادشاهان زمین شکوه خود را به آنجا خواهند آورد. ۲۵ دروازه‌های آن در روز هرگز بسته نخواهد شد، چون در آنجا شب وجود نخواهد داشت. ۲۶ جلال و عزت قوم‌ها به آنجا آورده خواهد شد. ۲۷ اما هیچ چیز ناپاک و کسی که اعمال نفرت‌انگیز و فریبکارانه انجام می‌دهد، به هیچ وجه داخل آن نخواهد شد. فقط کسانی که نامشان در دفتر حیات برّه نوشته شده است، به آن شهر داخل خواهند شد.

## رُؤْيَا يُوْحَنَّا اللَّاهُوتِي 22 [مكاشفه ۱:۲۲-۲۱]

1 وَأَرَانِي نَهْرًا صَافِيًا مِنْ مَاءِ حَيَاةٍ لَامِعًا كَبَلُّورٍ، خَارِجًا مِنْ عَرْشِ اللَّهِ وَالْخُرُوفِ. 2 فِي وَسْطِ سُوقِهَا وَعَلَى النَّهْرِ مِنْ هُنَا وَمِنْ هُنَاكَ، شَجَرَةٌ حَيَاةٌ تَصْنَعُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ ثَمْرَةً، وَتُعْطِي كُلَّ شَهْرٍ ثَمْرَهَا، وَوَرَقُ الشَّجَرَةِ لِشِفَاءِ الْأُمَّمِ. 3 وَلَا تَكُونُ لَعْنَةٌ مَا فِي مَا بَعْدُ. وَعَرْشُ اللَّهِ وَالْخُرُوفُ يَكُونُ فِيهَا، وَعَبِيدُهُ يَخْدُمُونَهُ. 4 وَهُمْ سَيَنْظُرُونَ وَجْهَهُ، وَاسْمُهُ عَلَى جِبَاهِهِمْ. 5 وَلَا يَكُونُ لَيْلٌ هُنَاكَ، وَلَا يَحْتَاجُونَ إِلَى سِرَاجٍ أَوْ نُورِ شَمْسٍ، لَأَنَّ الرَّبَّ إِلَهَ يُنِيرُ عَلَيْهِمْ، وَهُمْ سَيَمْلِكُونَ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ. 6 ثُمَّ قَالَ لِي: «هَذِهِ الْأَقْوَالُ أَمِينَةٌ وَصَادِقَةٌ. وَالرَّبُّ إِلَهُ الْأَنْبِيَاءِ الْقَدِيسِينَ أَرْسَلَ مَلَكَهٖ لِيُرِيَ عَبِيدَهُ مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ سَرِيعًا». 7 «هَا أَنَا آتِي سَرِيعًا. طُوبَى لِمَنْ يَحْفَظُ أَقْوَالَ نُبُوَّةِ هَذَا الْكِتَابِ».

آن فرشته رودخانه‌ای از آب حیات به من نشان داد که همچون بلور شفاف بود و از تخت خدا و برّه جاری می‌شد ۲ و از میان خیابان اصلی شهر می‌گذشت. در دو طرف رودخانه درختان حیات قرار داشت که دوازده بار میوه می‌داد، یعنی هر ماه یک بار. برگ‌های آن درختان برای شفای قوم‌ها بود. ۳ دیگر در آنجا هیچ لعنتی نخواهد بود. بلکه تخت خدا و برّه در شهر خواهد بود و غلامان خدا خدمت مقدّس را به حضور او به جا خواهند آورد. ۴ آنان صورت او را خواهند دید و نام او بر پیشانی‌شان خواهد بود. ۵ همچنین، دیگر شب نخواهد بود و آنان نه به نور چراغ نیاز خواهند داشت و نه به نور خورشید؛ زیرا یهوه\* خدا بر آنان نور خواهد تاباند و ایشان در مقام پادشاه همیشه و تا ابد سلطنت خواهند کرد. ۶ آنگاه او به من گفت: «این گفته‌ها امین\* و راست است؛ آن رب که خداوندگار انبیا مقدّس است، فرشته خود را فرستاد تا آنچه را باید به‌زودی به وقوع بپیوندد، به غلامان خود نشان دهد. ۷ بنگر! من به‌زودی می‌آیم. خوشا به حال هر کس که اخبار غیبی این کتاب را به گوش گیرد.»

**8 وَأَنَا يُوحَنَّا الَّذِي كَانَ يَنْظُرُ وَيَسْمَعُ هَذَا. وَحِينَ سَمِعْتُ وَنَظَرْتُ، خَرَرْتُ لِاسْجُدَ أَمَامَ رَجُلِي الْمَلَائِكَةِ الَّذِي كَانَ يُرِينِي هَذَا. 9 فَقَالَ لِي: «انْظُرْ لَا تَفْعَلْ! لِأَنِّي عَبْدٌ مَعَكَ وَمَعَ إِخْوَتِكَ الْأَنْبِيَاءِ، وَالَّذِينَ يَحْفَظُونَ أَقْوَالَ هَذَا الْكِتَابِ. اسْجُدْ لِلَّهِ!» 10 وَقَالَ لِي: «لَا تَخْتِمَ عَلَيَّ أَقْوَالَ نُبُوَّةِ هَذَا الْكِتَابِ، لِأَنَّ الْوَقْتَ قَرِيبٌ. 11 مَنْ يَظْلِمُ فَلْيَظْلِمْ بَعْدُ. وَمَنْ هُوَ نَجِسٌ فَلْيَتَنَجَّسْ بَعْدُ. وَمَنْ هُوَ بَارٌّ فَلْيَتَبَرَّرْ بَعْدُ. وَمَنْ هُوَ مُقَدَّسٌ فَلْيَتَقَدَّسْ بَعْدُ.»**

۸ من، یوحنا، همان کسی هستم که این چیزها را شنیدم و دیدم. با شنیدن و دیدن این‌ها، به پای فرشته‌ای که این چیزها را به من نشان داده بود، افتادم تا او را پرستش کنم. ۹ اما او به من گفت: «مواظب باش! چنین مکن! من نیز همچون تو و برادرانت که پیامبرند و کسانی که سخنان این کتاب را به گوش می‌گیرند، غلامی بیش نیستم. خدا را پرست.» ۱۰ او همچنین به من گفت: «اقوال نبوت این کتاب را مَهر و موم مکن؛ زیرا زمان مقرر نزدیک است. ۱۱ بگذار آن که بدکار است در بدکاری خود پیش رود و آنکس که نجس است نجس تر گردد؛ و آن که درستکار است به درستکاری خود ادامه دهد و آن که مقدّس است، مقدّس تر گردد.»

12 «وَهَا أَنَا آتِي سَرِيْعًا وَأُجْرَتِي مَعِيَ لِأُجَارِيَ كُلَّ وَاحِدٍ كَمَا يَكُونُ عَمَلُهُ. 13 أَنَا الْأَلِفُ وَالْيَاءُ، الْبُدَايَةُ وَالنَّهَائِيَةُ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ». 14 طُوبَى لِلَّذِينَ يَصْنَعُونَ وَصَايَاهُ لِكَيْ يَكُونَ سُلْطَانُهُمْ عَلَى شَجَرَةِ الْحَيَاةِ، وَيَدْخُلُوا مِنَ الْأَبْوَابِ إِلَى الْمَدِينَةِ، 15 لِأَنَّ خَارِجًا الْكِلَابَ وَالسَّحْرَةَ وَالزُّنَاةَ وَالْقَتْلَةَ وَعَبْدَةَ الْأَوْثَانِ، وَكُلَّ مَنْ يُحِبُّ وَيَصْنَعُ كَذِبًا.

۱۲ «بنگر! من به زودی می آیم تا به آن کس که با من است مطابق اعمالش پاداش و جزا دهم. ۱۳ من «الف» و «ی» هستم، نخستین و آخرین، آغاز و پایان. ۱۴ خوشا به حال آنانی که به وصیتها عمل می کنند، تا اینکه قدرت قرار گرفتن بر درختان حیات را داشته باشند، و بتوانند از طرق دروازه های وارد شهر (مقدس) گردند. ۱۵ چرا که بیرون شهر (مقدس) سگ ها و ساحران و زناکاران و قاتلان و بت پرستان هستند، همچنین همه آنانی که دروغ گفتن را دوست می دارند و آن را پیشه خود می سازند.»

16 «أَنَا يَسُوعُ، أَرْسَلْتُ مَلَائِكِي لِأَشْهَدَ لَكُمْ بِهَذِهِ الْأُمُورِ عَنِ الْكِنَائِسِ. أَنَا أَصْلُ وَذُرِّيَّةُ دَاوُدَ. كَوَكَبُ الصُّبْحِ الْمُنِيرِ». 17 وَالرُّوحُ وَالْعَرُوسُ يَقُولَانِ: «تَعَالِ!» وَمَنْ يَسْمَعُ فَلْيَقُلْ: «تَعَالِ!» وَمَنْ يَعْطَشُ فَلْيَأْتِ. وَمَنْ يُرِدُ فَلْيَأْخُذْ مَاءَ حَيَاةٍ مَجَّانًا. 18 لِأَنِّي أَشْهَدُ لِكُلِّ مَنْ يَسْمَعُ أَقْوَالَ نُبُوَّةِ هَذَا الْكِتَابِ: إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَزِيدُ عَلَيَّ هَذَا، يَزِيدُ اللَّهُ عَلَيْهِ الضَّرَبَاتِ الْمَكْتُوبَةَ فِي هَذَا الْكِتَابِ. 19 وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يَحْذِفُ مِنْ أَقْوَالِ كِتَابِ هَذِهِ النُّبُوَّةِ، يَحْذِفُ اللَّهُ نَصِيبَهُ مِنْ سَفَرِ الْحَيَاةِ، وَمِنَ الْمَدِينَةِ الْمُقَدَّسَةِ، وَمِنَ الْمَكْتُوبِ فِي هَذَا الْكِتَابِ. 20 يَقُولُ الشَّاهِدُ بِهَذَا: «نَعَمْ! أَنَا آتِي سَرِيْعًا». آمِينَ. تَعَالِ أَيُّهَا الرَّبُّ يَسُوعُ. 21 نِعْمَةٌ رَبَّنَا يَسُوعَ الْمَسِيحِ مَعَ جَمِيعِكُمْ. آمِينَ.

۱۶ «من، یسوع، به خاطر جماعتها فرشته خود را نزد شما فرستادم تا به شما در مورد این چیزها شهادت دهد. من ریشه و نسل داوود و آن ستاره درخشان صبح هستم.» ۱۷ روح و عروس همچنان می گویند: «بیا!» و هر که می شنود، بگوید: «بیا!» و هر که تشنه است، و هر که می خواهد، به رایگان از آب حیات بنوشد بیاید. ۱۸ «من به همه کسانی که اخبار غیبی این کتاب را می شنوند، چنین اعلام می کنم: اگر کسی چیزی بر اینها بیفزاید، خدا نیز بلایایی را که

در این کتاب نوشته شده است، بر او خواهد افزود. ۱۹ همچنین اگر کسی چیزی از کلام این کتاب نبوی کم کند، خدا او را از نصیبش محروم خواهد ساخت؛ یعنی از درختان حیات و شهر مقدّس که در این کتاب توصیف شده است. ۲۰ «آن که به این امور شهادت می‌دهد، می‌گوید: «آری، به‌زودی می‌آیم.» آمین! بیا، ای یسوع سرور. ۲۱ لطف سرور ما یسوع بر شما جمعیت (مقدّسان باد). آمین.»<sup>۱۱</sup>

\*\*\*



## ▪ سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، وی احمد فرزند اسماعیل فرزند صالح فرزند حسین فرزند سلمان فرزند محمد المهدی فرزند حسن العسکری فرزند علی الہادی فرزند محمد الجواد فرزند علی الرضا فرزند موسی الکاظم فرزند جعفر الصادق فرزند محمد الباقر فرزند علی السجاد فرزند حسین الشہید فرزند علی امیر المؤمنین فرزند ابیطالب می باشد. کہ درود و سلام خدا بر آن ہا باد.

او جانشین و فرستادہ امام مہدی (محمد فرزند حسن عسکری) برای عموم مردم، یمانی موعود نزد شیعیان، و طبق عقیدہ اہل سنت همان مہدی ای است کہ رسول خدا بہ تولد ایشان در آخر الزمان مژدہ دادہ بودند؛ و معزی برای پیامبران خدا و فرستادگانہ کہ پیامبر خدا حضرت عیسی وعدہ او را در انجیل دادہ است، و نجات دہندہ ای کہ پیامبر خدا ایلیا، وعدہ ظهورشان را بہ یہودیان دادہ بودند.

سال 1999 میلادی (1378 هـ ش) در عراق پایتخت دولت عدل الہی ہمراہ با دعوت بزرگ خداوند ظهور کردند و دعوتشان توسط دلایل و احتجاجاتہش نزد مردم همانگونہ کہ پیامبران و فرستادگان خداوند از قبل بر قومشان احتجاج می کردند، در کل عالم انتشار پیدا کرد. دلایل ایشان شامل: چندین متن (عین وصیت جد بزرگوارشان پیامبر اکرم، کہ اسم و شأن و منزلتشان در آن اشارہ شدہ است. و همچنین دہ ہا متن معتبر دیگر نزد مسلمانان، مسیحیان و یہودیان) - علمی کہ با آن بہ مبارزہ و مناظرہ بزرگان ادیان و کل طوائف برخاستند - پرچم بیعت خدا و دعوت بہ حاکمیت خداوند و نیز ہمراہ با تأیید خدای پاک و منزہ در ملکوت توسط صدہا رؤیای صادقہ پیامبران و اوصیایی کہ بہ آن شہادت می دہند.

و همانا با خط مبارکشان مجموعہ ای از کتاب ہایی کہ شامل بسیاری از مسایل خدانشناسی بودند را در میان مردم منتشر کردند. از آن ہا می توان بہ: کتاب توحید، متشابہات، روشنگری از دعوات فرستادگان، سفر حضرت موسی بہ مجمع البحرین، نبوت خاتمہ، فتنہ گوسالہ، جہاد

درب بهشت، حاکمیت خدا نه حاکمیت مردم، گزیده ای از تفسیر سوره فاتحه و چندین کتاب دیگر اشاره کرد.

اما هدف دعوت ایشان، همان هدف دعوت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (درود خداوند بر آن ها باد) است تا همانا توحید و یگانگی در تمامی نواحی جهان انتشار پیدا کند. هدف پیامبران و فرستادگان هدف اوست و بیان تورات و انجیل و قرآن و آنچه را که در مورد آن دچار اختلاف شده اند، پر شدن زمین از عدل و داد همانگونه که از جور و ستم پر شده است، می باشد؛ تا گرسنگان را سیر کند و تنگدستان را در نیازمندی باقی نماند. تا یتیمان را پس از غم و اندوه طولانی‌شان شاد گرداند و زنان بیوه از آنچه که نیازهای مادی دارند، با احترام دریافت کنند. تا... تا... و تا آنچه از عدل و رحمت و راستی در شریعت است تحقق بخشد. همانا بسیاری از مؤمنان پراکنده شده در مناطق زیادی از جهان به این دعوت مبارک و فرخنده پیوسته اند.

لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت رسمی انصار امام مهدی مراجعه نمایید:

[/http://almahdyoon.org](http://almahdyoon.org)

\*\*\*

## کتاب دیجیتال

الطوفان الثاني؛ تحليلي بر روايات هلاکت 2.3 (دُو سُوْم) بشریت.pdf

<http://u2s.ir/JXFouH>

تحليلي بر روايات؛ الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ.pdf

<http://u2s.ir/ouw0kZ>

تحليلي بر روايت؛ مَنْ يَضْمَنُ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنَ لَهُ الْقَائِمَ.pdf

<http://u2s.ir/dxoImhB>

مُعْجَم احاديث سُفْيَانِي؛ (236) روايت در مورد سُفْيَانِي و اختلاف اهل الشَّام.pdf

<http://u2s.ir/x7KCWDG>

چهل (40) روايت از پرچم هاي سياه مهدي يَمَانِي.pdf

<http://u2s.ir/xPUR8I>

هشتاد (80) روايت از ملاحم اهل مشرق (ايران) در آخِر الزَّمان.pdf

<http://u2s.ir/ttBz7l5>

علائم آخِر الزَّمان در مكاشفات يُوحَنَّا؛ رُؤْيَا يوحنا اللاهوتي.pdf

<http://u2s.ir/Z4QmYL>